وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

میکروفیلم تهیه شد

۲۶

۱۳۸۳ /۵/ ۲۴

آستان قدس

کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب ~~کتاب الصلوة~~ ج ۶ (صدر او ذیلا) فارسی
لوامع صاحبقرانی
مصنف ملا محمد تقی مجلسی اول
مؤلف
خطی نسخ ۲۱ سطری عناوین شنگرف کاغذ خانی جلد میشن عنابی
چاپی
سال ~~چاپ~~ یا تحریر .... عدد اوراق ۵۷
جزء کتب أخبار .... شماره خصوصی
شماره عمومی ۱۲۹۱۶ .... شماره قبض
واقف حسین کی استوان .... تاریخ وقف آبان ۱۳۲۸
طول ۲۶ .... عرض ۱۷/۵ .... شماره صفحات

۶۶/۵/۳۱

کتابخانه حسینیه ارشاد
شماره دفتر ۲۳۵
تاریخ

۷۲۴

کتابخانه شخصی حسین کی استوان طهرانی
شماره ۳۱۵۲ نام کتاب

ورق دوازدهم ابتدای
اداب و فضیلت نماز
جماعتست

جلد ششم کتاب صلوة

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

حق سبحانه وتعالی که او فرستاده است یا سلام الهی را بر یکدیگر میکنید و با برکتست وطیب ونیکوست خود را ازین سعادت
محروم مکنید وسنتست که کوچک بر بزرک سلام کند وکسی که میکذرد سلام کند بر کسی که نشسته است واندک بر بسیار
وسواره بر پیاده واسب سوار بر استر سوار بر الاغ سوار وهر کاه جمعی باهم باشند وداخل شوند در جایی انکسی که آخر داخل واستر سوار رحم
میشود سلام میکند بر جمعی که اول داخل شده اند واکر جمعی باشند ویک کس ازیشان سلام کند بجای همه است وازیشان
مجزیست واکر بر جمعی سلام کنند ویک کس ازیشان جواب دهد از باقی مجزیست وبهتر آنست که همه سلام کنند وهمه جواب دهند
تا همه از دعای همه بهره ور شوند واکر در جواب مؤمن واو عاطفه داخل کنند بهتر است که بکوید وعلیکم السلم واین واو
این کار میکند که سلام او را میکوید یا جواب خود کویا کفته است که سلام تو بر من باد وسلام من بر شما باد اما در جواب
غیر مؤمن علیک بکوید مکر تقیه کند از سنیان که علیک السلم بکوید ودر جواب ذمی علیک تنها میکوید بدون واو عاطفه
وبدون سلام وسلام تنها نیز میتواند کفت که قصد کند که بر من ومؤمنان باد واکر ذمی طبیب باشد واحتیاج باو داشته
باشند سلام صحیح ودعا میتوان کرد وبایشان نفع میکند واکر مضطر شود بمصافحه یهودی ونصرانی ومجوسی مصافحه
بکند ودست خود را بر خاک ویا دیوار مالد واکر مصافحه با ناصبی کند دست خود را بشوید اکر برطوبت باشد بر سبیل
وجوبست واکر بیبوست باشد بر سبیل استحباب واحوط آنست که در ذمی نیز این رعایت بکند ودر حدیث صحیح از
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که جواب کتابت واجبست مثل جواب سلام وهر که اول ابتدا میکند بسلام
او اولی است بخدا ورسول یعنی برحمت الهی ومتابعت رسالت پناهی یا با طاعت خدا ورسول او اولی است چون فرمان
ایشان بوده است در ابتدا کردن بسلام وچون کتابت نویسد ابتدا کند به بسم الله الرحمن الرحیم وچون تمام کند و
تر باشد خاکی بر آن بپاشد وهر چه وعده در آن باشد می باید که بعد از آن انشاء الله بنویسد واکر ننویسد البته بکوید و
کاغذی که نام الهی در آن باشد در دست وپا نیندازند ونسوزانند واسم الله را بآب دهن پاک نکنند باب
المصلی تعرض له السباع والهوام فیقتلها این بابیست در بیان انکه اکر کسی نماز کند ودرنده یا کزنده بهم رسد
وانها را بکشد وظاهرا سباع از سهو نساخ است چون حکایت سباع را درین باب ذکر نکرده است سأل الحسین
بن ابی العلاء اباعبد الله صلوات الله علیه عن الرجل یری الحیة والعقرب وهو یصلی قال یقتلهما وکالصحیح
ودر صحیح از حسین واو ممدوحست منقولست که کفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که

ما ریا عقرب را ببیند و در نماز باشد حضرت فرمودند که می تواند کشت یا میکشد هر دو را وسال محمد بن مسلم ابا
جعفر صلوات الله علیه عن الرجل تؤذیه الدابة وهو یصلی قال یلقیها عنه ان شاء او یدفنها فی الحصی وکا
لصحیح منقولست که سؤال کرد محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از شخصی که آزار دهد او را شپش و کیک
وکنه وامثال اینها واو نماز کند حضرت فرمودند که اکر خواهد می اندازد و در بعضی از نسخ یلقیها است که امر باشد تبقد
لا م وظاهرا سهو نساخ است یعنی بیندازد یا دفن میکند آنرا در سنك ریزه و دفن قرینه آنست که مراد از دابه شپش
است وبس و مؤید اینست خبر صحیح ابان از ابن مسلم که کفت حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که اکر بیابی
شپشی در اثنای نماز آنرا دفن کن در سنك ریزه و مثل اینست قویه ابو حمزه وحسنه کالصحیحه حسین که کفت سؤال
کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که در نماز باشد و شپشی را ببیند حضرت فرمودند که آنرا
دفن کند در سنك ریزه وحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه نیز چنین میفرمودند وسال الحلبی ابا عبد الله
صلوات الله علیه عن الرجل یحتك وهو فی الصلوة اینقض ذلك صلوته ووضوءه قال لا وباسانید صحیحه منقو لست
از حلبی که کفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که بدنش خارد و بخاراند در نماز حضرت
فرمودند که باکی نیست واز انحضرت سؤال کردم از شخصی که پشه وکیك وشپش ومکس را در نماز بکشد ایا اینها نماز
را باطل میکند یا وضو را میشکند حضرت فرمودند که نه وسأله سماعة بن مهران عن الرجل یکون فی الصلوة الفریضة
قائما فینسی کیسه او متاعه یخاف ضیعته او هلاکه فقال یقطع صلوته ویحرز متاعه قال قلت فتفلت
علیه دابة فیخاف ان تذهب او یصیبه منها عنت فقال لا باس بان یقطع صلوته ویتحرز ویعود
الی صلوته ودر موثق منقولست از سماعه که کفت از انحضرت صلوات الله علیه سؤال کردم از شخصی که نماز واجب در
ایستاده باشد و بخاطرش رسد که کیسه را جایی کذاشته است یا متاعش را فراموش کرده است ومیترسد که
اکر نماز را اتمام کند و بطلب آن رود دزد برده باشد یا تلف شده باشد حضرت فرمودند که قطع میکند نماز را
ومتاعش را ضبط میکند کفتم که اکر چهار پای او در اثنای نماز بجهد وترسد که برود یا وترسد یا تعب بسیار بکشد
در کرفتنش فرمودند که باکی نیست که قطع کند نمازش را وبکیرد آنرا وشروع در نماز کند بانکه بنا نهد بر آن اکر
فعل کثیر واستدبار وکلام واقع نشده باشد واز سر کیرد اکر یکی از اینها واقع شده باشد ومنقولست در قوی کالصحیح

هرکاه شپشی در مسجد می دیدند در سنك ریزه دفن میکردند ودر صحیحه عبد الله بن سنان منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

قال لا باس وساله عن الرجل یقتل البقة والبرغوث والقملة والذباب فی الصلوة صح

۱

از حضرت

٣

از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که هرکاه شخصی نماز کند و ببیند که طفلی متوجه آتش است یا کوسفندی
داخل خانه شد و چیزی را فاسد میکند حضرت فرمودند که برود وطفل را نکذارد که باتش رود وکوسفند را
بیرون کند و بنا بر آن نماز کذارد اکر سخن نکفته باشد وساله عمار الساباطی عن الرجل یکون فی الصلوة فیری
حیة بحیاله هل یجوز له ان یتناولها ویقتلها فقال ان کان بینها وبینه خطوة واحدة فلیخط ولیقتلها
والا فلا و در موثق منقولست از عمار که کفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله از شخصی که در
نماز باشد و ببیند ماری را در برابر خود آیا جایز است که آنرا بکیرد و بکشد حضرت فرمودند که اکر میان مار
ومیان او یك کام باشد کام بردارد و آنرا بکشد والا متوجه آن نشود واین حدیث محمولست بر انکه خوفی از آن
نباشد یا اکر باشد چون فعل کثیر میشود نماز را قطع کند چون اکر یك کام است یك فعلست وکشتن یك
فعل است بحد کثرت نمیرسد وحمل بر عدم ضرر اظهر است چنانکه در صحیح از محمد بن مسلم منقولست که کفت سؤال
کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که در نماز باشد وماری را یا عقربی را ببیند آیا
میکشد آنرا اکر آزار باو رسانند یعنی خوف ضرر آنها باشد حضرت فرمودند که بلی وروی حریز عن ابی عبد
الله صلوات الله علیه قال اذا کنت فی صلوة الفریضة فرایت غلاما لك قد ابق او غریما لك علیه مال
او حیة تتخوفها علی نفسك فاقطع الصلوة واتبع غلامك او غریمك واقتل الحیة وباسانید صحیحه منقولست
از حریز از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه ودر کافی از حریز از شخصی که او را خبر داده بود از انحضرت ع ومنافات
نیست میان هر دو زیرا که اکثر اوقات حریز چنین میکند مانند جمیل وظاهرا اول از واسطه شنیده بودند و
در کتاب خود جا داده بودند باز که بخدمت حضرت رسیده اند واز انحضرت مشافهة شنیده اند در کتاب خود
ذکر کرده اند و چون کتب او از اصولست نزد قدما فرقی میان هر دو نبوده است کاهی مرسلا نقل میکرده اند وکاهی
مسندا ~~از انحضرت ع~~ که فرمودند که هرکاه در نماز واجب باشی و ببینی که غلامت کریخت یا شخصی را ببینی که مالی
از و طلب داشته باشی وخوف کریختن او داشته باشی یا انکه او را ندیده باشی واو ترا نشناسد و برود وجای
او را ندانی یا ماری را ببینی که از آن بر نفس خود ترسی یا انکه متوجه تو باشد مثلا پس نمازت را قطع کن واز پی غلام
وغریمت برو ومار را بکش حاصل این اخبار این شد که اکر خوف از مار نداشته باشی وکشتن آن فعل کثیر نباشد

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوانی

می توانی کشتن که مشغول نماز شوی و میتوانی که او را بگذاری بحال خود و نماز خود را تمام کنی و اگر از ان خایف باشی
واجبست دفع آن کردن پس اگر دفع آن محتاج بکلام یا بفعل کثیر یا باستدبار بوده باشد قطع میکنی و الا بنا می
نهی و همچنین اگر محتاج نباشد و بفعل آورد یکی ازینها را نماز باطل میشود ولیکن با احتیاج گناه نیست و بی
احتیاج آثم است بنا بر مذهب مشهور میان اصحاب بنا بر انکه قطع نماز بی عذری حرام است و شکی نیست در انکه
احوط عدم قطع است بی عذری باب المصلی یرید الحاجة روی عبد الله بن ابی یعفور عن ابی عبد
الله صلوات الله علیه فی الرجل یرید الحاجة وهو فی الصلوة فقال یومی برأسه ویشیر بیده والمرأة اذا
ارادت الحاجة تصفق این بابیست در بیان نمازگزارنده اگر کاری داشته باشد چنانچه منقولست در صحیح
از عبد الله از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در شخصی که کاری داشته باشد در نماز حضرت فرمودند
که اشاره بسر و بدست می تواند کرد و اگر زن کاری داشته باشد دست برهم میتواند زد تا کسی متوجه او شود
واشاره کند بکاری که دارد وروی الحلبی انه سأله عن الرجل یرید الحاجة وهو یصلی فقال یومی برأسه و
یشیر بیده ویسبح والمرأة اذا ارادت الحاجة وهی تصلی فقال یومی تصفق بیدیها و باسانید صحیحه منقولست
از حلبی که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که حاجتی داشته باشد و در
نماز باشد حضرت فرمودند که ایما بسر می تواند کرد و تسبیح میتواند گفت و بلند میگوید تا متوجه او شوند
واشاره کند بمطلوبی که دارد و زن اگر کاری داشته باشد در نماز دستها را برهم میزند و شیخ در تتمه همین
حدیث ذکر کرده است که حلبی گفت که از انحضرت سؤال کردم از شخصی که در نماز خمیازه کشد و کمان کش کند
حضرت فرمود که از شیطانست و او مالک آن نیست یعنی می باید که مقدمه آنرا که برخوردنست یا بی خوابیست
برطرف کند تا نیاید و میتواند که خمیازه را بر خود شکند و کمان کش نکند بآن اعتبار مکروهست و این زیادتی
در کافی نیست با انکه شیخ از علی بن ابرهیم روایت کرده است مثل کلینی ولیکن ظاهرا از فقه رضوی نقل کرده است
و عنقریب احادیث مذکور خواهد شد وسأله حنان بن سدیر ایومی الرجل فی الصلوة فقال نعم قد اوما
النبی صلی الله علیه وآله فی مسجد من مساجد الانصار بمحجن کان معه قال حنان ولا اعلم الا مسجد بنی
عبد الاشهل و در موثق کالصحیح منقولست از حنان که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال

کردم

واشان بدست میتواند کرد صح

ظاهرا شیخ این حدیث را از کتاب علی روایت کرده است و صدوق در اول باب نماز اذا صلوة را ذکر کرده صح

کتابخانه حسینیه ارشاد

کردم که آیا در نماز ایما میتوان کرد حضرت فرمودند که بلی حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله ایما کردند
در مسجدی از مساجد انصار بعصای سرکجی که با انحضرت بود یعنی انحضرت در نماز شخصی را بعصا اشاره فرمودند
که بایست یا برو و حنان گفت که گمان دارم که حضرت فرموده باشند که مسجد قبیله عبد الاشهل باشد و عبد الاشهل یکی از
قبایل انصار و اشهل اسم بتی بوده است و پدر این قبیله در جاهلیت مسمی بعبد الاشهل بوده وسأله عمار
بن موسی عن الرجل یسمع صوتا بالباب وهو فی الصلوة فیتنحنح لیسمع جاریته او اهله لتاتیه فیشیر الیها
بیده لیعلمها من بالباب لتنظر من هو فقال لا بأس به وعن الرجل والمرأة یکونان فی الصلوة ویریدان شیئا
ایجوز لهما ان یقولا سبحان الله قال نعم ویومیان الی ما یریدان والمرأة اذا ارادت شیئا ضربت علی
فخذیها وهی فی الصلوة و در موثق از عمار منقولست که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه از شخصی که صدای در خانه را بشنود و او در نماز باشد پس تنحنح کند تا کنیزک او یا اهل او صدای تنحنح را
بشنوند و نزد او آیند پس بدست اشاره کند و باو بفهماند که برو ببین که در خانه را میزند پس حضرت فرمودند
که باکی نیست و از انحضرت سؤال کردم از مرد یا زن اگر در نماز باشند و چیزی خواهند آیا جایز است ایشانرا
که سبحان الله بگویند تا متوجه ایشان شوند و اشاره کنند بانچه اراده دارند حضرت فرمودند که
بلی ایما میتوانند کرد بهرچه خواهند ولیکن زن اگر در نماز باشد دست بر رانهای خود بزند یعنی سبحان الله
بلند نگوید مبادا نامحرمی صدای او را بشنود وروی محمد بن بجیل اخو علی بن بجیل قال رایت ابا عبد الله
صلوات الله علیه یصلی فمر به رجل وهو بین السجدتین فرماه ابو عبد الله صلوات الله علیه بحصاة فاقبل
الرجل الیه و در صحیح منقولست از محمد برادر علی که صاحب کتاب معتمد است که گفت دیدم حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه را که نماز میکردند و شخصی گذشت بر انحضرت و آنحضرت در میان دو سجده بود سنگ ریزه بجانب
او انداختند و آن مرد متوجه حضرت شد و ظاهرا در نماز نافله بوده باشد و کاری ضرور باو داشته باشند
یا بواسطه بیان جواز کرده باشند و اگرنه مرتبه ایشان از ان اعظم است که در نماز چنین کنند والله تعالی یعلم
وروی عن ابی زکریا الاعور قال رایت ابا الحسن صلوات الله علیه یصلی قائما والی جانبه رجل کبیر یرید
ان یقوم ومعه عصی له فاراد ان یتناولها فانحط ابو الحسن صلوات الله علیه وهو قائم فی صلوته فناوله

فی الصلوة صح

الرجل العصا ثم عاد الی موضعه الی صلوته ودر صحیح منقولست از ابو زکریا که مشهورست بکنیت واسمش
مذکور نیست در رجال وثقه است وشیخ در رجال بکنیت او را ذکر کرده است با توثیق ودر تهذیب دین حدیث
زکریا نقل کرده است وظاهرا سهو قلم است کفت دیدم حضرت امام موسی کاظم را که ایستاده بود در نماز ودر جانب
او بود مردی پیر ومیخواست که برخیزد وعصایی داشت میخواست که آنرا بردارد حضرت کج شدند در حالت قیام نماز
وعصا را برداشتند وبآن پیر دادند وبجای خود رفتند در نماز ولفظ الی موضعه در تهذیب نیست ونبودنش
اظهر است چنانکه از حدیث ظاهر است زیرا که اکر حضرت رفته بودند بمکانی دیکر البته راوی ذکر میکرد چون
فعل کثیر میشد بحسب اصطلاح اصحاب اکرچه ظاهر اخبار اینست که امثال این کارها اکرچه سه فعل شود آنرا
کثیر نمیکویند یا سبب بطلان نماز نمیشود چنانکه کذشت وخواهد آمد سیما هرکاه طاعت باشد مثل این
حدیث چون اعانت بر مؤمن ثوابست وقال ابو حبیب ناجیة لابی عبد الله صلوات الله علیه ان لی رحی
اطحن فیها السمسم فاقوم فاصلی واعلم ان الغلام نائم فاضرب الحائط لاوقظه قال نعم انت فی طاعة ربک
تطلب رزقک لا بأس وبسند حسن منقولست از ناجیه که کنیتش ابو حبیب است که عرض نمود بحضرت وظاهر کلام صدوق
آنست که از کتاب او نقل کرده باشد از او واز کافی وتهذیب ظاهر میشود که ابو الولید که مثنی بن راشد حناط است
باشد چنانکه از سند صدوق ظاهر میشود ولیکن در کتابین در صحیح روایت کرده اند از بزنطی از ابو الولید که
کفت من نزد حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه نشسته بودم که ناجیه ابو حبیب از آنحضرت سؤال کرد و
کفت حق سبحانه وتعالی مرا فدای تو کرداند بدرستی که مرا آسیایی هست که کنجد در آن خورد میکنم وروغن میکیرم
وبسیار است که بنماز شب برمیخیزم ومیدانم از ایستادن آسیا از کردش که غلامی که آسیابانی میکند بخواب رفته
است من دست بدیوار میزنم که غلام را بیدار کنم آیا جایز است حضرت فرمودند که بلی تو در طاعت پروردکار
وطلب روزی میکنی باکی نیست وباکی نیست در کتابین نیست با اندک تغییر لفظی ودر اخبار سابقه کذشت که در
اثنای نماز دفع مار وعقرب توان کرد هرچند مرور مار ضرر بنماز ندارد وهرچند خوف کزیدن مار نباشد ودر حدیث
صحیح منقولست از مسمع که کفت سؤال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که کاه هست نماز میکنم و
وکنیزک میکذرد بر من او را در بر میکیرم حضرت فرمودند که باکی نیست که زن طفل ودر حدیث موثق از عمار منقولست

که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که باکی نیست که زن طفل خود را در نماز بردارد یا در وقت
تشهد او را شیر دهد ودر صحیح از معویة بن عمار منقولست که کفت بآنحضرت صلوات الله علیه عرض نمودم که شخصی
در نماز واجب با ذکر خود بازی میکند حضرت فرمود که چرا چنین میکند عرض کردم که چنین کرد چون است فرمودند
که باکی نیست یعنی نمازش باطل نمیشود ودر حدیث موثق از صادقین صلوات الله علیهما منقولست که قطع نمیکند نماز
را مکر غایط وبول وبادی که بر بود داشته باشد یا صدا واحادیث بسیار وارد شده است که نمازی را که مسح سر نکرده
باشند باطل است وبعضی کذشت وآنچه کذشت بیان جواز است واکرنه دغدغه درین نیست که نماز مقبول
آنست که چنان متوجه نماز باشد که اصلا در خاطرش غیر حق سبحانه وتعالی نکذرد چنانکه در حدیث صحیح از حضرت
امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که چون مشغول نماز شوی بر تو باد که دل را متوجه نماز سازی
که از نماز آن قدر مقبولست که دل با حق سبحانه وتعالی باشد وبا دست وسر وریش بازی مکن وچیزی بخاطر خود
مکذران غیر حق سبحانه وتعالی باشد وخمیازه مکش وکاهلی مکن ودست بر بالای دست منه که این فعل مجوس است
وکنایه است که سفیان که چنین میکنند مجوسند ومتابعت کبران میکنند لهذا مالک سنت نمیداننده بدعت
میداند ودهان را مبند وخود را مجتمع مکن که پاها نزد هم باشد در قیام ودر رکوع وسجود کشاده باش مانند
شتر لاغر واقعا مکن یعنی بر پاشنه پا منشین مانند سکان سنبان وذراعین را بر زمین فرش مکن مانند شیر و
انکشتان را مشکن که اینها همه نقصان نماز است واز روی کسل وتنبلی نماز مکن ودر وقتی که خواب آلوده باشی وبینکی زنی
نماز مکن ومی باید که نماز بر تو کران نباشد که اینها از صفات منافقانست بدرستی که حق سبحانه فرموده است که نماز
مکنید در حالت مستی یعنی وقتی که مست خواب باشید ودیکر فرموده است که چون منافقان مشغول نماز میشوند
با کسل وتنبلی مشغول میشوند ونماز بر ایشان سنکین وکرانست وریا میکنند در نماز که مردمان ایشان را ببینند
که نماز میکنند ویاد نمیکنند خداوند خود را مکر اندکی ودر صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه وارد
است که فرمودند که چون بنماز بایستی بدانکه نزد حق سبحانه وتعالی ایستاده یعنی در فرمان برداری او واز جهت
مناجات با او واکر تو او را نمی بینی بدانکه او ترا می بیند پس دلرا متوجه نماز کن که هرچه با حق سبحانه وتعالی مناجات
کنی دانی که چه میکویی وآب بینی میندار وبینی را پاک مکن وآب دهن میندار وانکشتان را مشکن بدرستی که

قومی را حق سبحانه وتعالی معذب ساخت بسبب شکستن انکشتان وبسبب تورک در نماز وصدوق
چنین تفسیر کرد تورک را که بسبب ملال داشتن از نماز دستها را در کمر میزدند وچون سر از رکوع
برداری راست بایست تا مفصلهای استخوانهای پشت همه راست شوند وهمچنین در سر برداشتن از
سجدها واحادیث بسیار وارد شده است در نهی از عبث در نماز حتی آنکه کذشت که بازیش بازی کردن نماز را
باطل میکند وحق سبحانه وتعالی در بسیاری جای از قرآن مدح خاشعان در نماز کرده است ودر حسن کالصحیح از
حلبی منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که چون داخل شوی در نماز بر تو باد بخشوع
واقبال دل بنماز زیرا که حق سبحانه وتعالی فرموده است که رستکاری یافتند جماعتی که در نماز خود خاشعند و
جمعی که از لغو اعراض کنند کانند یعنی در نماز یا اعم وکالصحیح منقولست که چون حضرت سید الساجدین مشغول
نماز میشدند بمنزله ساق درخت بودند که هیچ عضوی از اعضای آنحضرت حرکت نمیکرد ودر صحیح از حضرت صادق
صلوات الله علیه منقولست که چون سید الساجدین بنماز می ایستادند رنگ مبارک آنحضرت متغیر میشد و چون
بسجده میرفتند سر از سجده بر نمیداشتند تا آنکه عرق میریخت از آنحضرت از حیای حق سبحانه وتعالی ودر حسن
کالصحیح از زراره منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه میفرمودند که چون در نماز رو بقبله کنی رو را
از قبله مکردان که نمازت فاسد میشود وچشم را بزیر انداز وبجانب آسمان مکن بلکه می باید که در برابر رو در موضع
سجودت بیندازی ودر موثق کالصحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که سزاوار آنست که چون قرائت کند
وبآیه رحمت رسد بکوید که اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا وچون بآیه عذاب رسد بکوید که اَللّٰهُمَّ اَعُوذُ بِكَ مِنْهُ ودر حسن کالصحیح
از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که چون در عقب امام باشد در نماز جماعت وامام آیه رحمت بخواند
طلب کند آنرا از حق سبحانه وتعالی وچون آیه عذاب بخواند پناه بحق سبحانه وتعالی برد از شر آن وکالصحیح منقولست
از ثمالی که دیدم که حضرت سید الساجدین نماز میکذاردند ورد از دوش مبارک آنحضرت افتاد حضرت او را درست
نکردند تا از نماز فارغ شدند من سؤال کردم که چرا درست نکردید ردا را حضرت فرمودند که ویحک یعنی رحمت بر
تو باد یا وای بر تو آیا میدانی که در خدمت که ایستاده بودم بدرستی که از بنده نماز مقبول نیست مکر آنچه در آن
با خدا باشد پس کفتم فدای تو کردم همه هلاک شدیم یا پس ما همه هالکیم حضرت فرمودند که حاشا بلکه حق سبحانه

وتعالی نقصها را تمام میکند بنوافل ودر احادیث صحیحه وحسنه منقولست از صادقین صلوات الله علیهم که بسیار است که
از نماز بنده نصف آنرا بالا میبرند که در نامه عمل او ثبت نمایند یا در لوح یا ثلث آنرا یا ربع آنرا یا خمس پس بالا نمیبرند مکر آنچه را
بنده با حق سبحانه وتعالی باشد ومامور بنوافل نشده اند مکر از جهت آنکه تمام کنند فرایض را بنوافل واکر دل با خدا نباشد
یا در وقت فضیلت واقع نسازند آن نماز را می پیچند وبر روی صاحبش میزنند واما آنچه در صحیحه زراره وارد شده است
از نهی از دست بستن اشهر میان علما حرمتست وخلافست در بطلان نماز وبعضی کفته اند که مکروهست ودر صحیح محمد بن
مسلم نیز نهی از آن وارد شده است ودر صحیح از حریز منقولست از شخصی از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند
که دست مبند که دست بستن فعل مجوس است وشکی نیست که احوط ترکست وجزم بحرمت وبطلان وکراهت مشکل است
چون نهی از فعلی است که خارج است از حقیقت صلوة ومثل این مسئله است کفتن آمین بعد از حمد چنانکه اکثر علما قایل
شده اند بحرمت آن وجمعی نقل اجماع نیز کرده اند ودر حسن کالصحیح منقولست از جمیل از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه که فرمودند که هرکاه در عقب امام باشی واو از خواندن حمد فارغ شود بکو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ ومکو آمین وکالصحیح
منقولست از محمد حلبی که کفت عرض نمودم بخدمت آنحضرت صلوات الله علیه که چون از فاتحه فارغ شوم آمین بکویم حضرت فرمودند
که نه اما آنچه وارد است در صحیح از جمیل که کفت عرض نمودم از آنکه مردمان در عقب امام آمین میکویند بعد از حمد امام حضرت
فرمودند که مَا اَحْسَنَهَا وَاَخْفِضِ الصَّوْتَ بِهَا یعنی چه خوبست وآهسته فرمودند ومحتملست که واخفض را بلفظ امر بخوانند
یعنی آمین را اکر کویی باری آهسته بکو که سبب اضلال دیکران نشود ومؤید اینست آنکه خفض متعدی نیست واخفاض نیامده
است وشیخ ما رحمه الله میفرمودند که ممکنست که نافیه باشد واَحْسِنُهَا بلفظ مضارع باشد یعنی من این کلمه را نمیدانم
اکر در واقع سنت میبود میدانستم واخفض را دو احتمال میدادند یکی آنکه ماضی باشد یعنی حضرت این کلمه را آهسته فرمودند
چون تقیه بوده است ویا بلفظ امر یعنی یا آنکه آهسته بکو یا آنکه آواز خود را بلند مکن ونزد همه کس نقل مکن یا آهسته سؤال
کن چنین مسایل را که اکثر عامه مخالف اهل بیت اند الا مالک که سنت نمیداند وراوی حدیث آمین در طرق عامه ابوهریره
است وابوحنیفه او را ثقه نمیداند وعمر در معامله بحرین با او کفت که یَا عَدُوَّ اللّٰهِ وَعَدُوَّ الْمُسْلِمِینَ ای دشمن خدا و
دشمن مسلمانان واو را ده هزار دینار جریمه کرد که خیانت کرده ومؤید تقیه است آنکه در صحیح از معویه بن وهب
منقولست که با آنحضرت صلوات الله علیه عرض نمودم که هرکاه امام بکوید غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالِّینَ من آمین بکویم حضرت

بلکه آنچه ظاهر است مرجوحیت است
اعم از حرمت وکراهت وبر تقدیر
حرمت جزم ببطلان مشکل است
جنبی

فرمودند که ایشان یهود و نصاری اند و بحسب ظاهر این معنی دارد که مغضوب علیهم یهوداند و ضالون نصاری اند
و در واقع این مراد است که جمعی که این کلمه را میکویند یهود و نصاری اند و بحسب معنی اول چون عدول کردند از جواب
مطابق بکلام دیکو ظاهر میشود که تقیه بوده است که از مطلوب جواب نداده اند و بنابر احتمال ثانی نادر مقابل نیست
و حق اراده هر دو معنیست چنانکه در اکثر مواضع تقیه لفظی میکویند که عامه بنحوی فهمند و خاصه بنحوی دیکر و الله
تعالی یعلم باب ادب المرأة في الصلوة لیس علی المرأة اذان و لا اقامة و لا جمعة و لا جماعة
و اذا قامت المرأة في صلوتها جمعت بين قدميها و لم تفرج بينهما و وضعت يديها على صدرها لمكان
ثديها فاذا ركعت وضعت يديها على صدرها فوق ركبتيها على فخذيها لئلا تطأطأ كثيرا فترتفع عجيزتها
تتسفل و اذا ارادت السجود جلست ثم سجدت لاطئة بالارض و تضع ذراعيها في الارض فاذا ارادت النهوض
الى القيام رفعت رأسها من السجود و جلست على أليتيها ليس كما يقعي الرجل ثم نهضت الى القيام من غير
ان ترتفع عجيزتها تتسفل انسلالا و اذا قعدت للتشهد رفعت رجليها و ضمت فخذيها و الحرة لا تصلي
الا بقناع و الامة تصلي بغير قناع این بابیست در آداب زنان در نماز صدوق حدیثی روایت کرده است در خصال
از جمعی که صدوق اعتماد بایشان دارد در روایات و حدیث ایشانرا حکم بصحت کرده است اکرچه ارباب رجال
توثیق بآن نکرده اند از جابر جعفی از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه و هفتاد و سه خصلت ذکر کرده است از ایشان صح
خصایص زنان که در احادیث بسیار متفرقه مذکور است و اولش اینست که بر زنان اذان و اقامت نیست و نماز جمعه
و جماعت نیست و بقیه آنرا بعد ازین متفرقه در مباحث خود ذکر کرده است و من دینجا یکجا ذکر میکنم چون مشتملست
بر فواید بسیار و نفی اینها بر سبیل نفی استحباب موکد است چنانکه در بحث اذان کذشت و در بحث جماعت خواهد
آمد و در حدیث صحیح از زراره منقولست که چون زنان بنماز بایستند و جمعی از اصحاب خیال کرده اند که سخن زراره است
ولیکن از کافی ظاهر میشود که از حضرت باقر روایت کرده است و صدوق در صحیح از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات
الله علیه روایت کرده است همین عبارت را بازیادتی که اذان و اقامت نیست بر زنان و همین مضمون در فقه رضوی
و در حدیث جابر هست ولیکن صدوق عبارت کافی را روایت کرده است باندک تغییر لفظی که چون زن بنماز بایستد
پاهارا نزدیک بیکدیکر کذارد نه مثل مردان و فاصله میان پاها نکذارد و دستها را بر سینه کذارد بالای پستانها که ظاهر
نباشد

٦

نباشد پستانهای او از زیر پیراهن و جامه و چون برکوع رود دستها را بر رانها کذارد بالاتر از زانوها
تا آنکه بسیار کج نشود که بلند شود سرین و نشستکاه او و چون خواهد که بسجود رود اول بنشیند و بسجده
رود چنانکه خود را بر زمین بچسپاند و کشوده نباشد چنانکه مردانرا سنتست که کشاده باشند و دستها را بر
زمین کذارد تا مرفق و چون خواهد که برخیزد و بایستد سر از سجده بردارد و بر نشستکاه خود بنشیند نه مثل
نشستن مردان که متورک می نشینند اولا در جلسه استراحت و بعد از آن برمیخیزند و در کافی لیس کما یقعد
الرجل است و درین نسخه یقعی است یعنی بر پاشنه پا ننشیند چنانکه سنیان می نشینند و در تهذیب لفظ
لیس از قلم نساخ افتاده است یعنی چنان بنشیند که مردان نماز نشسته را میکنند می نشینند و در واقع چنین می
نشینند و بحسب معنی خوبست ولیکن چون از کافی روایت کرده است ظاهر آنست که از نساخ افتاده باشد اکر
چه ممکنست که نسخه کافی شیخ چنین باشد بعد از آن برخیزد نه مثل مردان که سرینها ظاهر شود بلکه دست را بر
زمین میکذارد از جانب پهلوها و خود را راست میکشد تا می ایستد و چون در تشهد می نشیند پاها را برمیدارد
بنحوی که سر پیش در زمین باشد یا پاها و زانوها راست باشد مثل نشستن مردان مربعا در نماز نشسته و زانوها را پیش هم میکذارد بهم متصل تا اینجا عبارت کافی و تهذیب و خصال و غیر اینهاست در حدیث زراره و بقیه عبارت
صدوق است که کذشت در ضمن اخبار بسیار که زن بالغه آزاد نماز نمیکند بی مقنعه بلکه سر و کردن و موی خود
را بمقنعه می پوشاند و آزاد نابالغ و کنیز بی مقنعه نماز میکنند و اصحاب باین مضامین عمل کرده اند بی خلاف بحسب
ظاهر و سنت میدانند آداب را و احوط آنست که زنان ترک نکنند عمل باین آداب را و مؤید این اخبار اخبار موثقه وارد
شده است در آنکه زنان می باید مجتمع باشند نه کشوده بخلاف مردان در همه احوال صلوة و روی محمد بن مسلم عن
ابي جعفر صلوات الله عليه قال المرأة تصلي في الدرع و المقنعة اذا كان كثيفا يعني ستيرا و کالصحیح و در
صحیح منقولست از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که زن نماز میکند یا میتواند کرد در پیراهن و مقنعه هرکاه هر
دو ستبر باشند محمد بن مسلم تفسیر کرده است که مراد حضرت این بود که کنده باشد چنانکه بدن را بپوشاند
و تنک نباشد که تن نما باشد و حاصل آنست که می باید که زنان در نماز کل بدن را بپوشانند بغیر از رو و دستها
تا بند دست و پاها تا ساق و باین دو جامه همه پوشیده میشود و در صحیح از زراره منقولست که کفت سؤال کردم

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه ان کمترین لباسی که زنان نماز کنند در آن حضرت فرمودند که پیراهنی است و
چادریست که بر سر کیرند و کل بدن ایشانرا بپوشاند و چادر از جهت آنست که اکثر اوقات پیراهن تنک می
باشد یا پیش سینه باز می باشد چادر را مقنعه میکند که همه سر و کردن و مو و سینه را بپوشاند و در صحیح
از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهما منقولست که فرمودند که بر کنیزان لازم نیست که مقنعه بر سر کنند
در حال نماز و زن ازاد نماز نمیکند مکر در دو جامه یعنی یک جامه بدن را بپوشاند و یکی سر و کردن و مو را

وسأل یونس بن یعقوب ابا عبد الله صلوات الله علیه عن الرجل یصلی فی ثوب واحد قال نعم قال قلت
فالمرأة قال لا و کالصحیح منقولست از یونس که کفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که
نماز کند در یک جامه آیا جایزاست حضرت فرمودند که بلی جایزاست پس کفتم که زن نماز میتواند کرد در یک جامه
حضرت فرمودند که نه این در صورتیست که از قبیل جامهای متعارف باشد اما اکر چادری باشد که همه بدن را
بپوشاند بی دغدغه جایزاست اکرچه سنت است که سه جامه داشته باشد چنانکه در موثق کالصحیح از ابن ابی یعفور
منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که زن در سه جامه نماز میکند لنکی یا بدل آن زیر
جامه و پیراهنی و مقنعه و اکر رو پاکی در سر داشته باشد ۳ آنرا بر کرد سر بکیرد که کردن و مو را بپوشاند و اکر سه جامه
نداشته باشد پس دو جامه که یکی پایین تنه را بپوشاند و یکی مقنعه باشد مانند چادر که سر او بالاتنه را بپوشاند
من کفتم که اکر پیراهنی و چادری باشد خوبست هر کاه مقنعه نداشته باشد حضرت فرمودند که خوبست هر کاه چادر
را مانند مقنعه بر کرد سر بکیرد و اکر بعرض همه بدن را نکیرد بطول بر سر کند که بدن را فرا کیرد و در صحیح از جمیل منقولست
که از آنحضرت صلوات الله علیه سؤال کردم از زنی که نماز کند در پیراهنی و رو پاک سر حضرت فرمودند که چادری
بر بالای اینها بر سر کند که همه بدنش را بپوشاند ولا یصلح للحرة اذا حاضت الا الخمار الا ان لا تجده ممکنست
که تتمه حدیث یونس باشد و انکه کلام صدوق باشد یعنی جایز نیست زن ازاد را هر کاه حایض شده باشد
یعنی بالغ شده باشد چون غالب در بلاد حاره آنست که زنان در نه سال حایض میشوند و بالغ میشوند مکر انکه
با مقنعه نماز کند مکر انکه نیابد و نداشته باشد دران صورت سر برهنه نماز می تواند کرد و اکر نابالغ باشد
نیز سر برهنه نماز میتواند کرد چون مکلف نیست بنماز و خواهد آمد نیز با انکه مراد از مرأة در اطلاقات بالغه است

وسال

وسأل علی بن جعفر اخاه موسی بن جعفر صلوات الله علیهما عن المرأة لیس لها الا ملحفة واحدة
کیف تصلی قال تلتف فیها و تغطی رأسها و تصلی فان خرجت رجلیها و لیس تقدر علی غیر ذلک
فلا بأس و باسانید صحیحه منقولست از علی که کفت سؤال کردم از برادرم حضرت امام موسی صلوات الله علیه از
زنی که نداشته باشد مکر چادری چکونه نماز کند حضرت فرمودند که خود را می پیچد دران چادر و سرش را هم می
پوشاند و نماز میکند پس اکر پاهای او بیرون باشد و برهنه ماند و چیزی دیکر نداشته باشد باکی نیست و ظاهرا
نساخ همزه اخرجت را انداخته اند یا رجلاها بوده است رجلیها نوشته اند و کذشت حدیث حضرت فاطمه
صلوات الله علیها در لباس مصلی و در قرب الاسناد روایت کرده است کالصحیح از علی بن جعفر که کفت سؤال
کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که آیا جایزاست که زن آزاد نماز کند در پیراهنی و مقنعه
حضرت فرمودند که خوب نیست مکر در چادری که بر بالای آن بر سر کیرد مکر انکه نداشته باشد و محمولست بر استحباب
یا بر مقنعه تنک یا تنک که ته نما باشد چنانکه در حسن کالصحیح از حلبی منقولست که حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه فرمودند که صحیح نیست زن مسلمانرا که مقنعه یا پیراهنی بپوشد که نپوشاند بدن را با انکه تنک یا
تنک باشد و در موثق حدیث موثق از ابن بکیر از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که باکی نیست که زن آزاد
سر باز بی مقنعه نماز کند و محمولست بر صبیه یا در اضطرار که نداشته باشد چیزی که سر را بپوشاند و فی خبر آخر

المعلی بن خنیس عن ابی عبد الله صلوات الله علیه قال سألته عن المرأة تصلی فی درع و ملحفة لیس علیها
ازار و لا مقنعة فقال لا بأس اذا التفت بها و ان لم تکن تکفیها عرضا جعلتها
طولا و در حسن کالصحیح منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که معلی کفت از آنحضرت سؤال کردم از
زنی که نماز کند در پیراهنی و چادری و لنک و مقنعه نداشته باشد حضرت فرمودند که باکی نیست هر کاه چادر
را بر خود بپیچد و اکر بعرض تمام بدن را فرا نکیرد در طول بر خود بپیچد و در حدیث ابن ابی یعفور قریب باین کذشت

وروی محمد بن مسلم عن ابی جعفر صلوات الله علیه قال لیس علی الامة قناع فی الصلوة و لا علی المدبرة
قناع فی الصلوة و لا علی المکاتبة اذا اشترط علیها مولاها قناع فی الصلوة و هی مملوکة حتی تؤدی جمیع
مکاتبتها و یجری علیها ما یجری علی المملوک فی الحدود کلها قال و سألته عن الامة اذا ولدت علیها

الخمار و قال لو كان عليها لكان عليها اذا هي حاضت وليس عليها التقنيع في الصلوة و كالصحيح منقولست
از محمد که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که بر کنیز لازم نیست که سر را بپوشاند در نماز و بر مدبره
نیز مقنعه نیست و بر مکاتبه مشروطه نیز مقنعه لازم نیست در نماز و مشروطه بنده است تا جمیع مال کتابت
را ندهد و حدودی که بر مملوکست بر وست چون بنده است محمد گفت که سؤال کردم از آنحضرت که هر گاه بزاید مقنعه
برو لازم است حضرت فرمودند که اگر بر کنیز مقنعه می‌بود می‌بایست وقتی که حایض میشد می‌بود مثل حره و کنیزک
مقنعه در نماز لازم نیست و این حدیث را صدوق در علل بسند حسن کالصحیح روایت کرده است و در روایت
کالصحیح نقل کرده است از حماد لحام که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که اگر کنیزی سر بپوشاند
بزنید او را تا شناخته شود حره از امه و فرمودند که پدرم صلوات الله علیه میزد ایشانرا وقتی که میدید که در نماز
مقنعه بر سر میکردند و مدبر آنست که مالک باو بگوید که بعد از وفات من آزادی تا مولی نمیرد او بنده است و مکاتب
بر دو قسم است یکی مکاتب مطلق که بگوید مولی که هر گاه در پنج ماه مثلا هر ماه یکتومان بدهی آزادی و شرطی نکند
هر گاه که میدهد بنسبت آن آزاد میشود و برو مقنعه واجب میشود و تا چیزی از مال کتابت نداده است بنده
است و حکم مملوک دارد و دویم آنست که میگوید که هر گاه در پنج ماه هر ماه یکتومان بدهی اگر ندهی بنده این مکاتب
مشروطست و حکم بندگان دارد تا دینار آخر را ندهد و احکام همه خواهد آمد در باب خود انشاء الله و در صحیح از
محمد بن مسلم منقولست که گفت از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه سؤال کردم که کنیز سر را می‌پوشاند در حالت نماز
حضرت فرمودند که مقنعه بر کنیز لازم نیست و در صحیح از و منقولست که گفت بخدمت حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه عرض نمودم که کنیز سر را میپوشاند حضرت فرمودند که نه و نه ام ولد نیز برو لازم نیست سر پوشانیدن
هر گاه ولدش مرده باشد یعنی اگر ولد زنده باشد سر را می‌پوشاند و در واقع چنین نیست و ظاهرا در آن مجلس
سنی بوده است که سر پوشانیدن او والله تعالی یعلم وروى عيص بن القسم عن ابي عبد الله صلوات الله عليه
في الرجل يصلي في ازار المراة وفي ثوبها ويعتم بخمارها قال اذا كانت مامونة و در صحیح از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه منقولست در مردی که نماز کند در لنگ زن و در جامه زن یا مقنعه زن را عمامه کند
برسر آیا جایز است حضرت فرمودند که اگر زن مامونه باشد و اجتناب از نجاسات کند می‌توان و بمفهوم دلالت

آزادی

که حضرت از روی تقیه این شرط را فرموده باشند اگرچه دلالت مفهوم ضعیف است و ممکن است که سنت باشد با وجود ولد

یکند

میکند بر آنکه اگر مامونه نباشد نتوان و محمولست بر کراهت چنانکه گذشت در احادیث صحیحه که می‌توان مطلقا
وروي ان خير مساجد النساء البيوت وصلوة المراة في بيتها افضل من صلوتها في صفتها وصلوتها
في صفتها افضل من صلوتها في صحن دارها وصلوتها في صحن دارها افضل من صلوتها في سطح بيتها وتكره
الصلوة في سطح غير محجر و منقولست که بهترین مساجد زنان خانهای ایشانست و همین عبارت در موثق
از یونس بن ظبیان از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست و مرویست که نماز زن در میان
یورت بهتر است از نماز او در صفه پیش یورت و نماز در صفه بهتر است از نماز در صحن خانه و نماز در صحن
خانه بهتر است از نماز در پشت بام خانه و مکروه است نماز کردن در پشت بامی که فصیل نداشته باشد وقال ابو
عبد الله صلوات الله عليه لا تنزلوا النساء الغرف ولا تعلموهن الكتابة ولا تعلموهن سورة يوسف و
علموهن المغزل وسورة النور واذا سبحت المراة عقدت على الانامل لانهن مسؤلات يوم القيمة
و بروایت سکونی و جابر از صادقین صلوات الله علیهما منقولست که فرمودند که زنانرا در بالا خانها منشانید
چون اکثر خانها فصیل بلند ندارد و ممکنست که نامحرم ایشانرا به بیند یا ایشان نامحرم را به بینند و نوشتن خط
یاد مدهید مبادا چیزی نویسند بجهی و مردان از خط ایشان مفتون شوند و یاد مدهید ایشانرا سوره یوسف
چون در انجا حکایت عشق و عاشقی است مبادا مفتون شوند و یاد دهید ایشانرا سوره نور را چون آیه حجاب
و حد زنا و غیر آن از احکام زنان هست و ممکنست که این حکم مخصوص زنی باشد که عربی فهمد و چون زن
تسبیح گوید حساب آنرا ببند انگشتان کند چون روز قیامت از انگشتان نیز سؤال خواهند کرد که چه
کرده اید کار خیری داشته باشند که جواب بگویند و ظاهرا تسبیح بخاک حضرت امام حسین افضل از آن باشد
چنانکه گذشت و چون حدیث جابر مشتمل بود بر فواید بسیار ذکر آن ضرور است منقولست در قوی کالصحیح و
نزد صدوق فی الصحیح از جابر بن یزید جعفی ثقه که گفت شنیدم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند
که بر زنان اذان و اقامت و جمعه و جماعت نیست یعنی بر سبیل تاکید چنانکه بر مردانست و عیادت بیماران
بر ایشان نیست و تشییع جنازه نیست یعنی موکدا و تلبیه بلند گفتن نیست و دویدن میان صفا و مروه
نیست و خود را بحجر الاسود سودن نیست یعنی مؤکدا و داخل شدن کعبه نیست یعنی مؤکدا و سر را تراشیدن

چرخ رشتن یا پیله رشتن که رشتن باشد بهر نحوی که باشد و یاد دهید بایشان

نیست یعنی حرام است بلکه از موی خود تقصیر میکنند در حج و عمره مفرده و قضا بایشان نمیدهند و ایشانرا
امارت نمیدهند و با زنان مشورت نمیکنند مگر از جهت آنکه مخالفت ایشان کنند و ذبح حیوانات نمیکنند
مگر در حالت اضطرار و در وضو ابتدا بشکم دست میکنند و مردان ابتدا به پشت دست میکنند و مسح سر نمیکنند
مانند مردان بلکه بر زنان است که مقنعه را از موضع مسح سر بیندازند در نماز صبح و شام و مسح سر کنند و در باقی
نمازها انگشت خود را بزیر مقنعه کنند و مسح سر کنند بی آنکه مقنعه را بیندازند و گذشت بتفصیل و چون بنماز
برخیزند پاها را بهم گذارند و دستها را بر سینه گذارند و در رکوع دستها را بر رانها گذارند و چون بسجود
روند اول بنشینند و بسجده روند بر زمین چسبیده و چون سر از سجده دویم بردارند بنشینند و بعد از آن
برخیزند و چون از جهت تشهد بنشینند پاها را با زانوها بردارند و رانها را بهم آورند و چون تسبیح گویند ببند
انگشتان حساب کنند زیرا که از بندها سؤال خواهند کرد و هرگاه حاجتی بحق سبحانه و تعالی داشته باشند به پشت
بام خانه روند و دو رکعت نماز بکنند و سر خود را برهنه کنند زیر آسمان که هرگاه چنین کنند البته دعای او مستجاب ایشان
میشود و ناامید نمیشوند و بر زن غسل جمعه در سفر سنت مؤکد نیست و جایز نیست او را که در حضر ترک کند غسل را
و شهادت زنان در هیچ حدی مقبول نیست و شهادت ایشان در طلاق مسموع نیست و در دیدن ماه مسموع نیست
و گواهی زنان تنها مسموع است در چیزی چند که مردان بآن نظر نمیتوانند کرد مثل عیوب پنهان زنان و زنان در
میان راهها راه نروند و در کنارهای راه روند و جایز نیست زنان را در بالاخانه نشستن و خط یاد گرفتن
و سنت است که چرخ رشتن یاد گیرند و سوره نور را یاد گیرند و مکروه هست زنان را یاد گرفتن سوره یوسف
علیه السلم و هرگاه زن مرتد شود او را توبه میفرمایند پس اگر توبه کند فبها والا او را همیشه در زندان حبس میکنند تا
برگردد و او را نمیکشند چنانکه مرد مرتد را میکشند ولیکن او را بخدمتهای دشوار میفرمایند و خوردنی و آب نمیدهند
او را مگر آنقدر که سد رمق او کند و طعام نمیدهند مگر چیزهای زبون و پوشش نمیدهند او را مگر پوششهای
کنده و درشت و اگر نماز نکند میزنندش تا نماز بکند و میزنندش تا روزه بگیرد تا توبه کند و از کفر برگردد و بر
زنان جزیه نیست و چون ولادت زن حاضر شود واجبست که زنانرا بیرون کنند از خانه تا اول مرتبه نظر زنان
بعورت مولود نیفتد و این محمولست بر زنان زیاده بر قدر ضروری و جایز نیست زن حایض و جنب را حاضر

شدن

شدن نزد تلقین میت در حالت رفتن زیرا که ملائکه متاذی میشوند از ایشان و جایز نیست که زن حایض
و جنب داخل قبر شوند در وقت بردن میت بقبر و چون زن از جای خود برخیزد جایز نیست مرد را که
در آنجا بنشیند تا سرد نشود و از مشایخ شنیده ایم که مرض ابنه می آورد و جهاد زن آنست که اطاعت شوهر
نیکو بکند و رعایت احوال شوهر خود خوب بکند و حق شوهر بر زن عظیم تر است از همه مخلوقین و شوهر احق
است بنماد کردن بر زن بعد از موت زن و جایز نیست زن مسلمانرا که برهنه شود نزد زن یهودی و نصرانی زیرا
که وصف میکنند بدن او را نزد شوهرهای خود و جایز نیست زن را که بوی خوش کند وقتی که از خانه بیرون رود
و جایز نیست زنانرا که شبیه بمردان شوند زیرا که رسول خدا لعنت کرده است مردانی را که شبیه بزنان شوند
و لعنت کرده است زنانی را که شبیه بمردان شوند و جایز نیست زن را که خود را بی زینت نگاه دارد و اگرچه
ریسمانی در گردن کند بجای گردن بند و جایز نیست که ناخنهای خود را سفید گذارد اگرچه بحنا بمالد آنقدر
که رنگ گیرد و در حالت حیض دست خود را حنا نبندد که شیطان برو دست می یابد یعنی شوهر را خوش می
آید و شیطان دست می یابد و شوهر را وسوسه میکند تا او را وطی کند و چون زن در نماز باشد و کاری داشته
باشد دست برهم زند و مرد ایما میکند در نماز و اشاره بدست میکند و تسبیح میگوید و جایز نیست زن را بی
مقنعه نماز کردن مگر آنکه کنیز باشد که او سر باز نماز میکند بی مقنعه و جایز است زنانرا که دیبا و حریر بپوشند
در غیر نماز و احرام و حرامست پوشیدن حریر بر مردان مگر در جهاد و جایز است که انگشتری طلا دست کنند
و در آن نماز کنند و بر مردان حرامست حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که یا علی انگشتر طلا دست
مکن که آن زینت تست در بهشت و ابریشمینه محض مپوش که آن لباس تست در بهشت و جایز نیست زن را در
مال خود آزاد کردن بنده و خیرات کردن مگر باذن شوهر و جایز نیست او را روزه سنتی مگر باذن شوهرش و جایز نیست
که مصافحه کند با نامحرم مگر آنکه دستش در جامه باشد و بیعت نمیکنند مگر از زیر جامه و جایز نیست او را حج
سنتی مگر باذن شوهرش و جایز نیست زن را که بر زین سوار شود مگر در حال ضرورت یا در سفر و میراث زن
نصف میراث مرد است و دیتش نصف دیت مرد است و مرد و زن در جراحتها برابرند تا بثلث دیت رسد
و چون از ثلث زیاده شود مرد بالا میرود و زن بزیر می آید و زن نصف مرد میشود و چون زن با مرد نماد

از مرد زیاد میشود و از زن
کم میشود و از زن صح

کند اگر چه یک زن باشد در عقب مرد می ایستد و بپهلوی او نمی ایستد و چون زن بمیرد امام در وقت
نماز در برابر سینه اش می ایستد و چون بمرد نماز کند اگر چه یک زن باشد در عقب مرد می ایستد و
بپهلوی او نمی ایستد و چون زن بمیرد امام نزد سرش می ایستد و صدوق باین عمل کرده است و بس و چون زن
را بقبر برند شوهر در موضعی می ایستد که پاهای او را بگیرد و محرم دیگر نزد سینه و سرش می ایستد بدرستی چیزی
شفیع زن نیست نزد حق سبحانه و تعالی بهتر از رضای شوهر او و چون حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها
شهید شد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بر او ایستاد در وقت نماز و گفت خداوندا من راضیم از
دختر پیغمبر تو خداوندا بوحشت قبر در می آید تو انیس او باش خداوندا از شوهر و اولاد هجرت کرده است خداوندا
تو او را بوصل خود شاد گردان خداوندا مظلوم از دنیا رفت حق او را بردند و شهیدش کردند ابو بکر فدک را
از او گرفت و عمر در بر شکمش زد و محسن ساقط شد و او بر سر این از دنیا رفت خداوندا تو حکم کن از جهت او
که تو بهترین حکم کنندگانی تمام شد حدیث جابر و در قرب الاسناد حمیری روایت کرده است از عبد الله بن
حسن از جدش علی بن جعفر گفت سؤال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که اگر زنی امامت
زنان کند چه مقدار آواز خود را بلند کند در حالت قرائت حضرت فرمودند که آنقدر که خودش شنیده شود گفت سؤال
کردم که آیا بر زنان هست که قراءت را بلند بخوانند در نماز فریضه و نافله حضرت فرمودند که نه مگر آنکه زنی
امامت زنان کند بلند میخواند آنقدر که زنان بشنوند پرسیدم که آیا افتتاح صلوة و تشهد و قنوت و نماد
نافله پیشین و نافله شب بر زنان هست چنانکه بر مردانست فرمودند که بلی پرسیدم که زنانی که عارف باشند
یعنی امام خود را شناسند و اثنا عشری باشند آیا بر ایشان هست نماز کسوف و جمعه و عیدین و بوی خوش
کردن و زینت کردن در روز جمعه و عید رمضان و عید قربان چنانکه بر مردانست فرمودند بلی پرسیدم که
کنیز نماز میتواند کرد در یک پیراهن فرمودند که باکی نیست پرسیدم که هرگاه زنی در نماز واجب باشد و فرزندش
در پهلوی او باشد و گریه کند و زن نشسته باشد می تواند که فرزند خود را بردارد و در کنار خود گذارده
و او را خاموش کند و شیرش بدهد فرمودند که باکی نیست پرسیدم که زنان دیبا می توانند پوشید فرمودند که
باکی نیست پرسیدم که زنان موی خود را تنک می توانند کرد حضرت فرمودند که باکی نیست پرسیدم که زن از خانه

روی مح

شوهر

شوهر چیزی بمردم می تواند داد فرمودند که نه مگر آنکه رخصت بگیرند پرسیدم که بی رخصت شوهر از خانه
او بیرون میتواند رفت حضرت فرمودند که نه پرسیدم که اگر زنی جراحتی در رانش یا بازوی او باشد آیا مرد
نظر میتواند کردن و معالجه کردن آن را فرمودند که نه پرسیدم که هرگاه در بیخ رانش یا در نشستگاهش
جراحتی باشد زن میتواند که نظر بانجا کند و مداوا کند آنرا فرمودند که غیر عورت را میتواند پرسیدم که
مرد کجای زن نامحرم را میتواند دید فرمودند که رو و دستها و موضع دست بند پرسیدم که مرد فرج زن را
میتواند بوسید فرمودند که باکی نیست و احکامی که درین دو حدیثست اکثر آن در مواضع خود خواهد آمد
و بعضی گذشت باب الأدب في الانصراف من الصلوة این بابیست در بیان ادب فارغ شدن
از نماز که از کدام طرف روانه شود روى محمد بن مسلم عن ابي جعفر صلوات الله عليه قال اذا انصرفت من
الصلوة فانصرف عن يمينك و کالصحیح منقولست از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که
هرگاه فارغ شوی از نماز از دست راست فارغ شو و مثل این حدیث شیخان در موثق کالصحیح از سماعه
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده اند و ظاهر این دو خبر اینست که چون خواهند که از
جای نماز برخیزند از جانب دست راست برخیزند و احتمال دارد که مراد این باشد که چون سلام دهند رو
بجانب راست کنند موافق اخبار دیگر و ظاهر کلینی چنین فهمیده است چون در باب سلام آورده است
و علامه مثل صدوق فهمیده است و حکم بصحت حدیث محمد بن مسلم کرده است در منتهی در بسیاری جاهایی
و حق با اوست بحسب واقع ولیکن مخالف قاعده او ست چون در سند و کس از اولاد برقی هست که ارباب
رجال ایشان را ذکر نکرده اند و شیخ حسن رحمه الله متنبه شده است باین تحقیق و حدیثی که احمد بن محمد بن یحیی
عطار در آنست صحیح شمرده است و گفته است که او صاحب کتاب نیست بلکه از مشایخ اجازه است و شیخ ما
مولانا عبد الله رحمه الله مطلق مشایخ اجازه را باعتبار جهالت یا ضعف مضر نمیدانست پس بحسب آنچه بتجربه
و تمرن ظاهر شده است از تتبع بسیار آنست که ضعف در هر مرتبه که از مشایخ اجازه باشند ضرر ندارد و
لهذا حسین بن سعید از قاسم جوهری روایت میکند و اعتماد برو کرده است چون صاحب کتاب نبوده است
بلکه میتوان گفت که طریقه متوسطین علما از شیخ طوسی تا علامه در امر رجال الظهر است که نظر براوی اول میکنند

خصوصا نسبت بامثال این فضلا وبسیار است که در ترجیح احادیث راوی اول را بر یکدیگر ترجیح میدهند
وجمعی از متاخرین که از اصطلاح ایشان خبر ندارند بحث کرده اند که این ترجیح وقتی خوبست که هر دو در
مرتبه صحت مثل یکدیگر باشند در بقیه اسناد وحال انکه انچه را ترجیح داده اند مشتملست بر جمعی از ضعفا
واز این غافلند که کتب قدما پیش ایشان بوده است وبسیار بوده است که حدیث زراره در صد کتاب باسانید
مختلفه بوده است وشك نبوده است در انکه دروغ بر زراره نبسته اند بلکه زراره را با محمد بن مسلم
می سنجیده اند مثلا وامثال این فضلا که احادیث بسیار در مدح ایشان از ائمه معصومین صلوات الله علیهم
وارد بوده است کتب ایشانرا اعتبار عظیم میکرده اند لهذا صدوق یك سند بمحمد بن مسلم نقل کرده است
در فهرست با انکه اسانید بسیار باو داشته است چنانکه تصریح باینمعنی کرده است در ابو حمزه ثمالی و
یك طریق مجهول نزد ما نقل کرده است وبعد از ان کفته است که طرق من باو بسیار است از جهت اختصار
یك طریق را نقل کرده ام ومؤید انکه بسیار نقل کرده است صدوق از ابو حمزه بطرق متکثره صحیحه در کتب خود
لهذا شیخ طوسی در هیچ جا در مذمت وسایط سخن نکفته است بلکه مذمت راوی اول میکند وهمچنین
صدوق غالبا وابن طاووس ومحقق بسیار چنین کرده اند والله تعالی یعلم باب الجماعة و
فضلها قال الله تبارك وتعالى وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَآتُوا الزَّكَوٰةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ این بابیست
دربیان نماز جماعت وفضیلت آن حق سبحانه وتعالی فرموده است که بپای دارید نماز را یعنی بجا آورید
با شرایط وارکان آن در اوقات آن وزکات مال خود بدهید ونماز کنید با جمعی که نماز میکنند وتعبیر
از نماز برکوع فرموده است چنانکه بسجود فرموده است وبتسبیح وذکر وغیر آن باعتبار تسمیه کل باسم
اشرف اجزا واکثر مفسرین چنین تفسیر کرده اند وبعضی کفته اند که خطابست با یهود که مسلمان شوید
ونماز با رکوع بکنید چنانکه مسلمانان میکنند ومعنی اول اظهر است ولیکن صدوق تا خبری ندیده باشد
حکم نمیکند چنانکه کفته است فَأَمَرَ اللهُ بِالْجَمَاعَةِ كَمَا أَمَرَ بِالصَّلَوٰةِ پس درین آیه چنانکه حق سبحانه
وتعالی امر بنماز کرده است امر بجماعت کرده است وبنا بر طریقه قدما اوامر قرآنی واجبست ولیکن چون
حدیث زراره وارد شده است باستحباب آن ظاهرش عدول باستحباب موکد کرده اند وممکن است که مراد صحیح م

ازآیه جماعت واجبه باشد در جمعه وعیدین بلکه جمعه فقط ومراد از نماز اولی صلوات یومیه باشد و
از ثانی نماز جمعه یا با عیدین وامر بحال خود باشد وبنا بر اول مراد اعم از واجب وسنت خواهد بود که
در جمعه وعیدین بر سبیل وجوب باشد ودر باقی بر سبیل استحباب بلکه ممکن است که نماز اول اعم از
واجب وسنت باشد وشامل نوافل نیز باشد والله تعالی یعلم وَفَرَضَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى النَّاسِ مِنَ
الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَثَلَاثِينَ صَلَوٰةً مِنْهَا صَلَوٰةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللهُ فِي جَمَاعَةٍ وَهِيَ الْجُمُعَةُ و
بطرق صحیحه وحسنه از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که حق سبحانه وتعالی
~~واجب کردانیده است بر همه مردمان یکی از ان سی وپنج نماز نمازیست که حق سبحانه وتعالی آنرا بجماعت واجب~~
کردانیده است از روز جمعه تا روز جمعه دیکر یا از هفته تا هفته دیکر یعنی در هفت روز سی وپنج نماز واجب
کردانیده است بر همه مردمان یکی از ان سی وپنج نماز نمازیست که حق سبحانه وتعالی آنرا بجماعت واجب کردانیده
است وآن نماز جمعه است واز نه کس وضع کرده است آنرا وخواهد آمد این حدیث در باب جمعه وَأَمَّا سَايِرُ
الصَّلَوَاتِ فَلَيْسَ الْاِجْتِمَاعُ إِلَيْهَا بِمَفْرُوضٍ وَلَكِنَّهُ سُنَّةٌ مَنْ تَرَكَهَا رَغْبَةً عَنْهَا وَعَنْ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ مِنْ
غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا صَلَوٰةَ لَهُ این عبارت مضمون صحیحه زراره است وفضیل که کفتند عرض نمودیم بحضرت امام محمد
باقر صلوات الله علیه که آیا نمازها را بجماعت واقع ساختن فریضه است حضرت فرمودند که نمازها واجبست واجتماع
در نمازها مفروض نیست در همه نمازها ولیکن جماعت سنت است کسی که ترك کند جماعت را بانکه انفراد را
بهتر داند ورو از جماعت واجتماع مسلمانان بکرداند بی علتی نماز او نماز نیست یعنی باطلست یا کامل نیست و
بر تقدیر دلالت بر وجوب جماعت نمیکند زیرا که ترك جماعت رغبة عنها فسق است بحسب ظاهر وممکن است
که بسبب این معنی نماز باطل باشد وبسبب ترك فقط با انکه داند که بد کرده است وخود را از فضیلت نماز جماعت محروم
کرده است کناه نداشته باشد ونمازش صحیح باشد چنانکه ظاهر حدیثست اکرچه ممکنست که مراد این باشد که وجوب
جماعت از قرآن ظاهر نشده است بلکه از سنت نبی ظاهر شده است وتهدیدات ترك جماعت بحال خود باشد و
لیکن ظاهر تتمه حدیث که مذمت را بر ترك مطلق نفرمودند وبر ترك رغبة عنها فرمودند قرینه آنست که سنت بمعنی
خود باشد با انکه علماء شیعه کافه بر استحباب اند وکسی قایل بوجوب جماعت نشده است نه عینا ونه کفایة خلاف

عامه که بعضی قایل بوجوب عینی شده اند وبعضی بکفایی واکثر باستحباب وَمَنْ تَرَكَ ثَلٰثَ جُمُعَاتٍ مُتَوَالِيَاتٍ
مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَهُوَ مُنَافِقٌ منقولست در صحیح از ابو بصیر و محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه که فرمودند که هر که سه نماز جمعه را ترک کند بی علتی او منافق است وذکر این حدیث درباب این حدیث در
باب جمعه اولی بود ولیکن چون جماعت مطلق را ذکر کرد و نماز جمعه را اولا ذکر کرد مناسبت دارد و نهایت
مبالغه است در وجوب جمعه که ترک کردن سه جمعه منزله کافر شود کفرا است وَصَلٰوةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ تَفْضُلُ عَلٰى صَلٰوةِ
الرَّجُلِ وَحْدَهُ بِخَمْسٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ فَالصَّلٰوةُ فِي جَمَاعَةٍ تَفْضُلُ صَلٰوةَ الْفَرْدِ بِأَرْبَعٍ وَعِشْرِينَ صَلٰوةً
فَيَكُونُ خَمْسًا وَعِشْرِينَ صَلٰوةً مضمون حدیث صحیح عبد الله بن سنان است از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه که فرمودند که نمازی که شخصی بجماعت کند زیادتی دارد بر نماز تنها بر بیست وچهار نماز که با
اصل بیست و پنج نماز است وعبارت حدیث چنین است که حضرت فرمودند که نماز جماعت زیادتی دارد بر نماز
فرد به بیست وچهار درجه که با اصل بیست و پنج نماز باشد واین عبارت درغایت متانتست ومطلوب از و
ظاهر است وتغییر از نقل من حیث المعنی باینجا رسانیده است وممکنست که بجای خمس اربع بوده باشد وتبدیل
از نساخ شده باشد ودر حسن کالصحیح از زراره منقولست که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه که روایتی از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله نقل کرده اند سنیان که حضرت فرمودند که نماز جماعت
افضل است از نماز تنها به بیست و پنج نماز حضرت فرمودند که راست میگویند ومضمون افضلیت به بیست و پنج
نماز متواتر بالمعنی است وَرَوٰى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ لَا صَلٰوةَ لِمَنْ لَا يَشْهَدُ
الصَّلٰوةَ مِنْ جِيرَانِ الْمَسْجِدِ إِلَّا مَرِيضٌ أَوْ مَشْغُولٌ وکالصحیح منقولست از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که
فرمودند که نماز نیست کسی را که حاضر نشود بنماز جماعت از همسایهای مسجد مگر بیماری یا کسی که شغل ضروری
داشته باشد ودر صحیح از زراره منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که هر که جماعت کند از
روی رغبت از و واز جماعت مؤمنان بی علتی پس او را نماز نیست ودر موثق از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه منقولست که فرمودند که نمازی نیست کسی را که حاضر نشود نمازهای واجب را در مسجد از همسایگان مسجد هر
گاه فارغ باشد وبیمار نباشد واین حدیث وحدیث محمد بن مسلم ظاهر شان نماز جماعتست واحتمال دارد که مراد

بیست و پنج درجه در بهشت یعنی
مجموع از اصل وزیادتی بیست و پنج
درجه است پس نماز جماعت زیادتی
دارد بر نماز تنها

نماز

نماز در مسجد باشد مثل حدیث حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله که فرمودند که نمازی نیست همسایه مسجد
را مگر در مسجد اگر چه این حدیث نیز احتمال الجماعت دارد ومراد از همسایه مسجد کسانی اند که در عرف ایشان را
همسایه گویند بنا بر مشهور میان اصحاب ودر حدیث حسن کالصحیح از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه وکالصحیح
از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله منقولست که حد همسایگی چهل خانه است از چهار طرف ودر حدیث صحیح
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر کس بشنود اذان نماز جماعت را وبجماعت حاضر نشود او را
نماز نیست ومراد از اینها نماز کاملست وَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِقَوْمٍ لَتَحْضُرُنَّ الْمَسْجِدَ أَوْ لَأُحَرِّقَنَّ
عَلَيْكُمْ مَنَازِلَكُمْ ومنقولست که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله بجمعی فرمودند که می باید که حاضر شوید
یا والله که حاضر خواهید شد در مسجد بنماز جماعت واگرنه خانهای شما را بر شما خواهم سوخت یعنی آتش بخانهای
شما میزنم که شما با خانها بسوزید واین مضمون در احادیث صحیحه از طرق عامه وخاصه وارد شده است از انجمله
در صحیح از عبد الله بن سنان منقولست که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که فرمودند که
جمعی در زمان حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله تاخیر میکردند وبنماز جماعت در مسجد حاضر نمیشدند
حضرت فرمودند که نزدیکست که آن جمعی که ترک میکنند نماز در مسجد را بجماعت که امر کنم که هیمه بیاورند ودر
در خانهای ایشان گذارم وبر افروزم وخانهای ایشان را با ایشان بسوزانم ودر حسن کالصحیح از آنحضرت صلوات
الله علیه منقولست که حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله شرط کرد بر همسایهای مسجد که حاضر شوند بنماز وفرمودند
که باید که ترک کنند جمعی که حاضر نمیشوند بنمازهای جماعت وحاضر شوند واگرنه امر میکنم مؤذنی را که اذان واقامه
بگوید وامر میکنم شخصی از اهل بیت خود را که آن علیست صلوات الله علیه که پشتهای هیمه بیاورد وخانهاء ایشان را بسوزانند
بر جمعی که بنماز جماعت حاضر نمیشوند وکالصحیح منقولست از عبد الله بن ابی یعفور از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه که فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله اراده کردند که بسوزانند جمعی را که در خانهای خود
نماز میکردند وبنماز جماعت حاضر نمیشدند پس مرد کوری آمد وگفت یا رسول الله من چشم ندارم وبسیارست
که اذان میشنوم وکسی بهم نمیرسد که مرا بنماز جماعت حاضر کند که با تو نماز کنم حضرت فرمودند که ریسمانی ببند
از خانه ات تا بمسجد ودست بریسمان گیر وبنماز جماعت حاضر شو ودر طرق عامه نیز در صحاح ایشان منقولست

بنحو حدیث سابق یوین و با انکه نماز جماعت سنت باشد اراده سوختن ایشان از چند تاویل کرده اند
یکی انکه انجماعت که حاضر نمیشدند منافقان بودند و سوختن ایشان جایز بود دیکر انکه ترک جماعت همه نمازها
میکردند حتی نماز جمعه و سوختن باعتبار ترک جمعه بود دیکر انکه محض تهدید و وعید بود و جایز است
تخویف دیکر انکه سوختن دنیا غیر سوختن آخرتست و واجب آنست که بر ترک آن مستحق عقوبت آخرت
شوند چنانکه در اذان کذشت و در ترک زیارت نبی خواهد آمد و اینمعنی اظهر است اکرچه ممکن است اجتماع
همه علل والله تعالی یعلم وقال صلوات الله علیه وآله مَنْ صَلَّى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ جَمَاعَةً فَظُنُّوا بِهِ كُلَّ خَيْرٍ
و باسناد سکونی از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله منقولست که فرمودند که هر که نمازها را بجماعت
کند باو کمان برید که همه خوبیها دارد و عبارت کافی اینست که فَظُنُّوا بِهِ خَيْرًا یعنی او را خوب دانید یعنی
عادل دانید چنانکه در صحیح از عبدالله بن ابی یعفور منقولست که عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه که بچه چیز دانسته میشود عدالت شخصی در میان مسلمانان تا انکه شهادت او مقبول باشد
از برای ایشان و بر ایشان در نفع و ضرر حضرت ع فرمودند بانکه بشناسند او را بستر معاصی که معاصی نمیکند
و عفت داشته باشد بانکه اجتناب کند از شبهات و نکاه دارد شکم خود را از خوردن محرمات و شبهات
و همچنین فرج خود را و دست خود را و زبان خود را و دانسته میشود بانکه اجتناب کند از کناهان کبیره که
حق سبحانه و تعالی بر آنها وعده کرده است آتش دوزخ را مثل شرب خمر و زنا و ربا و عقوق پدر و مادر و
کریختن از جهاد و غیر اینها و دلیل اینها آنست که بپوشاند یعنی پوشیده باشد جمیع عیوب او که ما علم بآنها
نداشته باشیم تا انکه بر مسلمانان حرام باشد تفحص کردن کناهان و عیوب او و لغزشهای او را چون
مکلفند بظاهر و مکلف نیستند بواقع و هرکاه عیوب او پوشیده باشد واجبست بر مسلمانان که حکم کنند
بعدالت او و ظاهر سازند عدالت او را در میان مردمان و می باید که ملازمت داشته باشد واجبست بر مسلمانان
که حکم کنند بر کردن نمازها در وقت خود با جماعت مسلمانان و تخلف نکند از جماعت ایشان و جمعیت ایشان
در مساجد ایشان مکر بعلتی و هرکاه ملازمت داشته باشد که بمسجد حاضر شود در نمازهای پنجکانه پس اکر
از احوال او پرسند در قبیله او و محله او اهل محله کویند از و ندیده ایم مکر خوبی و ملازمت دارد بر نمازها در

اوقات نمازها میکند در مصلای خود بجماعت و این معنی جایز میدارد که شهادت او را قبول کنند
و حکم بعدالت او کنند در میان مسلمانان زیرا که نماز ستر و کفاره کناهانست و ممکن نیست شهادت
دادن بر کسی که او نماز میکند هرکاه در مسجد حاضر نشود و با جماعت مسلمانان نماز نکند و نماز جماعت را ازین
جهت شارع مقرر ساخته است تا بشناسند که نماز کذارنده کیست و انکه نماز نمیکند کیست و که حفظ اوقات
نماز میکند و که نمازها را در اوقات آن بجا نمی آورد و اکر نه این باشد ممکن نیست که کواهی توان دادن بر کسی
که او صالح است زیرا که کسی که بنماز جماعت مسلمانان حاضر نمیشود او را صلاحی نیست در میان مسلمانان
بدرستی که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله اراده فرمودند که جمعی را بسوزانند از جهت انکه بنماز جماعت
حاضر نمیشدند با انکه بعضی از ایشان در خانه خود نماز میکردند و حضرت از ایشان قبول نکرد نماز خانه را و چکونه
قبول کنند شهادت کسی را یا عدالت شخصی را در میان مسلمانان که حکم خدا و رسول جاری شده باشد که او را با
خانه اش بسوزانند و حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله میفرمودند که نمازی نیست کسی را که نماز نکند در
مسجد با مسلمانان مکر با علتی و علم عدالت امام علتست چنانکه در صحیح از زراره منقولست که در خدمت
حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه نشسته بودم که شخصی داخل شد و کفت فدای تو کردم من همسایه مسجد قوم
خودم که هرکاه با ایشان نماز نمیکنم غیبت من میکنند و آزارم میدهند و میکویند رافضی است و مذهب ندارد
حضرت فرمودند که تو این را میکویی و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرموده است که هر که اذان بشنود و
بنماز جماعت حاضر نشود بی علتی نماز او نماز نیست پس آن مرد خواست که بیرون رود فرمودند باو که ترک
مکن نماز را با ایشان و در عقب هر امامی زراره کفت که بحضرت عرض نمودم که بر من دشوار آمد که جواب فتوای
این مرد را چنین دادید که در عقب هر امامی نماز کن نماز میتواند کرد هرکاه ائمه مؤمن نباشند حضرت تبسمی
فرمودند و فرمودند که ای زراره تو هنوز سخن نمی فهمی و وضع را نمیدانی ای زراره من کفتم که بی علتی و کدام علت
ازین اعظم است که امام مؤمن نباشد و با و اقتدا نتوان کرد نشنیدی که من کفتم در مساجد خود نماز کنید و با ائمه
خود نماز کنید و ائمه خود شیعه اند که عادل باشند علی الظاهر ممکنست که حضرت این عبارت را فرموده
باشند و زراره نشنیده باشد یا حضرت بیشتر این سخن را موجه فرموده باشند و بعد از آن آن شخص آن

اما حل آن بحدیث ص

سؤال را کرده باشد یا حضرت مکر این عبارترا بزراره وان شخص وغیر او فرموده باشد وتقیه فرموده
باشند درین اجمال یا آن شخص مطلب حضرترا فهمیده باشد که مراد از نماز با ایشان صورت نماز باشد
وزراره نفهمیده باشد بنا برین تعجب فرموده باشند از زراره که او فهمید وتو نفهمیدی یا انکه اتقاء است
فرموده باشند که با ان شخص ضرری نرسد چون خوف داشتند که اگر بگویند که صورت نماز را بجا آورد او
با ایشان بگوید وباو ضرری برسد یا بحضرت وتقیه فرموده باشند ودر مسایل تقیه اکثر اوقات چنین
می فرموده اند که سنی نحوی فهمد وشیعه نحوی فهمد یا انکه می دانستند که زراره باو خواهد گفت وبعد ازین
نیز خواهد آمد وظاهر اخبار آنست که در امام ایمان کافی است مثل این خبر مگر انکه مراد از ایمان عدالت باشد
چنانکه اخبار متواتره وارد است که فاسق مؤمن نیست وسکونی باسناد خود روایت کرده است از حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه وآله که هر که اذان نماز را بشنود واز مسجد بیرون رود بی علتی او منافق است
مگر انکه قصد رجوع داشته باشد وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الاِثْنَانِ جَمَاعَةٌ از حضرت سید المرسلین صلی
الله علیه وآله منقولست که فرمودند که دو کس جماعتند یعنی نماز جماعت حاصل می شود بدو کس که شامل دو
مرد ویک مرد ویک زن ودو زن هست اگرچه ظاهر صدوق آنست که بدون زن متحقق نمیشود وخواهد
آمد ودر حسن کالصحیح از زراره منقولست که گفت عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که دو
مرد که باشند جماعت حاصل میشود فرمودند که بلی ومأموم در دست راست امام می ایستد وَسَأَلَ الْحَسَنُ
الصَّيْقَلُ أَبَا عَبْدِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ عَنْ أَقَلِّ مَا يَكُونُ الْجَمَاعَةُ قَالَ رَجُلٌ وَامْرَأَةٌ وکالصحیح منقولست
از حسن شمشیر تیزکن وصفا دهنده او از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که گفت از آنحضرت سؤال
کردم از اقل آنچه جماعت بآن حاصل میشود حضرت فرمودند که یک مرد ویک زن وظاهرش آنست که بدون
زن حاصل نمیشود جماعت وظاهر میشود که بمردی یا زنی وصبی ممیز نیز حاصل نمیشود وخواهد آمد
که حاصل میشود وَإِذَا لَمْ يَحْضُرِ الْمَسْجِدَ أَحَدٌ فَالْمُؤْمِنُ وَحْدَهُ جَمَاعَةٌ لِأَنَّهُ مَتَى أَذَّنَ وَأَقَامَ صَلَّى خَلْفَهُ
صَفَّانِ مِنَ الْمَلٰئِكَةِ وَمَتَى أَقَامَ وَلَمْ يُؤَذِّنْ صَلَّى خَلْفَهُ صَفٌّ وَاحِدٌ وهرگاه در مسجد حاضر نباشد کسی که
بجماعت نماز کند پس مؤمن تنها جماعتست زیرا که هرگاه اذان واقامت میگوید در عقب او نماز میکنند دو

نمیشود ومحمولست بر انکه جماعت کامل بدون زن حاصل نمیشود چنانکه خواهد آمد باحادیث صحیحه که بدون زن حاصل میشود صح

صف

صف از فرشتگان وهرگاه اقامت تنها بگوید در عقب او نماز میکنند یک صف وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُؤْمِنُ وَحْدَهُ حُجَّةٌ وَالْمُؤْمِنُ وَحْدَهُ جَمَاعَةٌ وبتحقیق که حضرت سید المرسلین صلی الله
علیه وآله فرموده است که مؤمن تنها قولش حجتست ومؤمن تنها جماعتست در حدیث صحیح از حماد بن عیسی وارد
شده است واجماع است بر تصحیح آنچه از او صحیح شود از محمد بن یوسف ثقه از پدرش که گفت شنیدم از حضرت
امام محمد باقر صلوات الله علیه که میفرمودند یعنی بسیار که جهنی بخدمت حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله آمد
وگفت یا رسول الله من در صحرا میباشم وبا من هستند اهل وفرزندان وغلامان من اذان واقامه میگویم و
پیش نمازی ایشان میکنم آیا ثواب نماز جماعت داریم ونماز جماعتست حضرت فرمودند که بلی پس گفت یا رسول
الله گاه هست که زن نیز کاری دارد وحاضر نیست ومن تنها میمانم اذان واقامت میگویم ونماز میکنم آیا من
جماعتم حضرت فرمودند که بلی مؤمن تنها جماعتست ظاهرا صدوق ازین حدیث فهمیده است که چون اذان
واقامت گفته است ودر حدیث صحیح گذشت که دو صف از ملائکه در عقب او نماز میکنند پس جماعت حاصل
میشود ولیکن ظاهر کلام حضرت که فرمودند که مؤمن تنها جماعتست آنست که ایمان سبب اینست نه اذان و
اقامت اگر چه اذان و اقامت بگوید
آنچه صدوق از جهت گفته خود یا مطلقا استشهاد آورده است که مؤمن تنها حجتست وتنها جماعتست و
قرینه این معنی است که چون مؤمن با حضور قلب نماز میکند پس دل او بمنزله امام است وقوی وحواس باطن و
ظاهر واعضا وجوارح او بمنزله ماموم اند که بدل اقتدا میکنند چنانکه منقولست که حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه وآله شخصی را دیدند که نماز میکرد وبا ریش خود بازی میکرد فرمودند که اگر این مرد دل او با خدا میبود
هر آینه اعضا وجوارح او خاشع می بود بنحوی که حق سبحانه وتعالی طلبیده است واین معنی مجربست که هرگاه
دل با حق سبحانه وتعالی است در حالت قیام چشم او بموضع سجود است ودستهای او در برابر زانوهاست و
پاهای با فاصله رو بقبله است وگردن وبدن او راستست وآب دهن نمی اندازد وآب بینی نمی اندازد وهمچنین
در سایر احوال چنانکه گذشت واگر دل با حق سبحانه وتعالی نیست هر عضوی بجاییست وانکه وارد است که
مؤمن بتنهایی حجتست یعنی در مسایل رجوع باو میتوان کرد در فتوی با اجتهاد وهمچنین در حکم وبعلم خود عمل
می تواند کرد وحدیثی که نقل کند اعتماد بآن میتوان کرد چون مؤمن عادلست وفاسق مؤمن نیست چنانکه

غلامان مطلب است ان یعنی در مرصع واهل واولاد میمانیم اذان و اقامه میگویم وامامت ایشان میکنم آیا جماعتیم حضرت فرمودند که بلی پس گفت که یا رسول الله گاه هست که فرزندان متفرق میشوند در محافظت گله گوسفندان یا شتران من واهلم میمانیم اذان واقامه میگویم وپیش نمازی ایشان میکنم آیا جماعتیم حضرت فرمودند که بلی پس گفت یا رسول الله گاه هست صح

اخبار متواتره دلالت برین میکند که فرقست میان اسلام وایمان وبسبب فسق از ایمان بیرون میرود
واز اسلام بیرون نمیرود مثل حدیث متواتر لا یزنی الزانی یعنی زنا کننده درحین زنا مؤمن نیست ودزد درحین
دزدی مؤمن نیست وشارب الخمر دران حین مؤمن نیست وآیات واحادیث درین باب از حد حصر متجاوز
است هرکه خواهد رجوع کند بابواب ایمان واسلام در کافی ومحاسن وبصایر وکتب صدوق وغیر آن از
کتب عامه وخاصه بمرتبه ~~کرخواهد رجوع کند بابواب ایمان واسلام~~ جای شك نمی ماند وجمعی از متکلمین به
تبعیت جمعی از عامه گفته اند که ایمان در لغت بمعنی تصدیق است واصل علم نقل است وغافل شده اند از
تواتر اخبار بلکه تواتر آیات وهمه را تاویل کرده اند بتاویلات بارده وشکی نیست که اطلاق ایمان بر مطلق تصدیق
نیز واقع شده است اما در دعایم اسلام وایمان وارکان ایشان اخبار چند هست که احتمال تاویل ندارد
والله تعالی یعلم وحدیث صحیح نشیط نیز خواهد آمد وَصَلّی رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ الْفَجْرَ ذَاتَ یَوْمٍ
فَلَمَّا انْصَرَفَ اَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلی اَصْحَابِهِ فَسَاَلَ عَنْ اُنَاسٍ یُسَمِّیهِمْ بِاَسْمَائِهِمْ هَلْ حَضَرُوا الصَّلوٰةَ قَالُوا
لَا یَا رَسُولَ اللهِ فَقَالَ غُیَّبٌ هُمْ فَقَالُوا لَا یَا رَسُولَ اللهِ قَالَ اَمَا اِنَّهُ لَیْسَ مِنْ صَلوٰةٍ اَثْقَلُ عَلَی الْمُنَافِقِینَ
مِنْ هٰذِهِ الصَّلوٰةِ وَصَلوٰةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَلَوْ عَلِمُوا الْفَضْلَ الَّذِی فِیهِمَا لَاَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا ومنقولست
در صحیح از عبدالله بن سنان بچند طریق از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که روزی حضرت سید
المرسلین صلی الله علیه وآله نماز صبح را گذاردند وچون فارغ شدند رو باصحاب خود کردند وسؤال فرمودند
از جمعی که یك یك را نام بردند که آیا ایشان بنماز حاضر شده بودند صحابه گفتند نه یا رسول الله حضرت فرمودند
که آیا ایشان غایبند ودر شهر نیستند گفتند نه یا رسول الله فرمودند که بدرستی وراستی که هیچ نمازی دشوارتر
نیست بر منافقان که کافرند در واقع واظهار اسلام میکنند از خوف ازین نماز صبح ونماز عشاء آخر که نماز
خفتن است واگر میدانستند که چه فضیلت درین دو نماز است هرآینه حاضر میشدند واگرچه بسبب ضعف
بر نشستنگاه مانند اطفال که تازه براه می افتند می آمدند ممکنست که این جمع منافق باشند وحضرت تصریح بنفاق
ایشان نفرموده باشند وممکنست که مسلمانان باشند واشعار فرموده باشند که حاضر نشدن تشبه است بایشان
بقرینه انکه فرمودند که اگر فضل این هردو نماز را میدانستند مسلمانان واقعی میشدند ومی آمدند ولیکن خلاف ظاهر است

که در اینجاها مذکور است

چون فضل دانستن نوع اسلام
واقعی است یا مراد این باشد که اگر
منافقان فضیلت هردو را می
دانستند هم

مکر

مگر انکه بمقصد عدم اظهار نفاق ایشان چنین فرموده باشند یا نداننده منافق را از مؤمن وچنین مکرر فرموده
باشند که نماز خصوصا این دو نماز که وقت خوابست بر مؤمنان آسانست چون اعتقاد دارند بثواب نماز
ومنافقان که اعتقاد ندارند واز خوف می آیند بر ایشان دشوار است ومسلمانانی که چنین میکنند از جهالت است
که ثواب آنرا چنانکه هست نمیدانند واگر میدانستند تاخیر نمیکردند تا چون بشنوند دیگر تاخیر نکنند وَقَالَ
الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ مَنْ صَلَّی الْغَدَاةَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فِی جَمَاعَةٍ فَهُوَ فِی ذِمَّةِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ ظَلَمَهُ
فَاِنَّمَا یَظْلِمُ اللهَ وَمَنْ حَقَرَهُ فَاِنَّمَا یَحْقِرُ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ واز سکونی منقولست که انحضرت صلوات الله علیه فرمودند
که هرکه نماز صبح وخفتن را بجماعت بگذارد پس او در امان الهی داخل شده است وکسی که چنین کسی را ظلم کند
حق سبحانه وتعالی را ستم کرده است وکسی که امان چنین کسی را برهم زند امان الهی را برهم زده است ودر محاسن
بقا فست یعنی هرکه او را حقیر دانسته است خدا را حقیر دانسته است وظلمی که بر خدا کنند بر خود کرده اند وحق
سبحانه وتعالی از ان اعظم است که کسی بر او ستم کند ولیکن امثال این مقالات از باب مبالغه در استحقاق عقوبت
الهی است بمنزله کسی که کسی را ستم کند یا حقیر داند وَاِذَا کَانَ مَطَرٌ وَبَرْدٌ شَدِیدٌ فَجَائِزٌ لِلرَّجُلِ اَنْ یُصَلِّیَ فِی
رَحْلِهِ وَلَا یَحْضُرَ الْمَسْجِدَ لِقَوْلِ النَّبِیِّ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اِذَا ابْتَلَّتِ النِّعَالُ فَالصَّلوٰةُ فِی الرِّحَالِ وهرگاه
باران وسرمای سخت باشد جایز است که آدمی در خانه خود نماز کند چنانکه حضرت سید المرسلین صلی الله
علیه وآله فرمودند که هرگاه زمین سخت از باران تر شود پس نماز را در خانهای خود بکنید وغرض از زمین سخت
گفتن آنست که آن باندك بارانی تر میشود بخلاف زمین سست که فرو می برد وممکن است که مراد از نعال
کفشها باشد جمع نعل ومراد این باشد که بسیار است که زمینها نجس است وسبب تلویث مسجد میشود واگر
نجس نباشد باعتبار انکه وقت آمدن باران باشد گلها را داخل مسجد کردن منافی تعظیم مسجد است و
خواهد آمد در باب نماز جمعه که با وجوب آن در وقت آمدن باران ترك میتوان کرد واحادیث در طرق عامه
بسیار است وظاهر این حدیث نیز از طرق ایشان باشد وبسبب تواتر صدوق ذکر کرده باشد وعلی ای حال
قیاس سرما بباران خوب نیست مگر انکه مجموع در حدیثی وارد باشد از ائمه هدی صلوات الله علیهم ولیکن
بسیار بعید است وَقَالَ اَبِی رَضِیَ اللهُ عَنْهُ فِی رِسَالَتِهِ اِلَیَّ اِعْلَمْ یَا بُنَیَّ اَنَّ اَوْلَی النَّاسِ بِالتَّقَدُّمِ فِی جَمَاعَةٍ

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)

اَقْرَأُهُمْ لِلْقُرْآنِ فَاِنْ كَانُوا فِي الْقِرَاءَةِ سَوَاءً فَاَفْقَهُهُمْ فَاِنْ كَانُوا فِي الْفِقْهِ سَوَاءً فَاَقْدَمُهُمْ هِجْرَةً فَاِنْ كَانُوا
فِي الْهِجْرَةِ سَوَاءً فَاَسَنُّهُمْ فَاِنْ كَانُوا فِي السِّنِّ سَوَاءً فَاَصْبَحُهُمْ وَجْهًا وَصَاحِبُ الْمَسْجِدِ اَوْلَى بِمَسْجِدِهِ
وَلْيَكُنْ مَنْ يَلِي الْاِمَامَ مِنْكُمْ اُولُوا الْاَحْلَامِ وَالتُّقَى فَاِنْ نَسِيَ الْاِمَامُ اَوْ تَعَايَا فَقَوِّمُوهُ وَاَفْضَلُ الصُّفُوفِ
اَوَّلُهَا وَاَفْضَلُ اَوَّلِهَا مَا دَنَا اِلَى الْاِمَامِ و پدرم علی بن بابویه که خدا از و راضی باد در رساله که بمن نوشته
بود ذکر کرده بود و عبارت عبارت فقه رضویست از ان اولی الناس تا باخر بدان ای فرزند که اولی بود ما
بمقدم شدن و امامت کردن در نماز جماعت کسی است که قرآن را بهتر داند و جودت قرائت او بهتر باشد پس
اگر در قرائت قرآن و علم قرائت و جودت قرائت مساوی باشند پس هر که اعلم باشد بعلوم شرعیه یا در مسایل
فقه صلوة پس اگر در علم فقه [صلوة] یا اعم مساوی باشند پس مقدم است انکه بیشتر هجرت نموده است از بلاد کفر
ببلاد اسلام یا بخدمت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله پس اگر در هجرت مساوی باشند پس هر که سن
او در اسلام بیشتر باشد پس اگر در سن مساوی باشند پس هر که خوش روتر باشد از یشان مقدمست و صاحب
مسجد که در مسجدی امامت کند اولی است بامامت در ان مسجد از دیگران و می باید که کسانی که نزدیک باشند
بامام صاحبان عقول و پرهیزکاران باشند که اگر امام سهوی کند در قراءت یا غیر آن یا مانده شود که نداند
کدام آیه بعد از این آیه است یا نداند که سه رکعت کرده است یا چهار رکعت مثلا اورا اعلام کنند بانچه باید
کردن اورا و افضل صفها صف اولست و افضل جاهای صف اول جاییست که بامام نزدیکترست و در فقه
رضوی فی الجماعة است و یقوموه است و این دو کلمه بهترست و ظاهر اسهو از نساخ شده است و کلینی رحمه
الله بسند صحیح بکمان بنده و ضعیف بنا بر مشهور روایت کرده است چون [در سند] سهل بن زیاد از ابن محبوبست و
مکرر مذکور شد که کلینی از کتاب ابن محبوب برداشته است و سهل از مشایخ اجازه است و در خصوص
اینجا نیز صدوق در صحیح یا حسن کالصحیح از ابن محبوب روایت کرده است از ابن رئاب از ابو عبیده که
گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از جمعی از اصحاب ما که مجتمع میشوند و وقت
نماز حاضر میشود و بعضی بعضی میگویند که پیش بایست ای فلان چه باید کرد حضرت فرمودند که حضرت سید
المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که مقدم میشود قوم را هر که اقرا باشد قرآن را پس اگر در قرائت مساوی

باشند

فضیلت نماز جماعت

باشند پس کسی که بیشتر هجرت کرده باشد پس اگر در هجرت مساوی باشند پس کسی که سالش بیشتر
باشد پس اگر در سن مساوی باشند پس کسی که اعلم باشد بسنت و طریقه حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
و آله و کسی که اعلم باشد در دین و کسی تقدم نکند دیگری را در منزلش و نه صاحب سلطنت را در سلطنتش یعنی
کسی را که امام صلوات الله علیه امارت داده باشد او اولی است و صدوق بعد از ذکر این خبر در علل گفته است که
در حدیثی دیگر وارد است که اگر در سن مساوی باشند هر که خوش روتر باشد و ظاهر امرادش فقه رضویست
و کلینی باسناد او از جابر روایت کرده است از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که می باید که جمعی نزدیک امام
باشند که صاحبان عقل و خرد باشند که اگر امام نسیانی کند یا بماند عقلا اورا بحق بدارند و افضل صفها
صف اولست و افضل آن جایی است که بامام نزدیک باشد و فضیلت نماز جماعت بر نماز تنها بیست و پنج درجه است
در بهشت و مرسلا از آنحضرت روایت کرده است که فضل دستهای راست صفها بر دستهای چپ مثل
فضیلت نماز جماعت است بر نماز منفرد و کالصحیح روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
که فرمودند که شما را شرم نمی آید که کنیزک خود را بفروشید و او در خانه مولای ثانی بگوید که آقای من بنماز جماعت
حاضر نمیشد و ظاهر میشود که رعایت سخن مردم کردن در مذمتها بدنیا باشد و صدوق باسناد خود روایت
کرده است از انس که پسری از عثمان بن مظعون رضی الله عنه فوت شد و اندوه او بسیار شد تا انکه در خانه خود
مسجدی مقرر ساخت که در انجا عبادت کند و متوجه دنیا نشود چون این خبر بحضرت رسول الله صلی الله علیه و
آله رسید باو فرمودند که ای عثمان بدرستی که حق سبحانه و تعالی بر ما ننوشته است رهبانیت و گوشه گیری را
بدرستی که رهبانیت امت من جهاد است در راه خدا ای عثمن بهشت را هشت در است و دوزخ را هفت در است
آیا دوست نمیداری که فردای قیامت بهر دری که رسی ازین درها پسرت را یابی که در کمر تو چسپیده باشد و شفاعت
کند ترا از حق سبحانه و تعالی و شفاعت او را در حق تو قبول کند گفت بلی محبوب منست مسلمانان گفتند یا رسول
الله از ما نیز چنین خواهد بود در فرزندان ما که پیش از ما بروند چنانکه از برای عثمانست حضرت فرمودند بلی
خواهد بود از برای کسی که صبر کند از جهت رضای الهی پس فرمودند که ای عثمان هر که نماز صبح را بجماعت بگذارد
و در مصلای خود بنشیند و ذکر حق سبحانه و تعالی کند تا طلوع آفتاب اورا در جنة الفردوس هفتاد درجه کرامت

صبر بر فوت اولاد

کنند که از درجه تا درجه دیکر مقدار هفتاد ساله راه اسب دونده باشد وهرکه نماز ظهر را بجماعت بکذارد
اورا در جنت عدن پنجاه درجه کرامت کنند که از درجه تا درجهٔ پنجاه ساله راه اسب دونده باشد وهرکه نماز
عصر را بجماعت بکذارد چنان باشد که هشت کس از فرزندان حضرت اسمعیل را ازاد کرده باشد که همه صاحب خانه
باشند وهرکه نماز شام را بجماعت بکذارد اورا ثواب حجی مقبول وعمرهٔ مقبوله کرامت فرمایند وهرکه نماز خفتن
را بجماعت بکذارد چنان باشد که شب قدر را بعبادت کذرانیده باشد تا صبح وباسناد خود از ابن عباس روایت
کرده است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله فرمودند که حق سبحانه وتعالی را فرشته ایست که نام او سنحابیل
است بنون وحای مهمله که براتهای نماز کذارندکان را میکیرد از حق سبحانه وتعالی نزد هر نمازی پس چون صبح میشود
وبرمیخیزند ووضو میکنند ونماز صبح را میکنند براتی از حق سبحانه وتعالی میکیرد که دران نوشته است که منم خداوند
باقی ای بندکان من وای کنیزان من شما را در پناه خود ودر حفظ خود ودر رعایت خود درآوردم بعزت و
بزرکواری خود قسم یاد میکنم که شما را خوار نکنم وکناهان شما را بیامرزم تا ظهر پس چون وقت نماز ظهر میشود
وبرمیخیزند ووضو میسازند ونماز میکنند برات دویم را از حق سبحانه وتعالی میکیرد ودران نوشته است که منم
خداوند قادر ای بندکان من وای کنیزان من کناهان شما را مبدل ساختم بحسنات وسیات شما را آمرزیدم
وچون از شما راضی شدم درآوردم شما را بدار الجلال از طبقات بهشت وچون وقت عصر میشود وبرمیخیزند
ووضو میسازند ونماز میکنند از الله تعالی برات سیم را میکیرد ودران نوشته است که منم خداوند جلیل که بزرکوار
است ذکر من وعظیم است پادشاهی من ای بندکان من وای کنیزان من بدنهای شما را بر آتش دوزخ حرام
کردانیدم وشما را درآوردم درجاهایی که ابرار ونیکوکاران درانجای باشند وشریران را از شما دور کردانیدم
وچون شام میشود وبرمیخیزند ونماز میکنند برات چهارم را ازجهت ایشان میکیرد ودران نوشته است که
منم خداوند جبار بزرکوار بلند مرتبه ای بندکان من وای کنیزان من فرشتکان من از پیش شما آمدند واز شما خوشنود شدند
برمن لازمست که شما را خشنود کردانم وبدهم بشما هرچه آرزوی آن دارید وچون وقت خفتن می شود وبرمیخیزند
ووضو میسازند ونماز میکنند برات پنجم را ازجهت ایشان از الله تعالی میکیرد ودران نوشته است که منم خداوندی
که بجز من خداوندی نیست وپروردکاری بجز من نیست ای بندکان من وای کنیزان من درخانهای خود وضو ساختید

وبخانهای

وبخانهای من آمدید وبیاد من بودید وحق مرا دانستید ونمازهای واجب را ادا کردید کواه میکیرم
شما را ای سنحابیل وباقی فرشتکان من که من از ایشان خشنود شدم پس سنحابیل سه صد امید هد هر شب
بعد از نماز خفتن که ای فرشتکان الهی ببدستی که حق سبحانه وتعالی آمرزید نماز کذارندکان موحد را پس نمی ماند کناهان ح
ملکی در هفت آسمان مکر انکه استغفار میکنند ازجهت نماز کذارندکان ودعا میکنند ازجهت ایشان که حق
سبحانه وتعالی توفیق دهد ایشانرا بر مداومت بر نمازها پس کسی که توفیق یابد که بنماز شب برخیزد از مرد و
زن خالصاً لله ووضو بسازد وضوی کامل ونماز کند ازجهت رضای الهی بنیت صادق ودل سلیم وبدن با
خشوع وچشم کریان حق سبحانه وتعالی در عقب او نه صف از ملایک باز میدارد که عدد هر صفی را نداند بغیر از
حق سبحانه وتعالی که یک طرف آن در مشرق باشد ویکی در مغرب وچون از نماز فارغ شود بعدد این فرشتکان
درجات اورا بلند کرداند وچون ظاهر شد که نماز جماعت بود درینجا مذکور شد واکر اعم باشد ثوابش مضاعف
خواهد بود باضعاف بسیار چنانکه شهید ثانی رحمه الله ذکر کرده است که نماز جماعت برابر است با بیست وپنج
نماز واکر خلف عالم باشد برابر است با هزار نماز چون بنصوص وارد شده است ودر حدیثی کالصحیح وارد شده
است که نماز جماعت بهتر است از نماز در مسجد کوفه منفردا با انکه نماز در مسجد کوفه برابر هزار نماز است واین
حدیث را حمل کرده اند بر صلوة خلف عالم واین مضاعفه در صورتیست که یک ماموم باشد پس اکر بیشتر باشد
مضاعف میشود مضروبا فی الاخر چنانکه در شرح ارشاد نقل کرده است حدیثی بر مضاعفه مضروب واین در
صورتیست که نماز در خانه باشد پس اکر در مسجد جامع باشد خلف عالم یک نماز صد هزار نماز است با وحدت
ماموم وچون ماموم دو شود صد هزار صد هزار است وعلی هذا القیاس تا ده ماموم وبعد از ده دیکر عدد مضاعفه
را نمیداند کسی بغیر از حق سبحانه وتعالی اکرچه تا ده عدد را اکثر محاسبان عالم نیز عاجزاند وقال رسول الله
صلی الله علیه وآله امام القوم وافدهم فقدموا افضلکم واز انحضرت منقولست که فرمودند که پیشنماز
جمعی بمنزله شخصی است که ازجانب قبیله بنزد پادشاه وغیر او رود وازجانب ایشان سخن کوید وهیچ شک نیست
که بهترین آن قبیله را میفرستند بحسب علم وعقل وسایر فضایل همچنین امام نائب ماموبین است در مناجات
با حق سبحانه وتعالی لهذا بلفظ جمع میکوید که ایاک نعبد الخ باانکه مقام شکستکی مقتضی افراد است چون بنیابت

ماموین سخن میگوید بلفظ جمع سخن میکند پس می باید که امام افضل شما باشد بحسب تقوی وورع و
علم وفضایل وداند که چه میگوید واقلا می باید که معنی قرائت را فهمد ودعاها را فهمد که بلفظ جمع بکوید ونماز را
باحضور قلب بکند وچنان باشد که نمازهای ماموین ببرکت نماز او مقبول شود چنانکه خواهد آمد درباب
حقوق که می باید حق امام را بدانی زیرا که او بکردن خود کرفته است که ازجانب ماموین مناجات کند باحق سبحانه
وتعالی وازجهت ایشان دعا کند وکفایت کرده است ماموین هول وخوف ایستادن نزد حق سبحانه وتعالی را
درمناجات باحق تعالی شانه وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اِنْ سَرَّكُمْ اَنْ تُزَكُّوا صَلٰوتَكُمْ فَقَدِّمُوا خِيَارَكُمْ وصدوق
ازعبدالله بن سنان روایت کرده است وسند صحیح باو دارد ازحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله فرمودند که اکر خوش آید شمارا وخواهید کنماز خود را نیکو کنید بنا
برتشدید یاخواهید کنماز شما نیکو شود پس مقدم دارید کسانی را که ازهمه شما افضل باشند یا مقدم دارید
خوبان خودرا چون خیار جمع خیر بمعنی اَخْیَر آمده است وجمع خَیْر آمده است وَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ مَنْ صَلّٰى بِقَوْمٍ وَفِيهِمْ مَنْ هُوَ اَعْلَمُ مِنْهُ لَمْ يَزَلْ اَمْرُهُمْ اِلٰى سَفَالٍ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ ومرویست در تقوی از
انحضرت صلی الله علیه وآله که فرمودند که هرکه امامت جمعی کند ودرمیان ایشان کسی باشد که ازو اعلم باشد همیشه
دین ایشان درپستی است تا روز قیامت چنانکه سنیان با اعتراف ایشان باعلمیت حضرت امیرالمؤمنین صلی الله علیه
وآله دیکران را با الجهلیت مقدم داشتند بنابرینست که روز بروز درپستی اند وحق سبحانه وتعالی دیده بصیرت
ایشانرا چنان کور کرده است کاستدلال کرده اند برخلافت ابوبکر بانکه حضرت رسول الله ص اورا امامت جماعت
داد پس خلافت انحضرت که نیابت حضرت سید المرسلین است ع وریاست دین ودنیاست تواند کرد باانکه
درامامت نماز همه ایشان قایلند که اقتدا بهر بر وفاجری میتوان کرد بالاانکه از کتب ایشان اظهر من الشمس ظاهر است
که حضرت ع بیهوش بودند وعایشه پدرش را کفت برو ونماز کن چون حضرت بهوش آمدند فرمودند که بلال چه شد
عرض نمودند که چنین کردند حضرت باآن کوفت یک دست بدوش حضرت امیرالمؤمنین ع انداختند ودست
دیکر بدوش فضل بن عباس وپیش رفته ابوبکر را پست کردند وخود امامت فرمودند تا شبهه نشود برعوام وبخاری
همین حکایت را بانحاء مختلفه کثیره روایت کرده است زیاده ازبیست موضع چون کذاب حافظه ندارد درنفاق

بنا بر تخفیف

عایشه

عایشه نیز ظاهر میشود بابلغ وجوه هرکه خواهد رجوع کند ازروی علم وانصاف وببیند وَقَالَ اَبُوذَرٍّ
رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ اِنَّ اِمَامَكَ شَفِيعُكَ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا تَجْعَلْ شَفِيعَكَ سَفِيهًا وَلَا فَاسِقًا وکالصحیح منقولست از
ابوذر که خدا ازو راضی باد بدرستی که امام تو شفاعت کننده تست بجناب اقدس الهی پس مکردان شفیع خود را
جاهل ونه فاسق چون جاهل نمیداند که چکوید وفاسق حرمتی ندارد که شفاعت اورا قبول کنند وظاهر آنست که
ابوذر امثال این سخن را ازپیش خود نمیکوید بلکه عبارت حضرتست ولهذا مانند حدیث ازو نقل کرده اند واز
امثال این اخبار استدلال کرده اند برانکه عدالت درامام جماعت شرطست وجزم بوجوب ازین اخبار مشکلست
واخبار بعد ازین خواهد آمد که دلالتش اوضح است وَرَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ كَثِيرٍ عَنْ اَبِي عَبْدِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ
عَلَيْهِ اَنَّهُ سَاَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْقِرَاءَةِ خَلْفَ الْاِمَامِ فَقَالَ لَا اِنَّ الْاِمَامَ ضَامِنٌ لِلْقِرَاءَةِ وَلَيْسَ يَضْمَنُ الْاِمَامُ
صَلٰوةَ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَلْفِهِ اِنَّمَا يَضْمَنُ الْقِرَاءَةَ ومرویست ازحسین بن کثیر وشیخ ازابن بشیر روایت کرده
است وهردو مجهولند ازحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که شخصی از انحضرت پرسید که درعقب امام
قرائت میتوان کرد یا لازمست حضرت فرمودند که نه بدرستی که امام ضامن قرائت تست وامام ضامن نیست که نماز
ماموین صحیح باشد یا نماز او صحیح باشد تا نماز ماموین صحیح باشد امام ضامن نیست مکر قرائت را یعنی ماموم
قرائت نمیکند وقرائت امام بجای قرائت اوست وبعد ازین اخبار خواهد آمد وغرض ازذکر این حدیث دراینجا
اینست که فایده امامت صحیح اینست که قرائت امام از ماموین کافی باشد پس اکر امام فاسق باشد کافی نیست و
می باید که خود قرائت کند وخود اذان واقامه بکوید وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ اَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ اَنَّهُ
قَالَ خَمْسَةٌ لَا يَؤُمُّونَ النَّاسَ وَلَا يُصَلُّونَ بِهِمْ صَلٰوةً فَرِيضَةً فِي جَمَاعَةٍ الْاَبْرَصُ وَالْمَجْنُونُ وَ
الْاَعْرَابِيُّ حَتّٰى يُهَاجِرَ وَوَلَدُ الزِّنَا وَالْمَحْدُودُ وکالصحیح منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
فرمودند که پنج کسند که امامت مردمان نمیتوانند کرد وپیش نمازی ایشان نمیکنند درنماز واجب بجماعت پیس
ودیوانه یا کسی که خوره داشته باشد واعرابی که ساکن بادیه است تا مهاجرت نکند بشهر یا بخدمت حضرت سید
المرسلین صلی الله علیه وآله بنا برانکه بعد ازفتح مکه هجرت ساقط شده باشد وولدی که اززنا بهم رسیده باشد وکسی
راکه حد زده باشند ودرصحیح ازابن مسکان ازابوبصیر منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

سفیها

لازم نیست که دروواقع ع

المجذوم

فرمودند که پنج کسند که در هیچ حالی امامت مردمان نمیکنند مجذوم و پیس و دیوانه و ولد الزنا و اعرابی وَقَالَ
اَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ لَا یُصَلِّیَنَّ اَحَدُکُمْ خَلْفَ الْاَجْذَمِ وَالْاَبْرَصِ وَالْمَجْنُونِ وَالْمَحْدُودِ وَ
وَلَدِ الزِّنَا وَالْاَعْرَابِیُّ لَا یَؤُمُّ الْمُهَاجِرَ کلینی در حسن کالصحیح از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه روایت کرده است که فرمودند که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمودند که البته نماز نکند هیچ کس
از شما شیعیان در عقب مجذوم و صاحب برص و دیوانه و کسی را که حد زده باشند اگرچه توبه کرده باشد و ولد
الزنا که معلوم باشد که از زناست و این پنج کس مطلقا امامت نمیکنند و اعرابی امامت مهاجر نمیکند چون مهاجر
افضل است از و امامت اعرابی می تواند کرد و کالصحیح منقولست از حضرت امام موسی کاظم ع که امامت نکند کسی
که در روی او اثرها باشد یعنی از پیسی و در روایت کالصحیح از عبدالله بن یزید منقولست که از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه سؤال کردم از مجذوم و ابرص که آیا امامت مسلمانان می توانند کرد حضرت فرمودند که بلی
گفتم که آیا حق سبحانه و تعالی مؤمن را باین بلاها مبتلا میکند فرمودند که آیا بلاها نوشته شده است مگر بر مؤمن — ابتلای مؤمنان
یعنی همیشه مؤمنان محل بلاها اند تا صبر کنند و راضی باشند و ثواب غیر متناهی بیابند و از جهت جمع حمل
کرده اند اخبار سابقه را بر کراهت یا در صورتی که غیر مبتلا بوده باشد و شکی نیست که در عقب دیوانه نماز
جایز نیست و در خصوص ولد الزنا احادیث متواتره وارد است بر عدم جواز در بصایر الدرجات وغیره و احوط
آنست که در عقب محدود نماز نکنند هرچند توبه کرده باشد و همچنین در عقب اجذم و ابرص مگر آنکه پیسی پنهان
باشد چون حدیث رود لالت بر ظهور دارد و حمل مطلق بر مقید می توان کرد و اخبار بسیار وارد شده است که
از مجذوم بگریزید چنانکه از شیر میگریزید بنا بر آنکه جذام مسریست و صدوق ذکر نکرده است جواز امامت
عبد را و مناسب بود ذکر آن از انجمله در دو حدیث صحیح از محمد بن مسلم منقولست از احدهما و از حضرت امام — واحادیث جواز بسیار است
جعفر صادق صلوات الله علیهما که از ایشان پرسیدند که بنده امامت جماعت میتواند کرد هرگاه ماموماﻥ باو
راضی باشند و بیشتر از ایشان قرآن داند فرمودند که باکی نیست و در حسن کالصحیح از زراره منقولست که گفت
عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که نماز در عقب بنده چونست فرمودند که باکی نیست هرگاه فقیه باشد
و کسی افقه و اعلم از و نباشد و در موثق از سماعه منقولست که از آنحضرت سؤال کردم که بنده امامت میتواند کرد فرمودند

که نه مگر آنکه افقه از ایشان و اعلم از ایشان باشد و سکونی از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت
کرده است که بنده امامت نمیکند مگر اهل خود را وَقَالَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ الْاَغْلَفُ لَا یَؤُمُّ الْقَوْمَ وَاِنْ کَانَ
اَقْرَاَهُمْ لِلْقُرْآنِ لِاَنَّهُ ضَیَّعَ مِنَ السُّنَّةِ اَعْظَمَهَا وَلَا تُقْبَلُ لَهُ شَهَادَةٌ وَلَا یُصَلَّی عَلَیْهِ اِلَّا اَنْ یَکُونَ تَرَکَ
ذٰلِکَ خَوْفًا عَلٰی نَفْسِهِ و در موثق از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که آنحضرت فرمودند
که ختنه ناکرده امامت مردم نمیتواند کرد هرچند اقرا باشد با آنکه اقرا مقدم است زیرا که اعظم سنتهای حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله را ضایع کرده است و گواهی او مقبول نیست از این جهت چون اصرار بر صغیره کبیره است
و اگر بمیرد نماز بر او نمیکنند یعنی مبالغه نیست در نماز کردن بر او مثال صلحا را تا سبب تنبیه دیگران شود اگر کسی — وقایع ختنه ناکرده
باشد که نماز بر او کنند و الا واجبست چنانکه گذشت مگر آنکه ترک ختنه از جهت آن باشد که کسی بهم نرسد که
او را ختنه کند و ترسد که اگر خود ختنه خود کند هلاک شود پس ظاهر شد که عدالت شرطست و کبایر مضر است
در امامت و اصرار بر کبیره صغیره است چنانکه در احادیث بسیار وارد شده است و خواهد آمد ان شاء الله تعالی
و بعضی گفته اند که ختنه شرطست در مطلق نماز و ظاهرا سهو کرده اند وَقَالَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ لَا یَؤُمُّ صَاحِبُ الْقَیْدِ
الْمُطْلَقِینَ وَلَا یَؤُمُّ صَاحِبُ الْفَالِجِ الْاَصِحَّاءَ و بروایت سکونی از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که فرمودند که امامت نمیکند کسی که او را بزنجیر وغیره مقید ساخته باشند جمعی را که مقید نباشند و امامت نمیکند کسی
که فالج داشته باشد جمعی را که صحیح باشند و حمل کرده اند بر آنکه قید و فالج سبب این باشد که بعضی از افعال
صلوة را صحیح بجا نیاورد بآنکه نشسته نماز کند یا ایما کند در رکوع و سجود و در قوی از حضرت امیر المؤمنین صلوات — یعنی رهایانی را اگر در بند نباشند صح
الله علیه نیز منقولست که فرمودند که صاحب قید مطلقان را امامت نمیکند وَقَالَ الْبَاقِرُ وَالصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللهِ
عَلَیْهِمَا لَا بَأْسَ اَنْ یَؤُمَّ الْاَعْمٰی اِذَا رَضُوا بِهِ وَکَانَ اَکْثَرَهُمْ قِرَاءَةً وَاَفْقَهَهُمْ وَقَالَ اَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ
عَلَیْهِ اِنَّمَا الْاَعْمٰی اَعْمَی الْقَلْبِ فَاِنَّهَا لَا تَعْمَی الْاَبْصَارُ وَلٰکِنْ تَعْمَی الْقُلُوبُ الَّتِی فِی الصُّدُورِ و حضرت امام
محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما فرمودند که باکی نیست که اعمی امامت کند هرگاه ماموماﻥ
باو راضی شوند چون رضای ماموماﻥ در کار است بنا بر اخبار بسیار و بیشتر از دیگران قرآن داند و عالم تر باشد
از ایشان و حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که نیست کور مگر کسی که دلش کور باشد و در بعضی از نسخ

انما العمی عمی القلب یعنی نیست کوری مگر کوری دل چنانکه حق سبحانه وتعالی فرموده است که چشم ظاهر کنار
کور نیست ولیکن کور است دلهایی که در سینهها است یعنی نفس مجردی که تعلق دارد باین شکل صنوبری وظاهر این
حدیث فی نفسه منقولست وصدوق بمناسبت دینجا ذکر کرده است وممکنست که جزو همین خبر باشد ود
حدیث حسن کالصحیح از زراره منقولست که عرض نمودم بخدمت حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که من در عقب
کور نماز میتوانم کرد حضرت فرمودند که بلی هرگاه ازیشان افضل باشد وکسی باشد که او را رو بقبله بدارد ویا
از نجاسات اجتناب فرماید ودر صحیح از حلبی منقولست از صادق صلوات الله علیه که فرمودند که باکی نیست که اعمی
امامت کند واگرچه ماموموان او را بقبله دارند ودر حسن کالصحیح از حلبی منقولست از انحضرت ع در اعمی که امامت
جمعی کرده باشد بر خلاف قبله حضرت فرمودند که اعمی نماز را اعاده میکنند وماموموان اعاده نمیکنند زیرا که
ایشان اجتهاد خود را کرده اند یعنی اعمی تقصیر کرده است وقال الصادق صلوات الله علیه ثلثة لا یصلی خلفهم
المجهول والغالی وان کان یقول بقولك والمجاهر بالفسق وان کان مقتصدا وبسند صحیح منقولست از خلف
از مروی از انحضرت صلوات الله علیه که فرمودند که سه کسند که در عقب ایشان نماز نمیتوان کردن کسی که مجهول الحال
باشد در تشیع وتسنن یا در عدالت وفسق چنانکه اکثر اصحاب گفته اند وکسی که غلو کند در نبی وائمه صلوات الله
علیهم که نبی یا ائمه را خدا دانند یا ائمه را رسول دانند یا مثل نبی دانند ونبی را افضل ازیشان ندانند مجملا زیاده از
رتبه ایشان اعتقاد بایشان یا بیکی ازیشان داشته باشد هرچند بحسب ظاهر اظهار تشیع کند وامامی مذهب
باشد وکسی که فسق او ظاهر باشد واگرچه اثنی عشری باشد واگر در واقع فاسق باشد وبحسب ظاهر عادل باشد
نماز صحیح است از ماموین ودر نماز او دغدغه میشود وظاهر اینماز او صحیح باشد وقال علی بن محمد ومحمد بن علی
صلوات الله علیهما من قال بالجسم فلا تعطوه شیئا من الزکوة ولا تصلوا خلفه ومنقولست در قوی از حضرت
امام علی نقی وحضرت امام محمد تقی صلوات الله علیهما که فرمودند که هر که اعتقاد بجسمیت حق سبحانه وتعالی داشته
باشد وجسم آنست که طول وعرض وعمق داشته باشد خواه جسم نورانی داند وخواه ظلمانی مثل بلور ریسمان
زکوة مدهید هیچ چیز ودر عقب او نماز مکنید زیرا که کافر است ومسلمان نیست وبی دغدغه مؤمن نیست وایمان
شرطست بی دغدغه چنانکه خواهد آمد وکتب ابو عبد الله البرقی الی ابی جعفر الثانی صلوات الله علیه الجوز

جعلت فداك الصلوة خلف من وقف علی ابیك وجدك صلوات الله علیهما فاجاب لا تصل وراءه
ودر صحیح منقولست از محمد که عریضه نوشتم بخدمت حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه که فدای تو گردم آیا
جایز است نماز کردن در عقب کسی که اعتقاد بامامت ائمه داشته باشد تا بحضرت امام رضا یا امام موسی
صلوات الله علیهما محتملست که مراد حضرت امام موسی وامام جعفر صلوات الله علیهما باشد چون منقول نیست
که کسی حضرت امام رضا را امام داند وباقی ائمه معصومین صلوات الله علیهم را امام نداند حضرت در جواب
نوشتند که نماز مکن یا نماز نمیتوان کرد در عقب او چون کافر است یا مسلم وایمان شرطست باجماع وروایات صحیحه
که خواهد آمد وسال عمر بن یزید ابا عبد الله صلوات الله علیه عن امام لا باس به فی جمیع اموره عارف غیر انه یسمع
ابویه الکلام الغلیظ الذی یغیظهما اقرا خلفه ما لم یکن عاقا قاطعا ودر صحیح وصحیح وکالصحیح منقولست از عمر که گفت
سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از امامی که باکی باو نیست وعیبی از عیوب شرعیه ندارد وگناهان
نمیکند نه صغیره ونه کبیره الا آنکه با پدر ومادر درشت سخن میکند که ایشان را بخشم در می آورد اگر مضطر شوم در اقتدای
باو آیا قرائت بکنم بانکه صورت اقتدا را واقع سازم وخود قرائت کنم حضرت فرمودند که نه قرائت مکن در عقب او واقتدا باو
بکن مادام که عاق پدر ومادر نباشد وازیشان قطع نکرده باشد ظاهر میشود که صغایر ضرر نداشته باشد وحمل
کرده اند بر ندرت آن یا آنکه چون کسی است که صالح است ظاهر احوال او آنست که بالطبع درشتست واز درشتی نادم
میشود وصغیره نیست بلکه کبیره نیز نیست با استغفار ولیکن اگر قاطع باشد هرچند استغفار کند نماز نمیتوان کرد
تا ملکه هم رسد او را چنانکه مشهور است بین الاصحاب وصحیحه منصور بن حازم دلالت ظاهری دارد بر آنکه ملکه می باید
ولیکن آن در عدالت شهادتست نه عدالت امامت وممکنست که چون ظاهرش غالبا در حقوق الناس است در آنجا احتیاط
ضرور باشد ودر عدالت امامت همین کافی باشد که اصرار بر فسق نداشته باشد وروی محمد بن علی الحلبی عنه انه
قال لا تصل خلف من یشهد علیك بالکفر ولا خلف من شهدت علیه بالکفر وروایت کرده است محمد در صحیح
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که نماز مکن در عقب کسی که شهادت دهد بکفر تو ونه در عقب کسی که
تو شهادت دهی بکفر او یعنی در اصول دین با تو مخالف باشد ودلالت میکند بر اشتراط ایمان وروی سعد بن اسمعیل بن
اسمعیل عن ابیه عن الرضا صلوات الله علیه انه قال سالته عن الرجل یقارف الذنب یصلی خلفه ام لا قال لا

قال لا تقرأ خلفه صح

وروایت کرده است شیخ در صحیح از سعد از پدرش وهردو مجهول الحالند ولیکن ظاهر میشود که صدوق از کتاب او روایت کرده باشد وکتابش معتمد اصحاب باشد بلکه صحیح باشد که گفت سؤال کردم از حضرت امام رضا صلوات الله علیه از شخصی که گناهان کند آیا در عقب او نماز میتوان کرد یا نه حضرت فرمودند که نه وظاهرش آنست که فسق مضر است پس علم شرعی می باید بزوال آن وآن وقتی حاصل میشود که ظاهر شود عدالت او وَرُوِیَ عَنْ اِسْمٰعِیلَ بْنِ مُسْلِمٍ اَنَّهُ سَئَلَ الصَّادِقَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ عَنِ الصَّلٰوةِ خَلْفَ رَجُلٍ یُکَذِّبُ بِقَدَرِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لِیُعِدْ کُلَّ صَلٰوةٍ صَلّٰاهَا خَلْفَهُ ودر موثق کالصحیح از سکونی منقولست که از آنحضرت صلوات الله علیه سؤال کردند از نماز کردن در عقب کسی که باور نداشته باشد قضا وقدر حق سبحانه وتعالی حضرت فرمودند که اعاده کند هر نمازی را که در عقب او کرده است یعنی هرگاه دانند که او از مفوضه است واعتقادش اینست که قضا وقدر بمعنی علم است وبنده مختار است چنانکه رای معتزله است وهمچنین است کسی که قایل بجبر باشد چنانکه کالصحیح از حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که هرکه قایل باشد بجبر اورا زکوة مدهید وگواهی اورا قبول مکنید واحادیث در کفر جبریه وقدریه زیاده از حد حصر است بلکه می باید که بنده اعتقاد بقضا وقدر داشته باشد وبانکه مجبور نیست وفعل از بنده است وتوفیق از حق سبحانه وتعالی است وبی توفیق الهی فعل متمشی نمیشود وَقَالَ اِسْمٰعِیلُ الْجُعْفِیُّ لِاَبِیْ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ رَجُلٌ یُحِبُّ اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَلَا یَتَبَرَّأُ مِنْ عَدُوِّهِ وَیَقُوْلُ هُوَ اَحَبُّ اِلَیَّ مِمَّنْ خَالَفَهُ قَالَ هٰذَا مُخَلِّطٌ وَهُوَ عَدُوٌّ فَلَا تُصَلِّ وَرَاءَهُ وَلَا کَرَامَةَ اِلَّا اَنْ تَتَّقِیَهُ ودر صحیح منقولست از اسمعیل بن جابر که گفت عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که شخصی هست که دوست میدارد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را وبیزار نیست از دشمنان آنحضرت که خلافت را از حضرت غصب نمودند مثل ابوبکر وعمر وعثمان واتباع ایشان لعنهم الله ومیگوید که علی محبوبتر است نزد من از کسانی که مخالفت آنحضرت کرده اند حال وی چونست حضرت فرمودند که این دشمن حضرت است در عقب او نماز مکن واورا کرامتی نیست که سبب نجات او باشد یا اورا دوست باید داشت مگر آنکه از روی تقیه در عقب او نماز کنی بنحوی که خواهد آمد وبحسب ظاهر با او دوستی کنی وبحسب باطن با او دشمن باشی واین جمع را تفضیلیه میگویند واحادیث متواتره وارد شده است که تبرا از ایشان از اصول دین است پس چنین شخصی کافر است ومسلم ظاهری که حکمش حکم منافق است ودر حسن کالصحیح از زراره مرویست که گفت عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که جمعی روایت کرده اند

ازحضرت

ازحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که آنحضرت بعد از نماز جمعه چهار رکعت نماز کردند وسلام ندادند در دو رکعت این چه نماز است حضرت فرمودند که حضرت امیر المؤمنین ع در عقب فاسقی نماز کردند وچون آن فاسق سلام داد واز نماز فارغ شد حضرت چهار رکعت ظهر را کردند پس شخصی پهلوی آنحضرت ع بود گفت یا ابا الحسن چهار رکعت نماز گذاردید ودرمیان او سلام ندادید که نافله باشد این چه نماز بود حضرت فرمودند که این چهار رکعت مشتبهات است یعنی ازینجهت کردم که مردم بشبهه افتند وبدانند که امام سزاوار امامت نیست حضرت فرمودند که والله که آنشخص نفهمید که حضرت چه فرمودند ومنقولست که امام ابوبکر بود وسائل عمر وگاهی بنحو دیگر میکردند چون در نمازهای غیر جمعه نماز میتوانکرد از جهت خود ودر نماز جمعه دو رکعت است حضرت که از جهت خود قرائت نماز میکردند وچون امام کافر سلام میداد حضرت برمیخواستند ودو رکعت دیگر میکردند که مجموع نماز ظهر باشد وبهمین عنوان از حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه نیز منقولست والحال سنیان عمل ایشان باین عنوانست واین دو رکعت را دو رکعت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه می نامند وآنحضرت کاری از جهت شیعیان فرمودند که چون از روی تقیه با سنیان نماز کنند بهر دو عنوان توانند کرد ودر صحیح بخاری نیز مذکور است وَقَالَ اَبِیْ رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ فِیْ رِسَالَتِهِ اِلَیَّ لَا تُصَلِّ خَلْفَ اَحَدٍ اِلَّا خَلْفَ رَجُلَیْنِ اَحَدُهُمَا مَنْ تَثِقُ بِدِیْنِهِ وَوَرَعِهِ وَآخَرُ تَتَّقِیْ سَیْفَهُ وَسَطْوَتَهُ وَشَنَاعَتَهُ عَلَی الدِّیْنِ فَصَلِّ خَلْفَهُ عَلٰی سَبِیْلِ التَّقِیَّةِ وَالْمُدَارَاةِ وَاَذِّنْ لِنَفْسِکَ وَاَقِمْ وَاقْرَأْ لَهَا غَیْرَ مُؤْتَمٍّ بِهِ فَاِنْ فَرَغْتَ مِنْ قِرَاءَةِ السُّوْرَةِ قَبْلَهُ فَاَبْقِ مِنْهَا آیَةً وَمَجِّدِ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فَاِذَا رَکَعَ الْاِمَامُ فَاقْرَاِ الْآیَةَ وَارْکَعْ بِهَا فَاِنْ لَمْ تَلْحَقِ الْقِرَاءَةَ وَخَشِیْتَ اَنْ یَرْکَعَ فَقُلْ مَا حَذَفَهُ الْاِمَامُ مِنَ الْاَذَانِ وَالْاِقَامَةِ وَارْکَعْ وَاِنْ کُنْتَ فِیْ صَلٰوةٍ نَافِلَةٍ وَاُقِیْمَتِ الصَّلٰوةُ فَاقْطَعْهَا وَصَلِّ الْفَرِیْضَةَ وَاِنْ کُنْتَ فِی الْفَرِیْضَةِ فَلَا تَقْطَعْهَا وَاجْعَلْهَا نَافِلَةً وَسَلِّمْ فِی الرَّکْعَتَیْنِ ثُمَّ صَلِّ مَعَ الْاِمَامِ اِلَّا اَنْ یَکُوْنَ الْاِمَامُ مِمَّنْ یُتَّقٰی فَلَا تَقْطَعْ صَلٰوتَکَ وَلَا تَجْعَلْهَا نَافِلَةً وَلٰکِنِ اخْطُ اِلَی الصَّفِّ وَصَلِّ مَعَهُ وَاِذَا قَامَ الْاِمَامُ اِلٰی رَابِعَتِهِ فَقُمْ مَعَهُ وَتَشَهَّدْ مِنْ قِیَامٍ وَسَلِّمْ مِنْ قِیَامٍ وپدرم در رساله که بمن نوشته بود گفته بود وعبارت جمیعا عبارت فقه رضویست صلوات الله علی مؤلفها که نماز مکن در عقب کسی مگر در عقب دو کس یکی شخصی که اعتماد داشته باشی بدین او که اثنا عشری باشد واعتماد داشته باشی بورع وپرهیزکاری او که عادل باشد وعبارت فقه چنین است که وتدینه بدینه که عمل بدین خود

وچون اقتدای آنحضرت ظاهر بود تقیه در نمازهای دیگر که عدد رکعات موافق بود خود قرائت میفرمودند ودر نماز جمعه که موافق نیست گاهی چنین میکردند صح

خود کند در واجبات و مندوبات و بورع او در ترک محرمات و شبهات و دیگر کسی که ترسی از شمشیر او و
از تسلط و غضب او و عبارت فقه وَ سَوْطِهِ وَ شَرِّهِ وَ بَوَائِقِهِ و ظاهر اسطوته تصحیف نساخ است یعنی از تازیانه
او و از شر او و فسادهای او خایف باشی و از تشنیع او بر دین خود ترسان باشی که اگر شمشیر و تازیانه نباشد
اقلا تشنیع کند بر دین تو که گوید که فلانی مذهب ندارد یا شیعیان مذهب ندارند که نماز جماعت نمیکنند و
حفظ عرض نیز واجبست پس درین صورت نماز کن در عقب او بر سبیل تقیه و مدارا و از جهت خود اذان و اقامه
آهسته بگو و از جهت خود قرائت کن که اقتدا باو نکرده باشی و عبارت فقه لِأَنَّهُ غَيْرُ مُؤْتَمَنٍ بِهِ یعنی اعتماد بقرائت
او نمیتوان کرد چون قرائت غیر مؤمن مثل بسم الله کفاراست در دیده پس اگر از قرائت فارغ شوی پیش از امام کافر پس
یک آیه از آخر سوره باقی بگذار و تحمید الهی کن باذکار یا بگفتن لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ که غالبا
اطلاق تحمید برین ذکر میکنند و مناسبت دارد که از شر امام ایمن باشد پس چون امام فارغ شود آیه را که باقی گذاشته
بخوان و برکوع رو یا آن آیه یعنی رکوعت عقیب قرائت باشد نه تحمید پس و اگر وقتی رسیدی که اگر اذان و اقامه گویی
قراءتت فوت شود و ترسی که امام برکوع رود پیش از قراءت پس بگو آنچه را امام انداخته است از اذان و اقامت که
آن چهار حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ است و قراءت کن بعد از تکبیر و برکوع رو با او و هرچه از قراءت حمد بماند در حالت
رکوع آنرا بخوان و این زیادتی در فقه هست تا اینجا حکم نماز در عقب سنیان بود و باقی در عقب شیعه و اگر در نماز
نافله باشی و اقامه نماز گفته شود یا قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ گفته شود پس نماز نافله را قطع کن و نماز فریضه را با عادل
بگذار و اگر در نماز واجب باشی و اقامه گفته شود آنرا قطع مکن اگر نافله باشد و نقل بنافله مکن اگر فریضه باشد
و لیکن راه رو تا خود را بصف ایشان برسانی و با فاسق نماز کن پس چون برکعت چهارم برخیزد مثلا و نماز تو
تمام شده باشد تو نیز با او برخیز و تشهد و سلام را در حالت ایستادن بجا آور و اما اخباری که درین باب وارد
شده است پس در صحیح زراره منقولست که گفت سؤال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از نماز کردن در
عقب سنیان حضرت فرمودند که نیستند نزد ایشان نزد من الا بمنزله دیوارها چنانکه اقتدا بدیوار نمیتوان کردن
اقتدا بایشان نمیتوان کرد و در موثق کالصحیح از زراره منقولست که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه که با امام می باشم و از قرائت فارغ میشوم پیش از آنکه امام سنی از قرائت فارغ شود حضرت فرمودند که یک آیه را بگذار و

و نقل کن نیت را بنافله و دو رکعت
سبک بکن و سلام بده و خود را
با امام برسان پیش از رکوع مگر آنکه
امام سنی باشد و از و تقیه باید
کرد نماز را قطع مکن صح

تحمید

۲۰

تحمید الهی بکن و ثنا بر خدا فرست و چون فارغ شود آیه را بخوان و برکوع رو و در موثق کالصحیح از اسحق منقولست از
کسی که از آنحضرت صلوات الله علیه سؤال کرد که من نماز میکنم در عقب کسی که اقتدا بآن نمیتوان کرد پس اگر من از قرائت
فارغ شوم و او فارغ نشده باشد چکنم حضرت فرمودند که تسبیح بگو تا فارغ شود و کالصحیح منقولست از ابو علی که عرض
نمودم بخدمت حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه که شیعیان شما اختلاف بسیار در میان ایشان هست آیا در عقب
همه نماز میتوانم کرد حضرت فرمودند که نماز مگذار مگر در عقب کسی که اعتماد داشته باشی بدین او و امانت او یعنی عدالت
او و لفظ امانت در کافی نیست و در تهذیب هست با آنکه از کافی روایت کرده است و در موثق کالصحیح از حلبی از
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که عرض نمودم بآنحضرت که من با امام می باشم و فارغ میشوم پیش از آنکه
از قراءت فارغ شود حضرت فرمودند که سوره را تمام کن و تحمید و ثنا بفرست بر حق سبحانه و تعالی تا فارغ شود و احادیث
معتبره درین باب بسیار واقع شده است پس حمل میکنیم گذاشتن آیه را بر استحباب اگرچه ممکنست که این اخبار
را حمل کنیم بر اخبار سابقه مجازا جمعا و احادیث صحیحه وارد شده است که اگر ضرور شود نماز کردن در عقب عامه
واجبست که قرائت کند و صورت اقتدا را بجا آورد و اگرچه خودش نشنود و در بعضی از اخبار واقع شده است
که قرائت را گوش میدهد و نمیخواند و محمولست بر نخواندنی که بشنود یا بر آنکه اعتماد باین نماز نکند و در خانه نماز
کند سابقا یا لاحقا چنانکه اخبار صحیحه درین معنی وارد است یا حمل کنیم بر تخییر چنانکه اعتماد میکنیم بر غسل
رجلین در تقیه با آنکه حکم الله مسحست و احادیث صحیحه وارد شده است که در هر چیزی تقیه جایز است و مناسبست
خصوصا در نماز با ایشان اگرچه احوط عدم اعتماد است برین نماز و در چنین صورتی که خود قرائت کند اکتفا
بحمد میتوان کرد چنانکه اخبار بسیار وارد شده است ۳ درین معنی و بعضی از آنها گذشت و در صحیح از سلیمن بن خالد
منقولست که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که داخل مسجد شود و شروع بنماز
کند که ناگاه مؤذن اذان و اقامه بگوید حضرت فرمودند که نماز واجب را دو رکعت کند استحبابا و با امام نماز
را از سر گیرد و در موثق سماعه منقولست که گفت از آنحضرت سؤال کردم از شخصی که نماز کند و امام بیرون آید و
آن شخص یک رکعت نماز کرده باشد از نماز واجب حضرت فرمودند که اگر امام عادل باشد نقل کند نماز واجب را
بسنت و دو رکعت بکند و ملحق شود با امام و اگر عادل نباشد همان نماز را بکند و یک رکعت دیگر با او بکند و بنشیند

در رکعت دویم خودش آنمقدار که شهادتین کبیر وصلوات بفرستد ونماز را با او تمام بکند بهر عنوانی که
تواند زیرا که امر تقیه واسعست وهر قسم تقیه که کند شایست بر آن انشاء الله ومفصل این حکم در فقه رضوی
گذشت که از پدرش روایت کرد بعبارت وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ إِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَّى
بِأَصْحَابِهِ جَالِسًا فَلَمَّا فَرَغَ قَالَ لَا يَؤُمَّنَّ أَحَدُكُمْ بَعْدِي جَالِسًا ومنقولست از حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله نماز جماعت کردند بامامت اصحاب وحضرت نشسته بودند و
اصحاب ایستاده وچون از نماز فارغ شدند فرمودند که بعد از من دیگری نشسته امامت نکند ایستادگان را
که اگر ماموما نیز نشسته نماز کنند امامت ایشان میتواند کرد چنانکه خواهد آمد در برهنگان که نشسته
نماز میکنند وامام در میان ایشان می نشینند وظاهر این نماز آخری بود که انحضرت بجماعت بجا آوردند چون
شنیدند که ابوبکر را مقدم داشته اند بگفته عایشه حضرت دست بدوش حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیهما انداختند ودستی دیگر بدوش فضل بن عباس وبخاری نقل کرده است که دستی دیگر بدوش عباس انداختند
وآمدند وابوبکر را دور کردند ونماز کردند چنانکه گذشت وبعد از آن نماز بجماعت نکردند پس محتملست که
این حکم منسوخ شده باشد از بعد نوقت وممکنست که جواز آن از خصایص انحضرت باشد ونقل اجماع
کرده اند که جایز نیست امامت نشسته ایستادگان را وَقَالَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَعَ عَنْ فَرَسٍ فَشُجَّ شِقُّهُ الْأَيْمَنُ فَصَلَّى بِهِمْ جَالِسًا فِي غُرْفَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ ومنقولست از انحضرت
صلوات الله علیه که فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله از اسب افتادند وجانب راست سر آن
حضرت شکست یا جانب بدن چنانکه عامه روایت کرده اند ودر بعضی از نسخ فسحج بتقدیم حاء مهمله بعد از
سین مهمله وجیم بعد از حاء واقع شده است ودر بعضی فجحش بدل آن واقع است وهر دو باین معنی است که
زخمی شده بود که پوست شکافته شده بود وامامت صحابه کردند نشسته در بالاخانه ماریه مادر ابرهیم فرزند
انحضرت واین واقعه پیشتر بود وگذشت در مبحث مساجد وَسَأَلَهُ جَمِيلُ بْنُ صَالِحٍ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ يُصَلِّي الرَّجُلُ
لِنَفْسِهِ فِي أَوَّلِ الْوَقْتِ أَوْ يُؤَخِّرُ قَلِيلًا فَيُصَلِّي بِأَهْلِ مَسْجِدِهِ إِذَا كَانَ إِمَامَهُمْ قَالَ يُؤَخِّرُ وَيُصَلِّي بِأَهْلِ مَسْجِدِهِ
إِذَا كَانَ الْإِمَامَ ومنقولست از جمیل ثقه عظیم الشان وظاهر آنست که از کتاب او نقل کرده باشد چنانکه در اول کتاب

گفت

گفت اگرچه طریق خود را بکتاب او ذکر نکرده است که گفت از حضرت صادق صلوات الله علیه پرسیدم که
ازین دو صورت کدام یک افضل است انکه شخصی در خانه خود نماز کند در اول وقت یا اندکی تاخیر کند وامامت
اهل مسجدش کند بسبب انکه اکثر سنیان که تابع ابوحنیفه اند نماز را دیر میگذارند یا از جهت انتظار مامومین
تا ایشان جمع شوند بقرینه اندک تاخیر چون امام ایشان است وسنتست که انتظار مامومین اندکی بکشد
عملا ترجیح وقت کنم یا جماعت حضرت فرمودند که تاخیر میکند وبا اهل مسجد بامامت ایشان نماز میکند
هرگاه امام ایشان باشد لازمست رعایت ایشان کردن وممکنست که اهل مسجدش مخالفان باشند ونماز
با ایشان از روی تقیه کند پس رعایت آنها باید کرد وَسَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ إِنَّ لِي مَسْجِدًا عَلَى بَابِ دَارِي فَأَيُّهُمَا
أَفْضَلُ أُصَلِّي فِي مَنْزِلِي فَأُطِيلُ الصَّلَاةَ أَوْ أُصَلِّي بِهِمْ وَأُخَفِّفُ فَكَتَبَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ صَلِّ بِهِمْ وَأَحْسِنِ الصَّلَاةَ
وَلَا تُثْقِلْ ظاهر اتمه حدیث جمیل باشد ومحتملست که مرسل صدوق باشد که گفت از انحضرت صلوات الله علیه
سؤال کرد شخصی بعنوان فرستادن عریضه وعرض نمود که مرا مسجدی هست در در خانه ام کدام یک افضل است انکه
در منزل خود نماز کنم ونماز را طول دهم یا بمسجد روم وامامت کنم ونماز را سبک کنم چون در جماعت تخفیف
مطلوبست پس حضرت در جواب عریضه او نوشتند که امامت ایشان کن ونماز را سبک کن وخوب بکن نه
سبکی که عامه میکنند که نه رکوع دارد ونه سجود وسنگین مکن که سبب ملال مامومین شود چنانکه گذشت و
خواهد آمد که تخفیف مطلوبست مگر انکه ماموما جمعی باشند که تطویل را خواهند چنانکه منقولست در
موثق کالصحیح از حمزه وحسن که گفتند داخل شدیم بر حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه وجمعی نزد انحضرت
بودند پس حضرت نماز عصر را بامامت ایشان بجا آوردند وما نماز کرده بودیم پس شمردیم انحضرت در رکوع
سی وچهار یا سی وسه مرتبه گفتند سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ ویکی از ایشان وبحمده را ذکر کرد در رکوع و در سجود و
حدیث صحیح از ابان بن تغلب منقولست که گفت داخل شدم بر حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه وانحضرت
نماز میکردند پس شمردم که در رکوع وسجود شصت تسبیح گفتند واین محمولست بر منفرد یا مثل سابق
چنانکه منقولست در موثق از سماعه که گفت عرض نمودم با نحضرت که چگونه است حد رکوع وسجود حضرت
فرمودند که اما انچه مجزیست از رکوع سه تسبیح است که بگویی سُبْحَانَ اللهِ سُبْحَانَ اللهِ سُبْحَانَ اللهِ وکسی که قوت

داشته باشد که رکوع وسجود را طول دهد هرچه مقدورش باشد طول دهد که در تسبیح وتحمید وتمجید الهی باشد ودر دعا وتضرع باشد بدرستی که نزدیکترین احوال بنده بجناب اقدس الهی وقتی است که در سجود باشد واما پیشنمازی که امامت مردمان کند پس سزاوار نیست که نماز ایشان را طول دهد بدرستی که درمیان ایشان کس هست که ضعیف است یا کاری دارد وچون حضرت سید المرسلین امامت میفرمودند نماز را سبک میکردند وخواهد آمد نیز وَاِنَّ عَلِیًّا صلوات الله عَلَیْهِ قَالَ فِی رَجُلَیْنِ اخْتَلَفَا فَقَالَ اَحَدُهُمَا کُنْتُ اِمَامَکَ وَقَالَ الْآخَرُ کُنْتُ اِمَامَکَ قَالَ صَلٰوتُهُمَا تَامَّةٌ وَاِنْ قَالَ اَحَدُهُمَا کُنْتُ اَئْتَمُّ بِکَ وَقَالَ الْآخَرُ کُنْتُ اَئْتَمُّ بِکَ فَصَلٰوتُهُمَا فَاسِدَةٌ فَلْیَسْتَانِفَا بنابر نسخه فاجز وحدیث جمیل خواهد آمد بود علی الظاهر یا جز وخبر مرسل وبنا بر نسخه واو بر سر خود خواهد بود چنانکه کلینی وشیخ از سکونی روایت کرده اند باندک تغییر لفظی که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه دو کس باهم نماز کرده باشند ویکی ازین هر دو گوید که من امامت کردم ترا ودیگری گوید که من امام تو بودم حضرت فرمودند که نماز هر دو صحیح است چون هر دو بخیال امامت قرائت کرده اند بعنوان وجوب ونیت خلاق واقع ضرر ندارد بلکه هر دو بنیت امامت مثابند واگر یکی ازیشان گوید که من اقتدا بتو کردم ودیگری گوید که من اقتدا بتو کردم پس نماز هر دو فاسدست می باید که هر دو از سر گیرند نماز را چون قرائت نکرده اند واگر کرده باشند بقصد سنت کرده اند وبنا بر نسخه فا اگر جز وحدیث سابق باشد چند احتمال دارد یکی آنکه گویا حضرت میفرمایند که نماز بجماعت بکن که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه حکم بصحت وتمامیت نماز هر دو امام کرد بنا بر اختلافی که داشتند ودر واقع امام نبودند چون معقول نیست امامت بی مقتدی ودر حصول اقتدا شرطست نیت اقتدا کردن وهیچ یک نیت اقتدا نکرده بودند یا آنکه امامت چنان مطلوب بود که هر دو کس که جمع می شدند اراده امامت داشتند یا آنکه نیت امامت سبب صحت صلوة شد ونیت ماموميت سبب بطلان وهم بعیدست واظهر آنست که سهو از نساخ شده است وبجای واو فا بر قلم آمده است وَسَاَلَ جَمِیلُ بْنُ دَرَّاجٍ اَبَا عَبْدِ اللهِ صلوات الله عَلَیْهِ عَنْ اِمَامِ قَوْمٍ اَجْنَبَ وَلَیْسَ مَعَهُ مِنَ الْمَاءِ مَا یَکْفِیهِ لِلْغُسْلِ وَمَعَهُمْ مَا یَتَوَضَّوُنَ بِهِ یَتَوَضَّأُ بَعْضُهُمْ وَیَؤُمُّهُمْ قَالَ لَا وَلٰکِنْ یَتَیَمَّمُ الْاِمَامُ وَیَؤُمُّهُمْ اِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الْاَرْضَ طَهُورًا کَمَا جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وباسانید صحیحه وحسنه منقولست از جمیل که گفت سؤال کردم از حضرت

امام

۳۴

امام جعفر صادق صلوات الله علیه از امام جمعی که جنب باشد وآنمقدار آب نداشته باشد که بآن غسل تواند کرد ومأمومان آب وضو داشته باشند آیا بعضی ازیشان وضو میتواند ساخت که امامت ایشان کند حضرت فرمودند که نه ولیکن امام مقرری ایشان تیمم میکند وامامت ایشان میکند زیرا که حق سبحانه وتعالی زمین را مطهر گردانیده است چنانکه آب را مطهر گردانیده است واینمضمون در موثق کالصحیح ابو بصیر وموثق کالصحیح ابن بکیر وکالصحیح زید شحام نیز از آنحضرت صلوات الله علیه وارد شده است که متیمم امامت متوضئین نمیتواند کرد محمولست بر کراهت ودر غیر امام راتب چون در امام راتب با وجود دیگران حضرت اورا مقدم داشتند والله تعالی یعلم وَرُوِیَ عَنْهُ عُمَرُ بْنُ یَزِیدَ اَنَّهُ قَالَ مَا مِنْکُمْ اَحَدٌ یُصَلِّی صَلٰوةً فَرِیضَةً فِی وَقْتِهَا ثُمَّ یُصَلِّی مَعَهُمْ صَلٰوةً تَقِیَّةً وَهُوَ مُتَوَضِّئٌ اِلَّا کَتَبَ اللهُ لَهُ بِهَا خَمْسًا وَعِشْرِینَ دَرَجَةً فَارْغَبُوا فِی ذٰلِکَ ودر صحیح منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هریک از شما شیعیان که نماز واجب خود را در وقت خود بجا آورد وبعد از آن با سنیان از روی تقیه با وضو نماز کند البته حق سبحانه وتعالی از جهت او باین نماز بیست وپنج درجه بنویسد چنانکه با عادل می نویسد پس رغبت کنید درین ثواب بنماز کردن با ایشان یا در نماز کردن بسبب این ثواب ودر صحیح از نشیط منقولست که گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که هرگاه شخصی از ما شیعیان در بر روی خود به بندد ودر خانه خود نماز کند که هیچ کس مطلع نشود که او نماز کرده است وبعد از آن برود وباهمسایگان خود از سنیان نماز کند آیا نمازی که در خانه کرده است حق سبحانه وتعالی اورا بجماعت قبول میفرماید حضرت فرمودند که آن نمازی را که در خانه خود کرده است حق سبحانه وتعالی دو ثواب نماز جماعت با او کرامت میفرماید واورا بپنجاه درجه میدهد ونمازی را که با سنیان میکند ثواب نمازی دارد که در عقب حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله کرده باشد وچون داخل میشود بر ایشان گناهان خود را با ایشان میگذارد وحسنات ایشانرا با خود بیرون میبرد یعنی حسنات تقدیری که اگر آنها شیعه میبودند هر ثوابی که بر تقدیر تشیع داشته باشد حق سبحانه وتعالی کرامت میفرماید وَرُوِیَ عَنْهُ حَمَّادُ بْنُ عُثْمٰنَ اَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلّٰی مَعَهُمْ فِی الصَّفِّ الْاَوَّلِ کَانَ کَمَنْ صَلّٰی خَلْفَ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ فِی الصَّفِّ الْاَوَّلِ کَانَ کَمَنْ صَلّٰی وبسند صحیح از حماد ودر حسن کالصحیح از حلبی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که هر که با سنیان

واینخبر در موثق عباد وقوی سکونی از آنحضرت صلوات الله علیه وارد شده است

از جهت او

در صف اول ایشان نماز کند از روی تقیه که خود اذان واقامه بکوید وخود قرائت کند یا اعم هرکاه
تقیه شدید باشد چنان باشد که در عقب حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله نماز کرده باشد در صف
اول وَرَوَی عَنْهُ حَفْصُ بْنُ الْبَخْتَرِیِّ اَنَّهُ قَالَ یُحْسَبُ لَکَ اِذَا دَخَلْتَ مَعَهُمْ وَاِنْ کُنْتَ لَا تَقْتَدِی بِهِمْ
حُسِبَ لَکَ مِثْلُ مَا یُحْسَبُ لَکَ اِذَا کُنْتَ مَعَ مَنْ تُقْتَدِی بِهِ ودر صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه منقولست که فرمودند که هرکاه داخل شوی در نماز سنیان واکرچه با یشان اقتدا نمیکنی بمجرد داخل شدن با ایشان
از روی تقیه محسوب میشود از جهت تو مثل ثوابی که نماز کنی بجماعت باعادلی که اقتدا باو توان کرد و
رَوَی مَسْعَدَةُ بْنُ صَدَقَةَ اَنَّ قَائِلاً قَالَ لِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِمَا جُعِلْتُ فِدَاکَ اِنِّی اَمُرُّ بِقَوْمٍ
نَاصِبِیَّةٍ وَقَدْ اُقِیمَتْ لَهُمُ الصَّلٰوةُ وَاَنَا عَلَی غَیْرِ وُضُوءٍ فَاِنْ لَمْ اَدْخُلْ مَعَهُمْ فِی الصَّلٰوةِ قَالُوا مَا شَاؤُا اَنْ
یَقُولُوا اَفَاُصَلِّی مَعَهُمْ ثُمَّ اَتَوَضَّأُ اِذَا انْصَرَفْتُ وَاُصَلِّی فَقَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِمَا
سُبْحَانَ اللهِ اَفَمَا یَخَافُ مَنْ یُصَلِّی عَلَی غَیْرِ وُضُوءٍ اَنْ تَأْخُذَهُ الْاَرْضُ خَسْفًا وکالصحیح منقولست که شخصی
بخدمت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض نمود که فدای تو کردم میکذرم بجمعی ناصبی یعنی سنی یا کسانی که اظهار
عداوت اهل بیت میکنند واقامه نماز کفته اند ومن وضو ندارم پس اکر با ایشان داخل نشوم هرچه میخواهند
بمن میکویند آیا با ایشان نماز بی وضو بکنم وبعد از آن وضو بسازم ونماز خود را بجا آورم پس حضرت فرمودند
که سبحان الله یعنی منزه هست حق سبحانه وتعالی از آنکه از جهت او نماز بی وضو کنند ویا بکذرانند عقوبت این را
یا از محض تعجب فرموده باشند آیا نمیترسد کسی که بی وضو نماز کند که زمین اورا فروبرد وظاهرا قصد نماز کردن
بی وضو حرام باشد اما اکر تکبیر احرام نکوید وبا ایشان همراهی کند وپیشانی را بر ما یسجد علیه نکذارد قصور ندا شته
باشد چنانکه در صحیح از عبدالله بن مغیره منقولست از ناصح وجهالت او ضرر ندارد چون عبدالله از اهل اجماعست
که کفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که من در خانه خود نماز میکنم ومیروم وبا
سنیان نماز میکنم حضرت فرمودند که قصد نافله کن نمازی را که با ایشان میکنی ویا تکبیر احرام مکو که با ایشان در
نماز داخل شوی بدرستی که افتتاح نماز بتکبیر احرامست وکالصحیح منقولست از عبید که کفت با نحضرت صلوات
الله علیه عرض نمودم که داخل مسجد می شوم وبیشتر نماز کرده ام وبا ایشان نماز میکنم وحساب نماز نمیکنم آنرا حضرت

ولفظ حسب لک در کافی وتهذیب نیست وظاهرا از نساخ زیاد شده باشد چون یحسب اول کافیست حاصل انکه محسوب میشود م

فرمودند

فرمودند که باکی نیست اما من با ایشان نماز میکنم وچنان می نمایم که سجده میکنم وسجده نمیکنم وَرَوَی عَنْهُ
زَیْدٌ الشَّحَّامُ اَنَّهُ قَالَ یَا زَیْدُ خَالِقُوا النَّاسَ بِاَخْلَاقِهِمْ صَلُّوا فِی مَسَاجِدِهِمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَاشْهَدُوا
جَنَائِزَهُمْ وَاِنِ اسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَکُونُوا الْاَئِمَّةَ وَالْمُؤَذِّنِینَ فَافْعَلُوا فَاِنَّکُمْ اِذَا فَعَلْتُمْ ذٰلِکَ قَالُوا هٰؤُلَاءِ
الْجَعْفَرِیَّةُ فَعَلَ اللهُ بِجَعْفَرٍ مَا کَانَ اَسْوَءَ مَا یُؤَدِّبُ اَصْحَابَهُ وکالصحیح ودر صحیح از زید منقولست که حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه باو فرمودند که ای زید با سنیان یا اعم معاشرت کنید بطریق ایشان
در مساجد ایشان نماز کنید وبیماران ایشانرا عیادت کنید وبجنازه ایشان حاضر شوید واکر توانید چنان
کنید که پیشنماز ایشان باشید ویا مؤذن ایشان که هرکاه با ایشان چنین معاشرت میکنید میکویند که این
جماعت شیعیان جعفراند حق سبحانه وتعالی رحمت کند جعفر را چه نیکو تادیب میفرماید اصحاب خود را و
چون ترک میکنید این طریقه معاشرت خوب را با ایشان وترک اینها میکنید میکویند این جماعت اتباع جعفر اند
خدا او را جزا دهد چه بد تربیت میکند اصحاب خود را وامثال این اخبار بسیار وارد شده است در حسن معاشرت
ظاهری با ایشان اما می باید که در باطن با ایشان بد باشد ودوست نباشد چنانکه حق سبحانه وتعالی میفرماید
که لَا تَجِدُ الی یعنی ایمان بخدا وقیامت ندارند جمعی که دوستی میکنند با دشمنان خدا ورسول هرچند پدران ایشان
یا پسران ایشان یا خویشان ایشان باشند وَقَالَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ اُذِّنْ خَلْفَ مَنْ قَرَأْتَ خَلْفَهُ
در حسن کالصحیح منقولست از انحضرت صلوات الله علیه که فرمودند که اذان بکو در عقب کسی که قرائت میکنی در عقب او
یعنی اعتماد باذان ایشان نمیتوان کرد همچنانکه اعتماد بقراءت ایشان نمیتوان کرد ودلالت میکند بر آنکه شرطست
در مؤذن که مؤمن باشد واحادیث بسیار برین مضمون وارد شده است وبعضی کذشت وَقَالَ رَجُلٌ اُصَلِّی فِی
اَهْلِی ثُمَّ اَخْرُجُ اِلَی الْمَسْجِدِ فَیُقَدِّمُونِی فَقَالَ تَقَدَّمْ لَا عَلَیْکَ وَصَلِّ بِهِمْ ومنقولست که شخصی بحضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه عرض نمود که من در خانه خود نماز میکنم وبمسجد سنیان میروم یا اعم ومرا مقدم میدارند
حضرت فرمودند که باکی نیست پیش نمازی ایشان بکن اکر سنی باشند از روی تقیه اعاده مستحبست وبسا باشد
که واجب باشد واکر شیعه باشند اعاده مستحب موکد است ومنقولست در صحیح از یعقوب بن یقطین که عرض نمودم
بخدمت حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که فدای تو کردم بسیار است که در مسجد با مخالفان ووقت ظهر میشود

رَحِمَ اللهُ جَعْفَرًا مَا کَانَ اَحْسَنَ مَا یُؤَدِّبُ اَصْحَابَهُ وَاِذَا تَرَکْتُمْ ذٰلِکَ قَالُوا هٰؤُلَاءِ الْجَعْفَرِیَّةُ

بزیرو

وتا ایشان ظهر نمایند ما نمیتوانیم بزیر آییم از چهارپا ایشان نماز ظهر میکنند و ما نیز میکنیم و ایشان فی الحال
روانه میشوند ما بر میخیزیم و نماز عصر را میکنیم و چنین اظهار میکنیم که نافله میکنیم چون ایشان نماز عصر را دیر
میکنند پس از جهت نماز عصر بزیر می آیند و مرا پیش می دارند که امامت کنم چکنم حضرت فرمودند که امامت ایشان بکن
که هرکز حق سبحانه و تعالی ایشانرا رحمت نکناد بمنزله لعنهم الله است و چون صل بهم فرموده بود توهم میشد که
مبادا امامت ما نفع کند ایشانرا حضرت فرمودند که نفع نمیکند و بعنوان نفرین اینمعنی را ادا فرمودند که ابلغ باشد
و در صحیح از محمد بن اسمعیل منقولست که کفت عریضه بخدمت حضرت امام رضا صلوات الله علیه نوشتم و عرض نمودم
که بسیار است که حاضر میشوم در مساجد با همسایکان و غیر ایشان و مرا پیش میدارند که با من نماز کنند و حال انکه
من نماز خود را پیشتر کرده ام و بسیار است که با من نماز میکنند شیعیان و مستضعفان و جاهلان که مرا نمیشناسند
یا امام را نمی شناسند و از امامت کراهت دارم ازین دو وجه که نماز کرده ام و خوب و بد را باهم جمع کردن خوب
نیست هرچه بفرمایید چنان کنم حضرت نوشتند که امامت ایشان بکن یعنی اعاده بعنوان تقیه نسبت بمخالفان خوب
است و نسبت بشیعیان بهتر و عموم این اخبار شاملست که نماز اول را بجماعت کرده باشند یا منفرد یا ترک استفصال
که مفید عموم است ایضا و این اخبار بسیار است اما نسخه یقدمونی ممکنست که نون وقایه یا اصل را تخفیفا
انداخته باشد و ممکنست که نون مشدد باشد وَرَوَى هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي الصَّلَوٰةَ
وَحْدَهُ ثُمَّ يَجِدُ جَمَاعَةً قَالَ يُصَلِّي مَعَهُمْ وَيَجْعَلُهَا الْفَرِيضَةَ إِنْ شَاءَ و بدوازده سند صحیح و دو حسن کالصحیح
از هشام منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در شخصی که نماز تنها کند و بعد از ان جماعتی بهم
رسند حضرت فرمودند که با ایشان نماز میکند و اکر خواهد این نماز را قصد فریضه میکند و محتملست که ضمیر راجع
بالله باشد بقرینه احادیث دیکر و ممکنست که مراد این باشد که اکر خواهد قصد قضای مافات کند و محتملست
که مراد ظاهر حدیث باشد و قصد کند که انچه کرده ام سنت باشد و این واجب باشد یا قصد وجوب کند باعتبار
اصلش و بهمین مضمون کلینی در صحیح روایت کرده است از حفص بن بختری و در آخر آن نیست ان شاء و در حدیث
صحیح از حلبی منقولست از انحضرت صلوات الله علیه که فرمودند که هرکاه نماز خود را کرده باشی و در مسجد باشی و شروع
در نماز کنند پس اکر خواهی بیرون رو و اکر خواهی بقصد سنت بکن محتملست که مراد اعاده یا عادل باشد یا

ستی

ستی یا اعم و این اظهر است و کالصحیح از اسحق بن عمار منقولست که کفت عرض نمودم بانحضرت ع که نماز کرده ام
و اقامه نماز میکویند در مسجد حضرت فرمودند که بنیت قضا بجا آور و در موثق از عمار منقولست که کفت از
انحضرت صلوات الله علیه سؤال کردم که شخصی نماز واجب میکند و می بیند که جمعی نماز بجماعت میکنند آیا جایز است
که اعاده کند نماز را با ایشان بجماعت با انکه آنرا مخففا تمام کند و ملحق شود با ایشان حضرت فرمودند که بلی عرض
نمودم که اکر نکند فرمودند که باکی نیست و احتمال قطع و نقل نیت بنافله نیز دارد چنانکه کذشت وَقَدْ رُوِيَ أَنَّهُ
يُحْسَبُ لَهُ أَفْضَلُهُمَا وَأَتَمُّهُمَا و در روایتی وارد شده است که محسوب میشود از جهت او انچه افضل هر دو
باشد و تمام تر باشد و ظاهر از روایتی است که کلینی کالصحیح از ابو بصیر روایت کرده است که عرض نمودم بحضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه که نماز میکنم و داخل مسجد میشوم و نماز بر پا میشود حضرت فرمودند که نماز
کن با ایشان که حق سبحانه و تعالی اختیار میکند هر نمازی را که محبوبتر است نزد او و ممکنست که سابقا بجماعت
کرده باشد و از دو جماعت هر کدام که محبوبتر باشد قبول شود یا انکه اول را با حضور قلب و نیت خالص
طولانی بفعل آورده باشد و در جماعت چنان نباشد ممکنست که منفرد احب باشد یا انکه احب آن نماز نیست — که درینصورت هم
که بجماعت واقع میشود و ابهام از انجهتست که بی اعتنا نشود بنماز منفرد خصوصا در بلاد عامه و ممکنست
که ثانی با جماعت سنیان باشد چنانکه ظاهر لفظ مبهم است باشد و اولی بجماعت باشد یا منفرد و ثواب
اعاده با ایشان بیشتر باشد چنانکه کذشت در اخبار بسیار والله تعالی یعلم وَسَأَلَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى
بْنَ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمَا عَنِ الرَّجُلِ هَلْ يُصَلِّي بِالْقَوْمِ وَعَلَيْهِ سَرَاوِيلُ وَرِدَاءٌ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ و با سند
صحیح منقولست از علی که کفت سؤال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از شخصی که پیش نماز
جمعی کند و زیر جامه داشته باشد و ردایی آیا کافیست حضرت فرمودند که باکی نیست یعنی اکر جامه پوشیده
باشد یا پیراهنی و ردا بر بالای ان بر دوش انداخته باشد اکملست و بهمین اکتفا میتواند کرد وَرَوَى زُرَارَةُ
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ إِنَّ آخِرَ صَلَوٰةٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالنَّاسِ
فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ قَدْ خَالَفَ بَيْنَ طَرَفَيْهِ أَلَا أُرِيكَ الثَّوْبَ فَقُلْتُ بَلَى فَأَخْرَجَ مِلْحَفَةً فَذَرَعْتُهَا فَكَانَتْ سَبْعَةَ
أَذْرُعٍ فِي ثَمَانِيَةِ أَشْبَارٍ و در صحیح از زراره منقولست که کفت حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که

آخر نمازی که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله بعنوان جماعت نماز کردند در یکجامه نماز کردند [بود] که یک
طرف او را لنک کردند و طرف دیکر را ردا یا جانب راست را بجانب چپ انداختند و جانب چپ را بجانب راست
و ردا انداشتند و این جامه بزرک بمنزله سه جامه بود لنک و پیراهن و ردا میخواهی بنمایم جامه را بتو کفتم
بلی پس انحضرت صلوات الله علیه چادر شبی بیرون آوردند و من آنرا کز کردم طول آن هفت ذرع بود بذراع دست
و عرضش چهار ذرع بود که هشت شبر باشد و اکر بر خود نپیچد نیز جایز است چنانکه صحیح ابو بصیر دلالت میکند
بر انکه اکر بر خود نپیچد نیز جایز است اما بی ردا مکروهست چنانکه در صحیح از سلیمن بن خالد منقولست که کفت
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال کردم از شخصی که امام باشد و یک پیراهن پوشیده باشد و
ردا نپوشیده باشد حضرت فرمودند که سزاوار نیست مکر با ردا یا عمامه را ردا کند که سر برهنه باشد بهتر از
آنست که بی ردا باشد و منقولست در صحیح از علی بن جعفر که کفت سؤال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات
الله علیه که آیا امام را خوبست که زیر جامه پاک کند و کلاهی بر سر کذارد و درین دو جامه امامت کند بی ردا فرمودند که خوب
نیست و سؤال کردم که آیا زیر جامه عوض لنک خوبست فرمودند که بلی و احادیث ردا کذشت در لباس مصلی وَسَألَ
عُمَرُ بْنُ یَزِیدَ اَبَا عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ عَنِ الرِّوَایَةِ الَّتِی یَرْوُونَ اَنَّهُ لَا یَنْبَغِی اَنْ یَتَطَوَّعَ فِی وَقْتِ فَرِیضَةٍ التطوع در
مَا حَدُّ هٰذَا الْوَقْتِ فَقَالَ اِذَا اَخَذَ الْمُقِیمُ فِی الْاِقَامَةِ فَقَالَ لَهُ النَّاسُ یَخْتَلِفُونَ فِی الْاِقَامَةِ قَالَ الْمُقِیمُ الَّذِی
تُصَلِّی مَعَهُ و باسانید صحیحه منقولست از عمر که کفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از
روایتی که منقولست بروایت عامه یا اعم که سزاوار نیست نافله در وقت فریضه کدام وقتست حضرت فرمودند
که آن وقتی است که شروع کند اقامت کوینده که مؤذنست ~~کوینده که مؤذنست~~ در اقامه پس عرض کردم که مردمان
مختلف می باشند در اقامت کدام اقامت مراد است حضرت فرمودند که آن مقیمی که با آن نماز میکنی یا میکنند
و ظاهر میشود که جایز است در یک مسجد چند نماز جماعت بلکه میکرده اند و منافات ندارد با احادیثی که وارد
شده است که چون وقت فضیلت داخل میشود نافله نمیتوان کرد بانکه در هر دو وقت منهی عنها بوده باشند
بعنوان حرمت یا کراهت یا در یکی کراهت شدید تر باشد یا انکه در صورتی که انتظار جماعت کشند جایز باشد
بی کراهت چنانکه کذشت وَسَألَهُ حَفْصُ بْنُ سَالِمٍ اِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ اَیَقُومُ النَّاسُ عَلَی اَرْجُلِهِمْ
اَوْ یَجْلِسُونَ حَتّٰی یَجِیءَ اِمَامُهُمْ قَالَ لَا بَلْ یَقُومُونَ عَلٰی اَرْجُلِهِمْ

فان جاء

الجالسون

فَاِنْ جَاءَ اِمَامُهُمْ وَاِلَّا فَلْیُؤْخَذْ بِیَدِ رَجُلٍ مِنَ الْقَوْمِ فَیُقَدَّمُ و باسانید صحیحه و حسنه منقولست از
حفص که کفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که هرکاه مؤذن قد قامت الصلوة بکوید آیا
ماموما برمیخیزند اکر امام ایشان حاضر نباشد یا می نشینند تا امام ایشان حاضر شود حضرت فرمودند که
برمیخیزند اکر امام ایشان آمد او امامت میکند و اکر اندک توقفی کردند و او نیامد دست یکی از مامومین را
میکیرند و مقدم میدارند و با او اقتدا میکنند و ازین حدیث ظاهر میشود که می باید در وقت اقامه ماموما نشسته
باشند و مؤذن ایستاده باشد و وقت ایستادن ایشان وقتیست که قد قامت الصلوة کفته شود نه هر وقت
شروع در اقامه یا اتمام اقامه چنانکه بعضی قایل شده اند و آن دیکر انکه سخن نکویند بعد از اقامت اکرچه در
تقدیم امام باشد و هیچ جایز است کلام اکرچه ترکش اولی است دیکر هرکاه امام راتب دیر کند حق ماموما مقدم سنت
و دیکری را مقدم میدارند و ظاهر میشود که تشیع و نماز جماعت کردن کافی باشد در امامت و عدالت در کار
نباشد اکرچه حمل میتوان کرد بر انکه مقدم دارند کسی را که اهلیت امامت داشته باشد ولیکن خلاف ظاهر است
وَرَوٰی زُرَارَةُ عَنْ اَبِی جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ اَنَّهُ قَالَ اِذَا اُقِیمَتِ الصَّلٰوةُ حَرُمَ الْکَلَامُ عَلَی الْاِمَامِ
وَاَهْلِ الْمَسْجِدِ اِلَّا فِی تَقْدِیمِ اِمَامٍ و باسانید صحیحه منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند
که هرکاه برپا شود نماز بکفتن قد قامت الصلوة چنانکه الحال کذشت حرامست سخن کفتن بر امام و اهل مسجد
اولیاست صح مکر با این امام نماز میکنند یا اعم مکر در مقدم داشتن امامی چنانکه کذشت ولیکن بعنوان دست کرفتن محمولست
الحدیث دامر بر اولویت چنانکه احادیث بسیار بر نهی و جواز کذشت و اکثر حمل کرده اند بر کراهت تا جمع شود میان اخبار
اکرچه احوط ترکست مطلقا وَرُوِیَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ اَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ یَؤُمُّ الرَّجُلَیْنِ قَالَ یَتَقَدَّمُهُمَا
وَلَا یَقُومُ بَیْنَهُمَا وَعَنِ الرَّجُلَیْنِ یُصَلِّیَانِ جَمَاعَةً قَالَ نَعَمْ یَجْعَلُهُ عَنْ یَمِینِهِ قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّی
اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَقِیمُوا صُفُوفَکُمْ فَاِنِّی اَرَاکُمْ مِنْ خَلْفِی کَمَا اَرَاکُمْ مِنْ قُدَّامِی وَمِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَلَا تُخَالِفُوا
فَیُخَالِفَ اللهُ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ و کالصحیح منقولست از محمد بن مسلم که کفت از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه سؤال
کردند از مردی که امامت کند دو مرد را حضرت فرمودند که پیش می ایستد و هر دو در عقب می ایستد و در میان
ایشان نمی ایستد یعنی استحبابا و از انحضرت سؤال کردند که هرکاه دو کس خواهند که نماز جماعت کنند جایز است

فرمودند که بلی وامام ماموم را در دست راست خود باز میدارد واین مضمون در صحیح از محمد بن مسلم از
احدهما صلوات الله علیهما منقولست وخواهد آمد محمد بن مسلم کفت که حضرت باقر صلوات الله علیه فرمودند
که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله فرمودند که صفهای نماز جماعت را درست کنید که من شما را از پشت سر
چنان می بینم که از پیش وبرابر می بینم وپیش وپس مایستید که حق سبحانه وتعالی مخالفت می اندازد میانه دلهای شما
ومخالفت صوری تاثیر دارد در مخالفت معنوی وجزو آخر را صدوق در موثق از ابو بصیر از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه روایت کرده است با زیادتی انکه دوش بدوش بایستید ودر قوی از ابو سعید خدری روایت کرده
است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله فرمودند که میخواهید که دلالت کنم شما را بچیزی که کفاره کناهان
شما باشد وسبب زیادتی حسنات شما کفتند بلی یا رسول الله حضرت فرمودند که آن تمام کردن وضوء است در
هواهای سرد وبسیار کام برداشتن است بمساجد وانتظار کشیدن نماز است بعد از نماز وهر یک از شما که از
خانه خود بیرون روید با وضو ونماز جماعت کنید با مؤمنان وبنشینید وانتظار نماز دیکر کشید فرشتکان از
جهت شما استغفار کنند وکویند خداوندا او را بیامرز خداوندا او را ببخشا پس چون بنماز ایستید نماز را
نیکو بجا آورید نه طولانی ونه کوتاه با صفهای خود را درست کنید وفرجها را مسدود سازید وهمه جا متابعت
امام کنید بدرستی که بهترین صفهای مردان صف پیش است وبهترین صفهای زنان پس تر واز سکونی منقولست که
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله فرمودند که مساوی کنید میان صفها را ودوش بدوش بایستید تا شیطان
بر شما مستولی نشود ودرین باب اخبار متواتر است وحمل بر استحباب کرده اند واحوط آنست که ترک نکنند
چون اوامر این باب بی معارضست والله تعالی یعلم وَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمَا إِنَّ
الصَّلٰوةَ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ومنقولست از آنحضرت صلوات الله علیه که نماز در صف اول
ثواب جهاد در راه حق سبحانه وتعالی دارد یعنی جهاد بقصد قربت یا انکه جهاد راه اسلام را میکشاید وبستن
راه کفر وکالصحیح از اسحق منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بمن فرمودند که ای اسحق با سنیان
نماز میکنی در مسجد کفتم بلی حضرت فرمود که با ایشان نماز کن که شخصی که با ایشان نماز میکند مانند کسی است که شمشیر
کشیده باشد ودر راه حق سبحانه وتعالی جهاد کند پس ممکنست که مراد از حدیث متن جماعت با عامه باشد یا اعم

باشد

باشد با انکه احادیث صحیحه کذشت که فرقی نیست میان جماعت واقعی وصورت جماعت با ایشان در ثواب
بلکه ظاهر شد که ثواب این صورت بیشتر است چون احادیث صحیحه وارد شده است که نماز در صف اول ایشان
مثل نماز در صف اول با رسول الله است صلی الله علیه وآله وَرَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ
لَا أَرَى بِالصُّفُوفِ بَيْنَ الْأَسَاطِينِ بَأْساً وَقَالَ أَتِمُّوا صُفُوفَكُمْ إِذَا رَأَيْتُمْ خَلَلاً وَلَا يَضُرُّكَ أَنْ تَتَأَخَّرَ وَرَاءَكَ
إِذَا وَجَدْتَ ضِيقاً فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الَّذِي خَلْفَكَ وَتَمْشِي مُنْحَرِفاً وباسانید صحیحه منقولست از حلبی که
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که من باک نمیدانم صفهای میان ستونها را اعم از صفی که ستونها
آن را قطع کرده باشد مثل صف میان ستونها وصفی که در عقب ستونست که ستون حایل است وهر دو ضرر ندارد
چنانکه مشاهد است در مسجد کوفه وبصره که در زمان حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بهمین عنوان بوده است
ومسجد الحرام ومسجد نبی صلی الله علیه وآله اکر چه تغییر یافته است اما شکی نیست که در زمان آنحضرت ستونها بوده
است خصوصا مسجد نبی ص ودر میان ودر عقب این ستونها نماز میکردند مثل حال وحضرت ع فرمودند که تمام کنید
صفهای خود را هرکاه خللی در آنها بیابید که فاصله دارد پیش از نماز وبعد از آن شروع در نماز کنید واکر در اثنای
نماز خلل بهم رسد یا بیشتر ضرر ندارد ترا که خود را بصف عقب خود رسانی ودر میان فرجه بایستی اکر صف اول تنک
باشد وچون روی بانجا منحرف خواهی رفت که پشت بقبله نکنی با انکه پشت پشت بیایی یا از جانبین بروی وجزو
آخر را شیخ در صحیح از فضیل نیز روایت کرده است بهمین عبارت وهمچنین در موثق سماعه مذکور است با این
زیادتی واکر در صفی باشی وخواهی که بصف پیشتر روی باکی نیست که بروی ودرین صورت لازم نیست که جا تنک
باشد تا تواند رفت زیرا که صف پیشتر ثوابش بیشتر است از جهت تحصیل ثواب جایز است به پیش رفتن ودر
صحیحه محمد بن مسلم از آنحضرت صلوات الله علیه مذکور است که پیش میرود اما پس نمی آید ومحمولست بر صورتی که عث
پس آید یا با استدبار وَرَوَى زُرَارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ يَنْبَغِي لِلصُّفُوفِ أَنْ تَكُونَ تَامَّةً
مُتَوَاصِلَةً بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ وَلَا يَكُونُ بَيْنَ الصَّفَّيْنِ مَا لَا يُتَخَطَّى يَكُونُ ذٰلِكَ قَدْرَ مَسْقَطِ جَسَدِ الْإِنْسَانِ
إِذَا سَجَدَ وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ إِنْ صَلَّى قَوْمٌ وَبَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْإِمَامِ مَا لَا يُتَخَطَّى فَلَيْسَ ذٰلِكَ الْإِمَامُ
لَهُمْ بِإِمَامٍ وَأَيُّ صَفٍّ كَانَ أَهْلُهُ يُصَلُّونَ بِصَلٰوةِ إِمَامٍ وَبَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الصَّفِّ الَّذِي يَتَقَدَّمُهُمْ مَا لَا يُتَخَطَّى

فَلَيْسَ تِلْكَ لَهُمْ بِصَلٰوةٍ وَاِنْ كَانَ سِتْرًا اَوْ جِدَارًا فَلَيْسَ تِلْكَ لَهُمْ بِصَلٰوةٍ اِلَّا مَنْ كَانَ حِيَالَ الْبَابِ
قَالَ وَقَالَ هٰذِهِ الْمَقَاصِيرُ اِنَّمَا اَحْدَثَهَا الْجَبَّارُونَ وَلَيْسَ لِمَنْ صَلّٰى خَلْفَهَا مُقْتَدِيًا بِصَلٰوةِ مَنْ فِيهَا
صَلٰوةٌ قَالَ وَقَالَ اَيُّمَا امْرَاَةٍ صَلَّتْ خَلْفَ اِمَامٍ وَبَيْنَهَا وَبَيْنَهُ مَا لَا يُتَخَطّٰى فَلَيْسَ لَهَا تِلْكَ بِصَلٰوةٍ قَالَ قُلْتُ
فَاِنْ جَاءَ اِنْسَانٌ يُرِيدُ اَنْ يُصَلِّيَ كَيْفَ يَصْنَعُ وَهِيَ اِلٰى جَانِبِ الرَّجُلِ قَالَ يَدْخُلُ بَيْنَهَا وَبَيْنَ الرَّجُلِ وَتَنْحَدِرُ هِيَ
شَيْئًا و باسانید صحیحه و حسنه کالصحیحه منقولست از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که سزاوار
آنست که صفها تمام باشد که درمیان صف و اول و آخر آن جای کسی نباشد و بیکدیگر متصل باشد که درمیان
صف تا صف دیگر فاصله بسیار نباشد و میان دو صف آنمقدار فاصله نباشد که گام برنتوان داشت که زیاده از
فرجه میان دو پای مستوی الخلقه باشد که تخمینا سه شبر است تا چهار شبر بلکه همین قدر باشد که وقتی که بسجده
رود مقدار سجده باشد و زراره گفت که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که اگر جمعی نماز کنند و میان صف
اول و امام زیاده از مقدار گام فراخ باشد آن امام ایشان امام نیست و همچنین از صفی تا صفی دیگر اگر فاصله زیاده
از گام فراخ باشد نماز آن صف ما بعد نماز نیست یعنی نماز کامل نیست و اگر فاصله پرده باشد یا دیواری باشد
بغیر ستون یا مثل ستون آن نماز ایشان صحیح نیست مگر نماز کسی که محاذی دری باشد که بر آن دیوار باشد که چون
ایشان امام را می توانند دید قطع نظر از فاصله ماموین زراره گفت که حضرت ع فرمودند که این مقصورههایی
که الحال هست که محراب داخل در مسجد است ستمکاران بنی امیه ساخته اند و بدعت ایشان است و در زمان حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله نبود و کسی که اقتدا کند بامامی که در مقصوره است از طرفین مقصوره نماز ایشان
نماز نیست چون امام را نمی بینند و کسی را نیز نمی بینند که امام را ببیند یا اگر بینند بد می بینند نماز ایشان کامل
نیست چون بدعت کرده اند از روی تکبر که ائمه جور که در آنجا ایستند ممتاز باشند و ابتداء این بدعت از عثمان
شد یا عمر چون حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در زمان خلافت ظاهری همه را منهدم ساخت چنانکه در موثق
طلحه است که حضرت میفرمودند که منهدم سازند و میفرمودند یا بمذبحهای یهودان می مانند و زراره گفت که حضرت
صلوات الله علیه فرمودند که هر زنی که نماز کند در عقب امامی و میان آن زن و امام فاصله بسیار باشد که گام نتوان
برداشتن نماز آن زن نماز نیست مثل مردان زراره گفت عرض نمودم که اگر مردی بیاید و خواهد که بآن مرد اقتدا کند

که محراب ها

چکند

نهی از حایل دادن زنان م

چکند و حال آنکه زن در جانب آن مرد است فرمودند که مرد بپهلوی امام می ایستد و زن اندکی پست تر می
رود و حمل کرده اند بر کراهت در زن چون در حدیث موثق عمار وارد شده است که گفت از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال کردم از شخصی که امامت جمعی کند و در عقب امام خانه باشد که زنان در آنجا باشند
آیا جایز است که این زنان اقتدا کنند بمرد حضرت فرمودند که بلی اگر امام پست تر از زنان باشد یعنی بلندتر نباشد
عرض نمودم که اگر میان زنان و امام دیواری یا راهی باشد حضرت فرمودند که باکی نیست و احوط آنست که با امکان
در عقب دیوار نباشند مگر آنکه سبب ترک شود که با حایل بهتر است از ترک و اگر محراب داخل در بنا باشد ضرر ندارد هرگاه
گاه جاتنگ باشد چنانکه در صحیح از منصور بن حازم منقولست که گفت بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض
نمودم که من در طاق یعنی محراب نماز میکنم حضرت فرمودند که باکی نیست هرگاه جاتنگ باشد و غرض از رفتن در محراب فراخ
شدن جا باشد بر نماز کنارندگان چنانکه غالبا در مجامع چنین میشود اما احوط آنست که آنمقدار داخل بنا نباشد که
مانند محراب داخل مسجد شود بآنکه طرفین صف اول امام را و کسی که امام را ببیند نبینند که در آن صورت نماز ایشان صحیح
نیست وَفِي رِوَايَةِ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ اَبِي عَبْدِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ قَالَ اَقَلُّ مَا يَكُونُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْقِبْلَةِ مَرْبِضُ
عَنْزٍ وَاَكْثَرُ مَا يَكُونُ مَرْبِضُ فَرَسٍ و در روایت صحیح عبد الله منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند
که کمترین فاصله که میان تو و میان قبله میتواند بود بقدر خوابیدن بز نیست و ظاهرا در طول بز مراد است زیرا که
در عرض بز نمیتوان سجده کردن و اکثر فاصله که می تواند بود میان تو و قبله محل خوابیدن اسبی است و مراد از قبله
در صف اول امام است که محاذی قبله اوست و در صف دویم صف اولست و برین قیاس و محتملست که مراد این باشد
که اگر درمیان تو و دیوار که ستره است این مقدار فاصله باشد محتاج بستره نیست که نصب کنند و دیوار ستره است
و اگر فاصله بیشتر باشد احتیاج بستره هست استحبابا و این معنی بحسب لفظ اقربست اما صدوق معنی اول را
فهمیده است و متابعت او کرده اند اصحاب در استحباب و اکثر بر آنند که این مقدار بحسب فضیلتست و واجب آنمقدار
است که عرفا گویند که باو اقتدا کرده است و بعضی از اصحاب تا سیصد ذرع تجویز نموده است و بسیار بعید است
اما اگر فاصله صفوف باشد ضرر ندارد هر چند بسیار باشند هرگاه توانند متابعت کردن نه آنکه تا صف آخر برکوع
روند امام سر از رکوع برداشته باشد وَقَالَ عَمَّارُ بْنُ مُوسٰى سُئِلَ اَبُو عَبْدِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ عَنِ الْاِمَامِ

يُصَلِّي وَخَلْفَهُ قَوْمٌ اَسْفَلُ مِنَ الْمَوْضِعِ الَّذِي يُصَلِّي فِيهِ قَالَ اِنْ كَانَ الْاِمَامُ عَلَى شِبْهِ الدُّكَّانِ اَوْ عَلَى اَرْفَعَ
مِنْ مَوْضِعِهِمْ لَمْ تَجُزْ صَلٰوتُهُمْ وَاِنْ كَانَ اَرْفَعَ مِنْهُمْ بِاِصْبَعٍ اَوْ اَكْثَرَ اَوْ اَقَلَّ اِذَا كَانَ الْاِرْتِفَاعُ بِقَطْعِ سَيْلٍ
وَاِنْ كَانَتْ اَرْضٌ مَبْسُوطَةٌ وَكَانَ فِي مَوْضِعٍ مِنْهَا اِرْتِفَاعٌ فَقَامَ الْاِمَامُ فِي الْمَوْضِعِ الْمُرْتَفِعِ وَقَامَ مَنْ خَلْفَهُ اَسْفَلَ
مِنْهُ وَالْاَرْضُ مَبْسُوطَةٌ اِلَّا اَنَّهَا فِي مَوْضِعٍ مُنْحَدِرٍ فَلَا بَأْسَ بِهِ و در بعضی از نسخ بِقَطْعِ سَيْلٍ و در کافی بطن
مسیل و در بعضی از نسخ قال لا بأس به است و در موثق منقولست از عمار که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه پرسیدند از امامی که نماز کند و در عقب او جمعی باشند پست تر از موضعی که امام نماز کند حضرت فرمودند
که اگر بلندی امام مانند صفهای بلند و دکانهای بازار است که تخمیناً دو ذرع بلند می باشد غالباً یا بر جایی که
بسیار بلند باشد از موضع ایشان نماز مامومین صحیح نیست و نماز امام صحیح است چون بمنزلهٔ منفرد است و اگر
بلندتر از ایشان باشد بمقدار یک انگشت یا بیشتر یا کمتر هرگاه بلندی مقداری باشد که قطع آن توان کرد بگام
برداشتن یعنی ضرر ندارد بقرینهٔ سابق و سؤالی دیگر کرده میشود و حضرت میفرماید که باکی نیست و بر نسخهٔ بقطع
سیل یعنی هرگاه بلندی از بابت بلندی باشد که چون سیل میرود زمین را میخراشد تا یک ذرع غالباً و مسئله
دیگر فرموده باشند و جواب هر دو را فرموده باشند که باکی نیست یا جواب اول را بظهور گذاشته باشند مؤید
اینست نسخهٔ کافی و بنا بر نسخهٔ سیل چنانکه بخط شیخ فخرالدین بود جوابش قال لا بأس به خواهد بود یعنی از آنحضرت
سؤال کردند که اگر زمین پهنی باشد و در موضعی از آن بلندی باشد و امام در بلندی بایستد و مامومان در
موضعی پست تر از موضع امام بایستند و زمین پهن باشد ولیکن موضع سراشیب باشد پس باکی نیست یا حضرت
فرمودند که باکی نیست و علی ای حال مطلوب ظاهر است و عبارت مشوش است مثل سایر روایات عمار که بی چیزی
نیست والله تبارک و تعالی یعلم وَسُئِلَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ فَاِنْ قَامَ الْاِمَامُ اَسْفَلَ مِنْ مَوْضِعِ مَنْ يُصَلِّي خَلْفَهُ قَالَ
لَا بَأْسَ بِهِ وَقَالَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ اِنْ كَانَ الرَّجُلُ فَوْقَ بَيْتٍ اَوْ غَيْرِ ذٰلِكَ دُكَّانًا كَانَ اَوْ غَيْرَهُ وَكَانَ الْاِمَامُ يُصَلِّي
عَلَى الْاَرْضِ وَالْاِمَامُ اَسْفَلُ مِنْهُ كَانَ لِلرَّجُلِ اَنْ يُصَلِّيَ خَلْفَهُ وَيَقْتَدِيَ بِصَلٰوتِهِ وَاِنْ كَانَ اَرْفَعَ مِنْهُ بِشَيْءٍ كَثِيرٍ
و عمار گفت که از آنحضرت ع پرسیدند که اگر امام بایستد پست تر از موضع مامومین که در عقب او نماز میکنند
حضرت فرمودند که باکی نیست و آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که اگر ماموم بر پشت بام می باشد یا غیر آن خواه

دکان باشد و خواه غیر آن و امام بر زمین نماز کند و امام پست تر از ماموم باشد ماموم باو اقتدا می تواند
کرد و اگرچه ماموم بلندتر باشد که اقتدا باو می تواند کرد حاصل این شد که ماموم بر بلندی میتواند ایستاد و امام
نمی تواند ایستاد و اما آنچه در صحیح از صفوان منقولست از محمد بن عبدالله که مجهولست و ضرر ندارد که گفت سؤال بسیار
کردم از حضرت امام رضا صلوات الله علیه از امامی که نماز کند در موضعی و مامومان پست تر از و بایستند یا امام
در موضعی باشد که مامومان بلندتر باشند از و حضرت فرمودند که می باید که جای همه مساوی باشد گفت عرض
نمودم که اگر شخصی تنها نماز کند و موضع سجده اش پست تر باشد از موضعی که ایستاده باشد حضرت فرمودند که
هرگاه تنها باشد باکی نیست پس اول محمولست بر استحباب و ثانی محمولست بر آنکه زیاده از چهار انگشت نباشد
و جمعی بسبب این حدیث قایل شده اند که اگر موضع سجده پست باشد جایز است اگرچه زیاده از چهار انگشت
باشد و موضع ایستادن جایز نیست که پست باشد تا جمع شود میان اخبار و اکثر علما بنحو اول جمع کرده اند و گفته
اند که در موضع سجده پست بودنش تا یک خشت کراهت ندارد و مواضع دیگر کراهت دارد و این قول باحتیاط
اقربست اگرچه قول اول خالی از قوت نیست و احوط آنست که مطلقا بلند و پست نباشد چنانکه گذشت و
سَاَلَ مُوسَى بْنُ بَكْرٍ اَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يَقُومُ فِي الصَّفِّ وَحْدَهُ قَالَ لَا بَأْسَ اِنَّمَا
يَبْدُو الصَّفُّ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ و منقولست از موسی و ظاهرا از کتاب او برداشته باشد و کتابش معتمد باشد
که گفت سؤال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از شخصی که در صفی تنها بایستد حضرت فرمودند که باکی
نیست زیرا که صف چنین بهم میرسد که اول یک کس می آید و می ایستد دیگری می آید و با او منضم میشود و همچنین
تا صف بهم میرسد غالبا چنانکه مشاهد است که گاه هست که امام شروع در نماز میکند اول یک صف است و از نماز
که فارغ میشود ده صف شده است و این در صورتیست که در صف پیشتر جا نباشد اگرچه بهتر آنست که شخصی از
صف پیشتر که بیاید که شخصی تنهاست منحرف بیاید که با او بایستد و او تنها نباشد و درین صورت ثواب آن
شخص مضاعف می شود چنانکه از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله باین نحو منقولست و منقولست در صحیح
و موثق کالصحیح از سعید اعرج که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که داخل مسجد
شود که اقتدا کند به بیند که جا تنگ است در صفهای پیش تنها بایستد تا امام از نماز فارغ شود آیا جایز است

حضرت فرمودند که باکی نیست ودر حدیث موثق سعید چنین است که باکی نیست که شخص تنها محاذی
امام بایستد در عقب صفها ودر حدیث کالصحیح ابو الصباح مثل متن وارد شده است وصدوق نیز همین
را در علل نقل کرده است وهمچنین در حدیث سکونی از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله وارد است که تنها
مایست مکر آنکه در صف پیش جا نباشد در برابر امام می ایستد واکر جا باشد ودر صف تنها عمدا بایستد
نمازش فاسد است چون عمدا مخالفت سنت کرده است ومحمولست بر فساد کمال والله تعالی یعلم وروی عن
عبد الرحمن بن ابی عبد الله انه قال سمعت ابا عبد الله صلوات الله علیه یقول اذا دخلت المسجد والامام
راکع وظننت انک ان مشیت الیه رفع راسه فکبر وارکع فاذا رفع راسه فاسجد مکانک فاذا قام فالحق
بالصف وان جلس فاجلس مکانک فاذا قام فالحق بالصف ودر صحیح از عبد الرحمن منقولست که کفت از
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که میفرمودند که هرکاه داخل شوی در مسجد وامام در رکوع باشد
وکمان داشته باشی که اکر تا بصف رسی امام سر بر داشته باشد ایستاده تکبیر بکو وبرکوع رو پس چون امام سر بر
دارد همانجا بسجود رو پس چون برخیزد برو تا بصف رسی واکر بنشیند از جهت تشهد بنشین بمتابعت امام
وخواهد آمد که بر سر پا بنشین وتشهد بخوان بمتابعت امام استحبابا وچون برخیزد خود را بصف رسان واکر
سلام دهد در همانجا تمام کن وبرین مضمون احادیث صحیحه وارد شده است ودر فقه رضوی نیز مذکور است و
خلاف صریح از علماء ما درین مسئله نیست بحسب ظاهر بلکه نقل اجماع نیز کرده اند در غیر نماز جمعه ودر نماز جمعه
خلافست وخواهد آمد ودر صحیح منقولست از معویه بن وهب که کفت دیدم حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه را که داخل شدند در مسجد الحرام در وقت نماز عصر چون نزدیک بصفها رسیدند مردم برکوع رفتند حضرت نیز
برکوع رفتند وسجدتین را آنجا آوردند وچون برخاستند رفتند تا بصفها رسیدند وظاهر است که این
صورت نماز بوده است که از روی تقیه واقع ساختند ولهذا تکبیر را نقل نکرد ودر صحیح از سلیمن بن خالد که از آنحضرت منقولست
صلوات الله علیه فرمودند که هرکاه امام را ادراک کند در رکوع وراست ایستاده تکبیر بکوید وبرکوع رود پیش
از آنکه امام سر بردارد ادراک کرده است یعنی رکعت وجماعت را ودر صحیح از محمد بن مسلم از احدهما صلوات الله علیهما
منقولست که از آنحضرت سؤال کردند از شخصی که داخل مسجد شود وترسد که رکعت ازو فوت شود حضرت فرمودند که

برکوع میرود پیش از آنکه بایشان رسد ودر رکوع راه میرود تا بایشان رسد وچهار حدیث صحیح از محمد بن
مسلم منقولست که حضرت امام محمد باقر وحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما فرمودند که اکر تکبیر رکوع
را با امام در نیابی داخل مشو در آن رکعت ودر روایتی دیکر اعتماد بآن رکعت مکن ودر روایتی دیکر اکر تکبیر را
دریافتی رکعت را دریافته وجمعی حمل بر نماز جمعه کرده اند وجمعی بر نفی کمال خصوصا هرکاه رکعتی دیکر مانده
باشد وهردو محتملست چنانکه خواهد آمد در صحیحه حلبی که اکر ادراک تکبیر رکوع کردی نماز جمعه را دریابی
والا نماز ظهر را میکنی ونفی کمال نیز ظاهر میشود از بعضی از اخبار والله تعالی یعلم وروی انه یمشی فی الصلوة
یجر رجلیه ولا یتخطا ودر روایتی وارد شده است که راه میرود باین عنوان که پاها را بر زمین میکشد وکام
برنمیدارد تا شبیه تر باشد بایستاده وروی الحلبی عن ابی عبد الله صلوات الله علیه انه قال اذا ادرکت
الامام وقد رکع فکبرت قبل ان یرفع الامام راسه فقد ادرکت الرکعة وان رفع راسه قبل ان
ترکع فقد فاتتک الرکعة وباسانید صحیحه وکالصحیحه منقولست از حلبی که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه فرمودند که هرکاه دریابی امام را در حال رکوع وتکبیر رکوع بکویی پیش از آنکه امام سر بردارد از رکوع دریافتی
رکعت را واکر امام سر بردارد پیش از آنکه برکوع روی رکعت فوت میشود وشیخان چنین روایت کرده اند این
حدیث را که فکبرت ورکعت وظاهر لفظ ورکعت از قلم نساخ افتاده است چون ظاهر است که تکبیر کافی نیست
بقرینه وان رفع الخ وروی ابو اسامة انه سأله عن رجل انتهی الی الامام وهو راکع قال اذا کبر واقام
صلبه ثم رکع فقد ادرک وکالصحیح منقولست از زید که کفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه از شخصی که بامام رسد واو در رکوع باشد حضرت فرمودند که هرکاه تکبیر بکوید در وقتی که پشت او راست
باشد وبعد از آن برکوع رود ادراک رکعت کرده است واین حدیث مثل حدیث صحیح سلیمن دلالت میکند بر آنکه
می باید در حالت تکبیر احرام راست ایستاده باشد چنانکه کذشت وذکر اقامت صلب از آنجهتست که چون غالب
اوقات هرکاه درچنین وقتی میرسند تکبیر را در وقت رفتن برکوع میکویند چون خوف دارند که مبادا امام
سر بردارد بنا برین تصریح فرمودند که وقتی صحیح است که پشت راست باشد وتکبیر بکوید وقال رجل لابی جعفر
صلوات الله علیه انی امام مسجد الحی فارکع بهم واسمع خفقان نعالهم وانا راکع فقال اصبر رکوعک ومثل

رکوعك فان انقطعوا والا فانتصب قائما ظاهرا نقل بالمعنی کرده است صدوق یا غیر او و کالصحیح جابر
را که گفت عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که من امام مسجد قبیله‌ام و با ایشان برکوع میروم صدای
کفشهای ایشان را میشنوم که گویا می‌آیند که خود را بنماز رسانند و من در رکوعم حضرت فرمودند که در برابر
رکوعی که همیشه میکنی صبر کن اگر رسیدند فبها و اگرنه سر بردار چون این جماعت نیز حق دارند و اگر انتظار
بیشتر کشد گاه باشد که علی الاتصال آیند و علما عمل کرده اند اگرچه در طریقش عمرو بن شمر هست ولیکن چون
کتاب جابر متواتر بوده است چنانکه از صدوق نیز ظاهر میشود و ضعف مشایخ اجازه ضرر ندارد چنانکه سابقا
مذکور شد ویروی اسحق بن عمار عن ابی عبد الله صلوات الله علیه انه قال ینبغی للامام ان یکون صلوته علی
صلوة اضعف من خلفه و در موثق کالصحیح منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که سزاوار
آنست که امام رعایت کند حال ضعیف ترین ماموما نرا و نماز را سبك واقع سازد پس اگر همه قوت داشته باشند
و اراده طول نماز داشته باشند طول میدهد چنانکه گذشت وکان معاذ یؤم فی مسجد علی عهد رسول
الله صلی الله علیه و آله ویطیل القراءة وانه مر به رجل فافتتح سورة طویلة فقرأ الرجل لنفسه وصلی
ثم رکب راحلته فبلغ ذلك النبی صلی الله علیه و آله فبعث الی معاذ فقال یا معاذ ایاك ان تکون فتانا
علیك بالشمس وضحاها وذواتها و منقولست که معاذ بن جبل امامت میکرد در مسجدی در زمان انحضرت صلی الله
علیه و آله و حضرت فرموده بودند که در ان مسجد نماز کند چون جمعی دور بودند و پریشان مشکل بود که
بنمازهای انحضرت حاضر شوند و معاذ نماز را طول میداد و سوره بقره و امثال آن میخواند اتفاقا شخصی
بر و گذشت و خواست که نماز جماعت کند دید که معاذ سوره درازی سر کرد که بخواند آن مرد قصد انفراد کرد
و خود قرائت کرد و نماز کرد و بر راحله‌اش سوار شد و رفت پس این واقعه بانحضرت رسید حضرت کسی
بسوی معاذ فرستاد که زنهار چنین مباش که مردم ترك نماز جماعت کنند از جهت طول نماز بر تو باد که سورهای
قصیر بخوانی مثل سوره والشمس و امثال آن و همین مضمون در صحاح سته واقعست خصوصا بخاری و ظاهرا
صدوق نیز از ایشان روایت کرده است وان النبی صلی الله علیه و آله ذات یوم یؤم اصحابه فیسمع بکاء
الصبی فیخفف الصلوة و بدرستی که انحضرت صلی الله علیه و آله امامت اصحاب خود میفرمودند و صدای گریه

وقایع رعایت احوال ماموین و ضعف حال ایشان است

کودکی

کودکی را می‌شنیدند و نماز را از انجهت سبك میفرمودند و بنا بر نسخه روزی از روزها انحضرت نماز میکردند
صدای طفل را شنیدند و نماز را سبك کردند و این مضمون صحیح ابن سنان است که حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه فرمودند که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز ظهر و عصر را کردند و سبك کردند دو رکعت را اصحاب
عرض نمودند که یا رسول الله آیا در نماز امری حادث شد که منسوخ شده باشد تطویلش مثلا حضرت فرمودند که چه
واقع شد عرض کردند که دو رکعت آخر را سبك کردید حضرت فرمودند که صدای گریه طفل را نشنیدید و ظاهرا
چنان بوده است که مادر اقتدا کرده بوده و طفل را بر زمین گذاشته او میگریسته است حضرت زود کردند تا طفل را
بردارد و شیر دهد و این مضمون را نیز عامه در صحاح خود روایت کرده اند وعلی الامام ان یقرأ قراءة وسطا
لان الله عز وجل یقول ولا تجهر بصلوتك ولا تخافت بها منقولست در صحیح از عبد الله بن سنان که گفت
بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض نمودم که بر امام لازمست که انقدر بلند بخواند که هر که در عقب
او باشد بشنود حضرت فرمودند که بر امامست که قرائت جهریه را میانه بخواند نه بسیار بلند و نه بسیار پست
زیرا که حق سبحانه و تعالی خطاب بحضرت کرده است و انحضرت امام بودند یا خطاب بامام کرده است یا بعالمیان
و شامل امام نیز هست که بلند مخوان نمازت را و آهسته مخوان و مرتبه میان بسیار بلند و آهسته را اختیار کن
که آن وسطست و مؤید عموم است موثق سماعه که از انحضرت سؤال کردم از تفسیر این آیه فرمودند که اخفات آنست
که خود نشنوی و جهر منهی عنه آنست که بسیار بلند بخوانی و بنا بر این اظهر آنست که حکم مطلق نماز باشد که چنان
نخوانند که خود نشنوند زیرا که اقل اخفات آنست که خود بشنوند و بلندی را از حد نگذرانند و تفصیل
انکه کدام نماز را بلند باید خواند و کدام را آهسته از آیه ظاهر نشود و از اخبار ظاهر شود و در حسن کالصحیح از
حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که نمینویسند از جهت بنده از قرائت و دعا مگر انچه
را خود بشنود و گذشت در مبحث قرائت اخباری که درین باب وارد شده است واذا فرغ الامام من قراءة
الفاتحة فلیقل الذی خلفه الحمد لله رب العالمین و در حسن کالصحیح از جمیل منقولست و ظاهرا صدوق از کتاب
جمیل روایت کرده باشد و صحیح باشد از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که هرگاه در عقب امام
باشی و او از خواندن سوره حمد فارغ شود تو بگو الحمد لله رب العالمین و مگو آمین و مناسبت درین موضع آنست

که کویا که امام چون دعا کرد از جهت خود و ماموین و سایر مؤمنین کویا حق سبحانه وتعالی مستجاب کرد
ماموم آن شکر میکند حق سبحانه وتعالی را بر مستجاب شدن دعای امام وَلَا یَجُوزُ اَنْ یُقَالَ بَعْدَ فَاتِحَةِ
الْکِتَابِ آمِینَ لِاَنَّ ذٰلِكَ کَانَتْ تَقُولُهُ النَّصَارٰی وجایز نیست ماموم را که بعد از خواندن سوره حمد آمین
بکویند بمد و فتح همزه خوانده اند و بتشدید لحن است زیرا که این کلمه را نصاری میکویند ظاهرا این مضمون
حدیثی باشد و ممکنست که فهمیده باشد از صحیحه معویه بن وهب که کفت بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
عرض نمودم که آمین بکویم هرکاه امام بخواند غیر المغضوب علیهم ولا الضالین را حضرت فرمودند که ایشان یهود
و نصاری اند یعنی مغضوب علیهم یهودند و ضالون نصاری اند و جواب سخن او ندادند از جهت تقیه و کنایه
دلالت میکند بر انکه جمعی که این لفظ را میکویند کبرانند و صدوق بظاهر برده باشد که این عبارت یهود و
نصاری است نمی باید که مسلمانان باین کلمه متکلم شوند و بعیدست این فهمیدن از صدوق و احادیث آمین
در مبطلات نماز کذشت وَرَوٰی زُرَارَةُ وَمُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ اَبِی جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ اَنَّهُ قَالَ کَانَ اَمِیرُ
الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ یَقُولُ مَنْ قَرَاَ خَلْفَ اِمَامٍ یَاْتَمُّ بِهِ فَمَاتَ بُعِثَ عَلٰی غَیْرِ فِطْرَةٍ و باسانید
صحیحه منقولست از زراره و محمد از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه میفرمودند که هر که قراءت را بخواند در عقب کسی که با او اقتدا باو کند که شیعه عادل باشد و بمیرد بر
غیر فطرت اسلام مرده خواهد بود یا خواهد مرد و این محمولست بر غیر جهریه که نشنود همهمه را که در آنصورت
قرائت می تواند کرد بلکه دغدغه وجوب قرائت میشود چون احادیث صحیحه و حسنه کالصحیحه وارد شده است
بلفظ امر بقرائت و دغدغه نیست در انکه در صورتی که قرائت را شنود اکرچه صدایی باشد که تمیز حروف
نکند قرائت منهی عنه است و اکر همهمه را نشنود قرائت مطلوبست و اکر نماز اخفاتیه باشد مخیر است میان
قرائت و ترک آن اکرچه ترک قرائت اولی است بسبب امثال این خبر از اخبار بسیار که دلالت برین میکند که
قرائت نکردن اولی است و برین مضامین احادیث بسیار وارد است از انجمله در صحیح از عبد الرحمن منقولست که
کفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که اکر اقتدا کنم قراءت بکنم حضرت فرمودند که
اما نماز اخفاتیه را یا قراءتش متعلقست بامام تو قرائت مکن و اما نماز جهریه را حق سبحانه وتعالی امر کرده است

امامرا

٣٢٣

امام را ببلند خواندن تا ماموان خاموش باشند و کوش دهند اکر قرائت امام را بشنوی کوش بده
و اکر نشنوی خود قرائت بکن و در حسن کالصحیح از زراره از احدهما صلوات الله علیهما منقولست که فرمودند
که در نماز جهریه کوش ده و در خاطر خود تسبیح کن و در حسن کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه منقولست که هرکاه اقتدا کنی با امام عادل در نماز جهریه و قراءت را نشنوی خود قرائت کن و اکر
همهمه را شنوی قرائت مکن و در دو صحیح منقولست از سلیمن که کفت عرض نمودم بآنحضرت صلوات الله علیه
که آیا در نماز ظهر و عصر قرائت میتوان کرد و حال انکه نمیتوان دانست که قرائت میکند یا نه حضرت فرمودند
که سزاوار نیست که ماموم قرائت کند بلکه قرائت را با امام میکذارد و ظاهرش کراهتست و در صحیح از آنحضرت
صلوات الله علیه منقولست که هرکاه در عقب عادل نماز کنی در اخفاتیه در دو رکعت اول قرائت مکن و
تسبیح می توانی خواند در دو رکعت آخر و قرائت نیز میتوانی کرد و اکثر علما احادیث امر بقرائت در جهریه
را حمل کرده اند بر استحباب از جهت صحیحه علی بن یقطین که کفت سؤال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات
الله علیه از شخصی که نماز کند در عقب عادل در نماز جهریه و قرائت را نشنود حضرت فرمودند که میخواهد
خاموش شود و میخواهد قرائت کند و سؤال کردم از دو رکعت اخفاتیه در عقب عادل آیا حمد بخوانیم فرمودند
که اکر قرائت کنی باکی نیست و اکر خاموش شوی باکی نیست و احادیث دیکر نیز برین مضامین وارد شده است
و ممکنست که حمل کنیم قراءت را بر قراءت تسبیح چنانکه در صحیحه معویه بن عمار منقولست که از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال کردم از قرائت در عقب امام در دو رکعت آخر حضرت فرمودند که امام فاتحه
میخواند و ماموان تسبیح میخوانند و اکر تنها نماز کنی مخیری میان حمد و تسبیح و اخبار دیکر خواهد آمد و
رَوَی الْحَلَبِیُّ عَنْ اَبِی عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ اَنَّهُ قَالَ اِذَا صَلَّیْتَ خَلْفَ اِمَامٍ تَأْتَمُّ بِهِ فَلَا تَقْرَأْ
خَلْفَهُ سَمِعْتَ قِرَائَتَهُ اَوْ لَمْ تَسْمَعْ اِلَّا اَنْ تَکُونَ صَلٰوةً یُجْهَرُ فِیهَا بِالْقِرَاءَةِ فَلَمْ تَسْمَعْ فَاقْرَأْ و باسانید صحیحه
منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هرکاه نماز کنی در عقب امامی که اقتدا باو
کنی بانکه سنی و فاسق نباشد قرائت مکن در عقب او خواه قراءتش را شنوی بانکه جهریه باشد یا نشنوی که
اخفاتیه باشد مکر انکه جهریه باشد و قراءتش را هیچ نشنوی که درین صورت قرائت بکن و در موثق کالصحیح

و امر بخاموشی در اخفاتیه

از یونس منقولست که کفت از انحضرت صلوات الله علیه سؤال کردم از نماز در عقب عادل حضرت فرمودند که هر
امامی را که ازو راضی باشی یعنی بد مذهب و فاسق نباشد در عقبیا و قرائت مکن و ممکن است که عبارت سمعت
قرائته را حمل کنیم که خوب نشنوی یا خوب نشنوی بلکه همهمه شنوی تا استثنا صورت داشته باشد
چنانکه کذشت و در موثق از سماعه منقولست که کفت از انحضرت سؤال کردم از شخصی که امامت کند و مردمان
صدای او را شنوند و نفهمند که چه میکوید حضرت فرمودند که اکر صدا شنوند بخوانند بجز نیست و اکر صدا نشنود
قرائت بکند وَفِي رِوَايَةِ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْهُ ص أَنَّهُ قَالَ إِنْ سَمِعَ الْهَمْهَمَةَ فَلَا يَقْرَأْ و کالصحیح منقولست
از عبید که انحضرت صلوات الله علیه فرمودند که اکر همهمه را شنود قرائت نکند یا نمی کند و در حسن کالصحیح
نیز کذشت و در موثق سماعه بیان معنی همهمه کذشت که صدا شنود و تمییز نکند که چه میخواند چنانکه
در لغت نیز باین معنی آمده است وَرَوَى زُرَارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ لَا تَقْرَأَنَّ
فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ مِنَ الْأَرْبَعِ الرَّكَعَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ شَيْئاً إِمَاماً كُنْتَ أَوْ غَيْرَ إِمَامٍ قَالَ قُلْتُ
فَمَا أَقُولُ فِيهِمَا فَقَالَ إِنْ كُنْتَ إِمَاماً أَوْ وَحْدَكَ فَقُلْ سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ
ثَلَاثَ مَرَّاتٍ تُكْمِلُهُ تِسْعَ تَسْبِيحَاتٍ ثُمَّ تُكَبِّرُ وَتَرْكَعُ و باسانید صحیحه منقولست از زراره که حضرت امام محمد
باقر صلوات الله علیه فرمودند که قرائت مکن در دو رکعت آخر نمازهای چهار رکعتی واجب مطلقا خواه
امام باشی یا ماموم یا منفرد عرض نمودم که چه چیز بخوانم حضرت فرمودند که خواه امام باشی و خواه تنها نماز
کذاری سه مرتبه میکویی سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ کَه نه تسبیح تمام شود پس تکبیر رکوع میکویی و الا الله ح
برکوع میروی این خبر مستند جمعی است که نه تسبیح قایلند و دور نیست که جمعی که ده تسبیح قایلند نیز چنین
توهم کرده باشند چون در آخرش هست که تکبیر میکویی اما بسیار بعید است و ممکنست که جمع کرده باشند
میان روایت چهار و نه و حدیث دوازده خبر نیست که از حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقولست در
سفر خراسان بروایت رجا که کذشت که تسبیحات اربع را انحضرت سه مرتبه میخواندند و در صحیح علی الظاهر
از زراره منقولست که کفت عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که چه چیز مجزیست از تسبیح
در دو رکعت آخر حضرت فرمودند که مجزیست که بکویی سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ

وتکبیر

وتکبیر رکوع بکویی و برکوع روی و در صحیح از عبید منقولست که کفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه از دو رکعت آخر ظهر حضرت فرمودند که تسبیح میکویی و حمد الهی میکنی و از کناهان استغفار
میکنی و اکر خواهی فاتحه میخوانی که آن حمد است و دعا و ظاهرش آنست که همین کافی باشد که سُبْحَانَ اللهِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَأَسْتَغْفِرُ اللهَ ولیکن جمع میان دو حدیث کرده اند که تسبیحات اربع را میکوید با استغفر الله
و شیخ تستری رحمه الله ضم میکرد اللَّهُمَّ اغْفِرْ ذَنْبِي أَسْتَغْفِرُ اللهَ را احتیاطا چون محتملست که مراد حضرت
عبارت اول باشد یا ثانی و در صحیح حلبی از انحضرت ع منقولست که فرمودند که هرکاه بایستی در دو رکعتی
که فاتحه نمیخوانی یعنی فاتحه دران واجب نیست که آن دو رکعت آخر است بکو الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللهِ وَاللهُ أَكْبَرُ
و در صحیح از انحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که هرکاه امام باشی دو دو رکعت آخر الحمد بخوان
و اکر منفرد باشی میخواهی الحمد بخوان و میخواهی الحمد مخوان یعنی تسبیح بخوان و در صحیح منقولست که حضرت امیر المومنین
ع در دو رکعت اول نماز ظهر و عصر قرائت آهسته میکردند و دو رکعت آخر را تسبیح میخواندند بخوی نماز خفتن
یعنی تسبیح را بلند میخواندند و کالصحیح از انحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که هرکاه امام باشی
می باید که در دو رکعت اول قرائت کنی و ماموم مان تسبیحات اربع بخوانند یعنی در اخفاتیه ~~و در دو رکعت~~ آخر
~~تسبیحات اربع بخوانند یعنی در اخفاتیه~~ و در دو رکعت آخر تسبیحات اربع بخوان و ماموم مان الحمد بخوانند
و در حسن کالصحیح از جمیل منقولست که کفت از انحضرت ع سؤال کردم از قرائت امام در دو رکعت آخر حضرت
صلوات الله علیه فرمودند که امام الحمد میخواند و ماموم نمیخواند و منفرد الحمد میخواند یعنی میتواند خواند و کالصحیح
منقولست از انحضرت صلوات الله علیه که علی بن حنظله سؤال کرد از انحضرت از دو رکعت آخر که دران چه چیز
بخوانم حضرت فرمودند که اکر میخواهی الحمد بخوان و اکر میخواهی ذکر حق سبحانه و تعالی بکن که هر دو مساوی اند
و کالصحیح از محمد بن حکیم منقولست که کفت سؤال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله که در دو رکعت
آخر حمد بهتر است یا تسبیح فرمودند که حمد بهتر است و بعضی از اخبار کذشت و بعضی دیکر خواهد آمد و انچه
ظاهر میشود از جمع بین الاخبار آنست که منفرد را غالبا تسبیح اولی است و امام را غالبا حمد اولی است و بحسب
احوال هر دو مختلف میشود دور نیست که اکر از حال خود یابد که حضور قلب و ربط او بجناب اقدس الهی

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی ... اهدائی ...

بیکی بیشتر یا بعد آن بهتر باشد چنانکه از حدیث معراج ظاهر شد و چون تسبیح خواند ظاهر اطلاق
ذکر کافی باشد و بهر یک از این اخبار صحیحه که عمل کند خوب باشد و اگر تسبیحات اربع را با استغفار
خواند بهتر باشد و اگر ده تسبیح بخواند با استغفار بهتر باشد و دوازده تسبیح که سه تسبیح اربع
باشد با استغفار اکمل خواهد بود و بعضی گفته‌اند که پنج مرتبه بهتر است و بعد از آن هفت مرتبه و دور
نیست که بهتر باشد ولیکن احوط سه مرتبه با استغفار است تا عمل بهمه اخبار کرده باشد والله تعالی یعلم
وَرَوَى وُهَيْبُ بْنُ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ قَالَ أَدْنَى مَا يُجْزِي مِنَ الْقَوْلِ
فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ أَنْ تَقُولَ سُبْحَانَ اللّٰهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ و مرویست در موثق از آنحضرت
صلوات الله علیه که فرمودند که کمترین چیزی که مجزیست از ذکر در دو رکعت آخر آنست که سه تسبیح بگویند
و ظاهر میشود که هر چند بیشتر باشد بهتر است و اگر سه تسبیح کبیر بگوید عمل باین حدیث کرده خواهد بود
وَفِي رِوَايَةِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ قَالَ وَإِنْ كُنْتَ خَلْفَ إِمَامٍ فَلَا تَقْرَأَنَّ شَيْئاً فِي الْأُولَيَيْنِ
وَأَنْصِتْ لِقِرَاءَتِهِ وَلَا تَقْرَأَنَّ شَيْئاً فِي الْأَخِيرَتَيْنِ فَإِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ يَعْنِي فِي — للمؤمنین صح
الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَالْأُخْرَيَانِ تَبَعٌ لِلْأُولَيَيْنِ و در بعضی
از نسخ وَالْأَخِيرَتَانِ تَبَعاً لِلْأُولَتَيْنِ است و باسانید صحیحه منقولست از زراره از حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه که فرمودند که هرگاه در عقب امام باشی پس زنهار که در دو رکعت اول قرائت مکن چیزی از
حمد و سوره را و گوش ده یا امام آنچه را میخواند و در دو رکعت آخر قرائت مکن بدرستی که خداوند عز و جلیل
میفرماید که هرگاه خوانده شود قرآن و مراد الهی آنست که هرگاه در نماز واجب در عقب امام باشی و امام قرائت
کند پس گوش دهید قرائت امام را و خاموش باشید تا شاید که حق سبحانه و تعالی بر شما رحمت کند و دو
رکعت آخر تابع دو رکعت اولست و بنا بر نسخه و دو رکعت آخر نیز چنین است بتبعیت دو رکعت اول و ظاهر
این حدیث آنست که آیه درین باب وارد است و مطلق شنیدن قرآن واجب نیست و مؤید اینست آنچه شیخ
ره روایت کرده است در قوی که سؤال کردند از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از قراءت در عقب
امام حضرت فرمودند که هرگاه در عقب امامی باشی که او دوست داری یعنی شیعه باشد و اعتماد دیا و داشته باشی

یعنی

یعنی عادل باشد یا فسق او ظاهر نباشد بدرستی که قرائت او کافیست از قرائت تو و اگر خواهی قرائت میتوانی
کرد در اخفاتیه و چون نماز جهریه باشد خاموش باش و گوش ده چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است
که گوش دهید تا مرحوم شوید شخصی عرض نمود که اگر امام کسی باشد که اعتماد دیا و نداشته باشم با آنکه بمذهب
یا فاسق باشد آیا اقتدا باو کنم و قرائت کنم حضرت فرمودند که پیشتر از و نماز بگذار یا بعد از و راوی گفت
که در عقب چنین امامی اعاده نماز سابق میتوانم کرد حضرت فرمودند که اگر اعاده توانکرد اصل را اگر واجبست نیز
میتوانکرد ولیکن از جهت خود نماز نافله بکن و با او همراهی کن از روی تقیه اما آنچه مرویست در صحیح از معویه
بن وهب که گفت از آنحضرت صلوات الله علیه سؤال کردم از شخصی که سنی باشد و پیش نمازی کند در نماز
جهریه حضرت فرمودند که چون شنوی که کتاب الهی خوانده میشود گوش ده و بشنو عرض نمودم که امام
مزبور مرا کافر میداند چون شیعه‌ام در عقب چنین کس چون قرائت نکنم فرمودند که اگر او عصیان الهی کند
تو اطاعت کن حق سبحانه و تعالی را مکرر عرض نمودم و رخصت ندادند که قرائت کنم عرض نمودم که هرگاه امام سنی
باشد در خانه خود نماز کنم و بیرون آیم و با او صورت نماز را بفعل آورم فرمودند که تو میدانی میخواهی چنین
کن و حضرت فرمودند که روزی حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه نماز صبح میکردند و ابن کوا لعنه الله در
عقب آنحضرت بود این آیه را خواند از روی کنایه بآنحضرت که حق سبحانه و تعالی فرموده است که وَلَقَدْ أُوحِيَ
إِلَيْكَ الخ یعنی بتحقیق یا بذات خودم قسم یاد میکنم که وحی بتو رسیده است و به پیغمبران سابق و غیر ایشان که
اگر شرک بیاوری هر آینه عمل تو باطل میشود والبته از زیانکاران خواهی بود پس آنحضرت صلوات الله علیه
خاموش شدند از جهت تعظیم قرآن تا آن ملعون فارغ شد از آیه حضرت شروع در قرائت کردند آن ملعون
بازان ملعون همان آیه را خواند صح — باز همان آیه را خواند و حضرت خاموش شدند دیگر حضرت ص شروع در قراءت کردند و حضرت گوش دادند
و بعد از آن تهدید آن ملعون فرمودند بخواندن این آیه که فاصبر الخ یعنی صبر کن که وعده حق سبحانه و تعالی
حقست و ترا از جا در نیابند جماعتی که یقین بآخرت ندارند پس حضرت سوره را تمام کردند و برکوع
رفتند و ظاهر شد که آیه عام است و گوش می باید داد شنیدن قرآن را هر که خواند با آنکه آن ملعون بسبب
ایذای آنحضرت می خواند چون سر خوارج است و اعتقاد شومش این بود که چون حضرت بحکمین راضی شدند

واین رضا بصغیره بود و هر صغیره کفر است (میدانست) وآیه راکنایه میخواند معهذا حضرت سه مرتبه گوش دادند
وترک قرائت فرمودند تا آخر آن آیه را خواندند که حق سبحانه وتعالی تسلی حضرت سید المرسلین صلی الله
علیه وآله فرموده اند در ایذای کفار قریش که صبر کن که وعده الهی حق است در کشته شدن صنادید قریش
بدست تو وچنان شد حضرت نیز خواندند ومرادش این بود که بحسب وعده الهی تو وسایر خوارج بردست
من کشته خواهید شد وچنان شد که همه بدست آنحضرت بجهنم رفتند پس حمل میتوان کرد حدیث
زراره وغیر آنرا برانکه وجوب استماع مخصوص قرائت امامست واستماع حضرت امیر صلوات الله علیه از
روی استحباب باشد چنانکه ظاهر لفظ تعظیم قرآن نیز بر آن دلالت دارد والله تعالی یعلم واحوط آنست
که در جایی نماز نکنند که قرآنرا بلند خوانند یا جمعی باهم نماز کنند منفرد وَرَوَی بَكْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيُّ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ إِنِّي لَأَكْرَهُ لِلْمَرْءِ أَنْ يُصَلِّيَ خَلْفَ الْإِمَامِ صَلَوٰةً لَا يَجْهَرُ فِيهَا
بِالْقِرَاءَةِ فَيَقُومُ كَأَنَّهُ حِمَارٌ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَيَصْنَعُ مَاذَا قَالَ يُسَبِّحُ وبروایات صحیحه وحسنه
منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که مرا خوش نمی آید که شخصی ودر تهذیب للمؤمن
یا مؤمنی نماز کند در عقب امام نمازی را ودر تهذیب فی صلوة در نمازی که بلند نخوانند قرائت آنرا یعنی در نمازهای
اخفاتیه وخاموش ایستاده باشد چنانکه خر خاموش می ایستد گفتم فدای تو کردم پس چکند حضرت فرمودند که
تسبیح بگوید بر سبیل استحباب وگذشت که تسبیحات اربع را بگوید وظاهر این خبر سبحان الله است وممکن
است که مراد مطلق ذکر باشد چنانکه گذشت اگرچه سبحان الله بهتر است وَرَوَی عُمَرُ بْنُ أُذَيْنَةَ عَنْ
زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ إِذَا أَدْرَكَ الرَّجُلُ بَعْضَ الصَّلَوٰةِ وَفَاتَهُ بَعْضٌ خَلْفَ إِمَامٍ يَحْتَسِبُ
بِالصَّلَوٰةِ خَلْفَهُ جَعَلَ مَا أَدْرَكَ أَوَّلَ صَلَوٰتِهِ إِنْ أَدْرَكَ مِنَ الظُّهْرِ أَوِ الْعَصْرِ أَوِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ رَكْعَتَيْنِ
وَفَاتَتْهُ رَكْعَتَانِ قَرَأَ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ مِمَّا أَدْرَكَ خَلْفَ الْإِمَامِ فِي نَفْسِهِ بِأُمِّ الْكِتَابِ فَإِذَا سَلَّمَ الْإِمَامُ
قَامَ فَصَلَّى الْأُخْرَيَيْنِ لَا يَقْرَأُ فِيهِمَا إِنَّمَا هُوَ تَسْبِيحٌ وَتَهْلِيلٌ وَدُعَاءٌ لَيْسَ فِيهِمَا قِرَاءَةٌ وَإِنْ أَدْرَكَ
رَكْعَةً قَرَأَ فِيهَا خَلْفَ الْإِمَامِ فَإِذَا سَلَّمَ الْإِمَامُ قَامَ فَقَرَأَ أُمَّ الْكِتَابِ ثُمَّ قَعَدَ فَتَشَهَّدَ ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى
رَكْعَتَيْنِ لَيْسَ فِيهِمَا قِرَاءَةٌ وباسانید صحیحه منقولست از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند

که هرگاه ماموم دریابد امام را در وقتی که امام بعضی از نماز را کرده باشد وامام عادل باشد که اعتماد
بنماز او توان کرد آنچه را دریابد اول نماز خود حساب میکند پس اگر دو رکعت نماز ظهر یا عصر یا
عشا را دریابد وفوت شده باشد از ماموم دو رکعت بانکه بعد از دو رکعت رسیده باشد پس در آن دو
رکعتی که دریافته است الحمد را میخواند در خاطر خود وچون امام سلام میدهد ماموم برمیخیزد ودو
رکعت دیگر را میکند که در آنجا قرائت نمیخواند بلکه تسبیح وتهلیل ودعا میخواند ودر آن دو رکعت قرائت نیست
واگر یکرکعت را با امام دریابد در آن رکعت قرائت میکند در عقب امام پس چون امام سلام میدهد برمیخیزد
وفاتحه را میخواند پس می نشیند وتشهد میخواند پس برمیخیزد ودو رکعتی را بجای آورد که در آن دو رکعت قرائت
نیست وهمین روایت را شیخ طاب ثراه در تهذیب واستبصار روایت کرده است که چون دو رکعت آخر را
با امام دریابد در خاطر خود میخواند الحمد وسوره را پس اگر نتواند سوره را خواندن الحمد تنها کافیست وچون امام
سلام میدهد برمیخیزد ودو رکعت نمازی را بجای آورد که در آن قراءت نیست زیرا که قراءت در دو رکعت
اول نماز است در هر رکعتی الحمد وسوره ودر دو رکعت الحمد آخر قراءت نیست بلکه تسبیح وتکبیر وتهلیل و
دعاست ودر آن قراءت نیست الخ ومخالفت نسخه شیخ با نسخه فقیه در دو چیز است یکی در سوره با حمد
ودویم در تکبیر که در فقیه نیست ودعا ممکنست که مراد الحمد بسباشد چنانکه در حدیث نبوی صلی الله علیه وآله
وارد است که بهترین دعاها حمد الهی است ومعروفست که هرگاه مدح مخلوقی کنند هرچند مطلوب را ذکر نکنند
ممدوح میداند که احسان می باید کرد خالق کم از مخلوق نیست ودرینصورت موافق است با حدیث سابق که
از زراره گذشت که اقل تسبیح تسبیحات اربع است وممکنست که مراد از دعا استغفار باشد چنانکه در حدیث
سکونی از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله منقولست که فرمودند که بهترین دعاها استغفار است و
درینصورت موافق است با حدیث صحیح عبید بن زراره در ضم استغفار وشیخ بهاء الدین محمد رحمه الله تعالی
قایل بود بوجوب ضم استغفار واین حدیث را موید میدانست ولیکن صریح نیست اگرچه این احتمال اظهر است
بحسب لغت وآنچه ظاهر این حدیث است که در دو رکعت آخر قرائت نیست بلکه تسبیح است محمولست بر آنکه قرائت
واجب نیست تا جمع شود میان اخبار ومؤید این خبر اخبار صحیحه وارد است که خواهد آمد وَرَوَی عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ

علی الحلبی عن زرارة عن ابی عبدالله صلوات الله علیه قال سألته عن رجل یکون خلف الامام فیطیل
الامام التشهد قال یسلم ویمضی لحاجته ان احب وباسانید صحیحه منقولست از زراره که گفت سؤال
کردم از حضرت امام جعفر صادق ودر بعضی از نسخ از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیهما از شخصی که اقتدا
کرده باشد بامامی وامام تشهد آخر را طول دهد حضرت فرمودند که اگر خواهد سلام میدهد وبحاجت
خود میرود واشعاری دارد بانکه کاری دارد ودرینصورت مفارقت با قصد انفراد جایزاست بی دغدغه و
بهمین مضمونست صحیحه حلبی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه ومنقولست در صحیح از علی بن جعفر
که گفت سؤال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از شخصی که در عقب امام باشد واو تشهد را
طول دهد ومأموم را بول گرفته باشد یا ترسد که چیزی از و فوت شود یا عارض شود اورا وجعی چکند حضرت
فرمودند که سلام میدهد ودر پی کار خود میرود ودر صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست
در شخصی که در عقب امام باشد وپیش از امام سلام دهد حضرت ع فرمودند که باکی نیست واین حدیث دلالت
میکند که مطلقا جایزاست مفارقت ولیکن اولی آنست که بی عذری مفارقت نکند وسأله اسحق بن عمار قال
له ادخل المسجد وقد رکع الامام فارکع برکوعه وانا وحدی واسجد فاذا رفعت راسی فای شیء اصنع
قال قم فاذهب الیهم فان کانوا قیاما فقم معهم وان کانوا جلوسا فاجلس معهم ودر موثق کالصحیح منقولست
از اسحق که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که گاه هست که داخل مسجد میشوم وامام
برکوع رفته است من نیز برکوع میروم وتنها ام وبسجود میروم چون سجدها را بجا آورم چکنم حضرت فرمودند
که برخیز وخود را بصف رسان اگر ایستاده اند با ایشان بایست واگر نشسته اند از جهت تشهد با ایشان
بنشین ومحتملست که در عقب شیعه باشد یا سنی یا اعم وحکم متحد است چنانکه گذشت در ضمن اخبار صحیحه
وسأله سماعة عن الرجل یأتی المسجد وقد صلی اهله یبدأ بالمکتوبة او یتطوع فقال ان کان فی وقت
حسن فلا بأس بالتطوع قبل الفریضة وان کان خاف خروج الوقت اخره ولیبدأ بالفریضة فهو حق
الله عز وجل ثم لیتطوع ما شاء ودر موثق از سماعه منقولست که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه از شخصی که داخل مسجد شود واهل مسجد نماز کرده باشند آیا ابتدا بنماز واجب میکند یا نافله

را بجا می آورد پیش از فریضه ظهر وعصر حضرت فرمودند که اگر در وقتی باشد که وقت نافله بیرون نرفته
باشد مثل دو قدم در نافله ظهر وچهار قدم در نافله عصر باکی نیست که نافله را قبل از فریضه بجا آورد واگر ترسد
که وقت فضیلت نمازها بیرون رود نافله را تاخیر کند وابتدا بفریضه کند که آن حق واجب حق سبحانه وتعالی است
برینه وبعد از ان نافله را بجا آورد هر مقداری که خواهد وظاهرا نیت ادا وقضا نباید کرد چنانکه اخبار دیگر گذشت
واین حدیث مناسبتی باین باب نداشت وروی محمد بن مسلم عن احدهما صلوات الله علیهما فی الرجل یدخل
المسجد فیخاف ان تفوته الرکعة قال یرکع قبل ان یبلغ الی القوم ویمشی وهو راکع حتی یبلغهم و
کالصحیح منقولست از حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما در شخصی که داخل مسجد
شود وامام در رکوع باشد وترسد که سر از رکوع بردارد وثواب جماعت آن رکعت یا مطلقا اگر در رکعت آخر
باشد از و فوت شود حضرت فرمودند که اقتدا میکند وتکبیر احرام میگوید وبرکوع میرود پیش از آنکه با ایشان
رسد ودر رکوع راه میرود تا با ایشان رسد واخبار دیگر گذشت وروی ابراهیم بن میمون عن الصادق صلوات
الله علیه فی الرجل یؤم النساء لیس معهن رجل فی الفریضة قال نعم وان کان معه صبی فلیقم الی جانبه
وکالصحیح منقولست از آنحضرت صلوات الله علیه در مردی که امامت زنان کند که با ایشان مردی نباشد در نماز
واجب آیا جایزاست حضرت فرمودند که بلی واگر نابالغی باشد امام اورا در دست راست خود باز میدارد وبرین
مضمون احادیث صحیحه وارد شده است که مرد امامت زنان می تواند کرد ودرین خلافی نیست ودر موثق کالصحیح
از فضیل منقولست که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که من پیشنمازی زنم میکنم
حضرت فرمودند که خوبست ودر دست راست تو بایستد پست تر از تو که سجود او برابر پاهای تو باشد ودر
حدیث دیگر وارد است که اگر اطفال باشند ایشان بیشتر از زنان می ایستند وزنان در عقب ایشان می ایستند
اگرچه بندگان باشند ودر حدیث دیگر وارد است که اگر یک زن باشد پشت سر می ایستد وحمل بر تخییر
میتوان کرد وحمل بر حدیث فضیل نیز میتوان کرد که در پشت سر باشد در دست راست واحوط آنست که تمام بدن
زن عقب تمام بدن مرد باشد وروی عنه ع عمار الساباطی انه سئل عن الرجل یؤذن ویقیم لیصلی
وحده فیجیء رجل آخر فیقول له نصلی جماعة هل یجوز ان یصلیا بذلک الاذان والاقامة قال لا ولکن

يُؤَذِّنُ وَيُقِيمُ ومرويست در موثق از عمار كه كفت سؤال كردند از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه
از مودی كه اذان واقامه بكويد كه تنها نماز كند پس مردی ديكر بيايد وباو بكويد كه نماز جماعت ميكنيم ايا جايز
است كه بهمان اذان واقامه نماز جماعت بكنند حضرت فرمودند كه نه وليكن اذان واقامه ديكر ميكويند وبآن
نماز جماعت ميكنند واكثر اصحاب باين خبر عمل نموده اند ومنافات ندارد باين حديث حديث قوی ابو مريم
كه كفت حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه پيشنمازی ما كردند وپيراهنی پوشيده بودند نه لنك بسته
بودند ونه ردا بر دوش انداخته بودند واذان واقامه نكفتند پس چون حضرت از نماز فارغ شدند عرض نمودم
كه حق سبحانه وتعالی شما را عافيت دهاد شما امامت فرموديد بی لنك وبی ردا وبی اذان وبی اقامه چه وجه داشت
حضرت فرمودند كه پيراهنم كنده بود مجزی بود مرا بی لنك وردا وكذشتم بجعفر واو اذان واقامه ميكفت من
سخن نكردم وباذان واقامه او اكتفا كردم وعدم منافات ازانجهتست كه ممكنست كه حضرت صادق صلوات الله
عليه اذان واقامه ازجهت نماز جماعت كفته باشند چنانكه داب ايشان بود كه منفرد نماز نميكردند واكر جماعت
نميبود البته بنماز حضرت حاضر ميشدند باانكه ممكنست كه ازجهت بيان جواز چنين كرده باشند چنانكه ترك
ردا كردند ازانجهت والله تعالی يعلم وَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ يَقُولُ لَا بَأْسَ أَنْ يُؤَذِّنَ الْغُلَامُ
قَبْلَ أَنْ يَحْتَلِمَ وَلَا يَؤُمَّ حَتَّى يَحْتَلِمَ فَإِنْ أَمَّ جَازَتْ صَلَاتُهُ وَفَسَدَتْ صَلَاةُ مَنْ يُصَلِّي خَلْفَهُ ودر موثق
كالصحيح از اسحق بن عمار منقولست از حضرت امام جعفر صادق از پدرش صلوات الله عليهما كه فرمودند كه حضرت
امير المؤمنين صلوات الله عليه ميفرمودند كه باكی نيست كه پسر قريب ببلوغ پيش از انكه محتلم شود وبالغ شود
اذان بكويد وليكن امامت نميتواند كرد تا بالغ نشود پس اكر قبل از بلوغ امامت كند نماز او جايز است ونماز
ماموين باطل است ودر دو حديث موثق از حضرت امير المؤمنين وحضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليهما
منقولست كه فرمودند كه باكی نيست كه امامت كند واذان بكويد پسری كه محتلم نشده باشد وشيخ حمل كرده است
برانكه بلوغش بچيزی ديكر شده باشد از انبات يا سن يا كمال العقل وجمعی حمل كرده اند بر امامت اطفال واين بعيد
نيست والله تعالی يعلم وَسَأَلَ عَمَّارٌ السَّابَاطِيُّ أَبَا عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ عَنْ رَجُلٍ أَدْرَكَ الْإِمَامَ بِرَكْعَةٍ
فَيُكَبِّرُ فَيَعْتَلُّ الْإِمَامُ فَيَأْخُذُ بِيَدِهِ وَيَكُونُ أَدْنَى الْقَوْمِ إِلَيْهِ فَيُقَدِّمُهُ فَقَالَ يُتِمُّ بِهِمُ الصَّلَاةَ ثُمَّ يَجْلِسُ حَتَّى

حِينَ يُسَلِّمُ قَالَ عَلَيْهِ أَنْ يُؤَذِّنَ
وَيُقِيمَ وَيَفْتَتِحَ الصَّلَاةَ وَسَأَلَهُ
عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي الْمَسْجِدَ وَهُمْ فِي
الصَّلَاةِ وَقَدْ سَبَقَهُ الْإِمَامُ

إِذَا فَرَغُوا مِنَ التَّشَهُّدِ أَوْمَأَ بِيَدِهِ عَنِ الْيَمِينِ وَالشِّمَالِ وَكَانَ ذَلِكَ الَّذِي يُومِي بِيَدِهِ التَّسْلِيمَ وَانْقِضَاءَ
صَلَاتِهِمْ وَأَتَمَّ هُوَ مَا كَانَ فَاتَهُ ودر موثق منقولست از عمار كه كفت سؤال كردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله عليه از شخصی كه دريابد امام را در وقت سلام حضرت فرمودند كه بروست كه اذان واقامه بكويد ونماز را بجا
آورد وازانحضرت سؤال كردم يا كردند از شخصی كه داخل مسجد شود ومردمان در نماز جماعت باشند وامام يكركعت
نماز كرده باشد وماموم تكبير بكويد پس امام را علتی بهم رسد بانكه مرضی حادث شود يا حدثی پس امام دست اين ماموم
مسبوق را بكيرد چون نزديكترين مردم باشد باو واو را بجای خود بدارد حضرت فرمودند كه او بامامت ايشان نماز
را تمام ميكند پس می نشيند ازجهت ماموين تا فارغ شوند از تشهد پس ايما ميكند بدست خود از دست راست ودست چپ
وايما اشاره است بانكه شما سلام دهيد يا اشاره است بانكه نماز شما تمام شده است تا ايشان سلام دهند وامام مسبوق
برخيزد ويكركعتی كه مانده است منفردا تمام كند اما سؤال اول وجواب انحضرت صلوات الله عليه كه اذان واقامه ميكويد باانكه هنوز
صفوف متفرق نشده باشند محمولست بر استحباب زيرا كه احاديث معتبره كه وارد شده است كه اكر صفوف متفرق نشده
باشد اكتفا باذان ايشان ميتواند كرد وكذشت در باب اذان واما سؤال دويم ظاهرش آنست كه سؤال عمار باشد خصوصا
بر نسخه معلوم اما بر نسخه مجهول نيز اظهر آنست كه از عمار باشد وليكن شيخان در صحيح علی الظاهر از معويه بن عمار قريب
باين عبارت را روايت كرده اند با اختلاف قليلی در لفظ وعلی ای حال صحيح است ومعمول بر ودلالت ميكند بر جواز
امامت مسبوق اكرچه اولی آنست كه اكر امام را مانعی بهم رسد نايب نكند مكر كسی را كه ادراك اقامت آن نماز كرده
باشد ومكروهست كه نايب سازد مسبوق را چنانكه در صحيح از سليمن بن خالد از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
عليه وارد است كه فرمودند كه نايب نكند كسی را كه مسبوق باشد بيكركعت ودر قوی از انحضرت صلوات الله عليه منقولست
كه فرمودند كه سزاوار نيست كه مقدم دارند مكر كسی را كه ادراك اقامت كرده باشد وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ سَهْلٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ
سَأَلْتُ الرِّضَا صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ عَمَّنْ رَكَعَ مَعَ إِمَامٍ قَوْمٍ يَقْتَدِي بِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ الْإِمَامِ قَالَ يُعِيدُ رُكُوعَهُ مَعَهُ
ودر حسن منقولست از سهل بن اليسع ثقه كه كفت سؤال كردم از حضرت امام رضا صلوات الله عليه از كسی كه بركوع رود با امام
قومی كه اقتدا بآن توان كرد بانكه شيعه عادل باشد پس سر بردارد پيش از امام حضرت فرمودند كه مرتبه ديكر بركوع ميرود
تا با امام سر بردارد وبهمين مضمونست صحيحه علی بن يقطين از حضرت امام موسی كاظم صلوات الله عليه وحمل كرده اند هردو

بر عدم تأكد مستحبات

وخواهد آمد [illegible]

خبر را بر صورت نسیان چون در موثق کالصحیح منقولست از غیاث که گفت سؤال کردند از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه از کسی که پیش از امام سر بردارد آیا برکوع میرود اگر امام دیر سر بردارد حضرت فرمودند که نه و ممکنست که
دو خبر اول را حمل بر استحباب کنیم و این خبر را بر نفی وجوب و علی ای حال دلالت میکند بر انکه زیادتی رکوع سهوا در نماز
جماعت سبب بطلان صلوة نیست و همچنین است اگر از روی نسیان پیش از امام برکوع رود سر بر میدارد و با امام برکوع
میرود چنانکه در موثق کالصحیح از ابن فضال منقولست که گفت نوشتم بخدمت حضرت امام رضا صلوات الله علیه در شخصی
که در عقب امام عادل باشد و پیش از امام برکوع رود بگمان انکه امام برکوع رفته است پس چون دید امام برکوع نرفته است
سر برداشت و با امام برکوع رفت آیا این تکرار رکوع نمازش را فاسد میکند حضرت نوشتند که نماز خود را تمام میکند
و تکرار رکوع سبب فساد نمازش نمیشود وَسَأَلَ الْفُضَيْلُ بْنُ يَسَارٍ اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ عَنْ رَجُلٍ صَلّٰى مَعَ
اِمَامٍ يَأْتَمُّ بِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ قَبْلَ اَنْ يَرْفَعَ الْاِمَامُ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ قَالَ فَلْيَسْجُدْ و در حسن کالصحیح او
و شیخ نیز در قوی کالصحیح بل فی الصحیح از فضیل و ربعی روایت کرده است که گفتند سؤال کردیم از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه از شخصی که نماز کند با امام عادل و سر از سجود بردارد پیش از انکه امام سر از سجود بردارد حضرت فرمودند
که باید که بسجود رود و در حدیث موثق نیز وارد است از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه بهمین مضمون و عمل اصحاب
برینست وَرُوِيَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ اَنَّهُ سَمِعَ مَنْ يَسْأَلُ الرِّضَا صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ عَنْ رَجُلٍ صَلّٰى اِلٰى جَانِبِ رَجُلٍ فَقَامَ
عَنْ يَسَارِهِ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ يَصْنَعُ اِذَا عَلِمَ وَهُوَ فِي الصَّلٰوةِ قَالَ يُحَوِّلُهُ اِلٰى يَمِينِهِ روایت کرده است کلینی در صحیح و شیخ در
قوی از حسین ثقه پسر بشار و در بعضی از نسخ یسار و هر دو یکی اند خلاف در نام پدر اوست که گفت شنیدم که شخصی از حضرت
امام رضا صلوات الله علیه سؤال میکرد از شخصی که نماز کرد در جانب شخصی و از جانب چپ امام ایستاد و امام نمیدانست تا انکه
دانست که با او اقتدا کرده است چکند و حال انکه در نماز است و سخن نمیتواند کرد حضرت فرمودند که او را بگشانند بجانب دست
راست و در روایات وارد است از طرق عامه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله عبد الله بن عباس را از پشت سر کشیدند
بجانب راست چون عبد الله بر دست چپ آنحضرت ایستاده بود و صحیحه محمد بن مسلم نیز گذشت که اگر ماموم یکی باشد
در دست راست می ایستد و اگر زیاده از یکی باشد پشت سر می ایستد و این بر سبیل استحبابست علی المشهور و روایات
دیگر نیز وارد شده است برین مضمون و احوط آنست که ترک نکنند این معنی را وَقَالَ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ كُنَّ
كَانَ

النِّسَاءُ يُصَلِّينَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكُنَّ يُؤْمَرْنَ اَنْ لَا يَرْفَعْنَ رُؤُسَهُنَّ قَبْلَ الرِّجَالِ لِضِيقِ الْاُزُرِ
صدوق بسند حسن کالصحیح از قداح روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق از پدرش صلوات الله علیهما از آن
حضرت صلوات الله علیه که زنان با حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله نماز میکردند حضرت فرمودند که زنان پیشتر
از مردان سر از سجده برندارند چون چادرهای زنان تنگ بود و اگر ایشان پیشتر سر بر میداشتند مردان ایشان را میدیدند روی گر
تا انکه جمعی بقصد دیدن ایشان در صف پیش از صف زنان می ایستادند و جمعی بسبب تقوی پیشتر می ایستادند که
مبادا نظر ایشان بر روی زنان افتد تا انکه حق سبحانه و تعالی این آیه را فرستاد که وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ
وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ یعنی بتحقیق که ما میدانیم نیات جمعی را که پیش میروند از روی تقوی و میدانیم نیات فاسده
جمعی را که پس می ایستند پس حضرت فرمودند که زنان اندکی صبر کنند که مردان سر بردارند بعد از ان زنان سر بردارند
و عبارت علل لِضِيقِ اُزُرِهِنَّ است احتمال خلاف این معنی ندارد و عبارت فقیه احتمال این دارد که لنگهای مردان
تنگ بود و اگر زنان سر بر میداشتند پیشتر نظر ایشان بعورت مردان می افتاد چون اکثر زیر جامه پا نمیکنند در
بلاد عرب و معنی اول اظهر است و احتمال دارد که این حدیث دیگر باشد چون فی الجمله اختلاف لفظی با آن حدیث دارد
و لیکن اظهر اینست که این تغییرات از صدوق شده باشد و نقل بالمعنی کرده باشد یا از نساخ شده باشد وَسَأَلَ هِشَامُ
بْنُ سَالِمٍ اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ عَنِ الْمَرْاَةِ هَلْ تَؤُمُّ النِّسَاءَ قَالَ تَؤُمُّهُنَّ فِي النَّافِلَةِ فَاَمَّا فِي الْمَكْتُوبَةِ فَلَا
وَلَا تَتَقَدَّمُهُنَّ وَلٰكِنْ تَقُومُ وَسَطَهُنَّ و باسانید صحیحه منقولست از هشام که گفت از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه سؤال کردم از زن که آیا امامت زنان میتواند کرد حضرت فرمودند که امامت زنان میتواند کرد یا میکند
در نماز نافله و اما در نماز واجب امامت نمیکند و در نماز سنت که میکند پیشتر از زنان نمی ایستد بلکه در میان ایشان
می ایستد و ظاهر مراد از نافله نماز عیدین است و نماز استسقا و نمازی را که منفرد کرده باشند و اعاده کنند بجماعت
چون خواهد آمد که نماز نافله را بجماعت کردن بدعت عمر است و بهمین مضمون منقولست در صحیحه سلیمن بن خالد و
صحیحه حلبی از آنحضرت صلوات الله علیه و احادیث صحیحه و قویه وارد شده است بر جواز امامت زنان ممکنست که حمل کنند
آنها را بر نافله یا نماز میت و ممکنست که حمل کنند این اخبار را بر صورتی که مردی باشد که امامت ایشان کند مکروه باشد
که زن امامت کند وَرُوِيَ زُرَارَةُ عَنْ اَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ قَالَ قُلْتُ لَهُ الْمَرْاَةُ تَؤُمُّ النِّسَاءَ قَالَ لَا اِلَّا عَلٰى

الْمَيِّتَ اِذَا لَمْ يَكُنْ اَحَدٌ اَوْلَى مِنْهَا تَقُومُ وَسَطَهُنَّ مَعَهُنَّ فِي الصَّفِّ فَتُكَبِّرُ وَيُكَبِّرْنَ وباسانيد صحيحه
مرويست از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه كه زراره كفت عرض نمودم بآنحضرت كه زن امامت ميكند
زنانرا حضرت فرمودند كه نه مكر در نماز ميت هركاه وارث زن باشد ومردى نباشد كه اولى باشد ازو در ميان زنان
مى ايستد در صف ايشان واول او تكبير ميكويد وديكر زنان تكبير ميكويند وديكر خواهد آمد وَرَوَى هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ
عَنْ اَبِي عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ قَالَ صَلوٰةُ الْمَرْاَةِ فِي مَخْدَعِهَا اَفْضَلُ مِنْ صَلوٰتِهَا فِي بَيْتِهَا وَصَلوٰتُهَا فِي بَيْتِهَا
اَفْضَلُ مِنْ صَلوٰتِهَا فِي الدَّارِ وَالرَّجُلُ اِذَا اَمَّ الْمَرْاَةَ كَانَتْ خَلْفَهُ عَنْ يَمِينِهِ سُجُودُهَا مَعَ رُكْبَتَيْهِ وباسانيد صحيحه
منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه كه فرمودند كه نماز زن در صندوقخانه اش بهتر است از نماز
او در بيوت او چون مستورتر است ونماز او در بيوت او بهتر است از نماز او در ميان خانه وچون مرد امامت
يك زن كند آن زن در عقب مرد مى ايستد از جانب راست مرد وانمقدار عقب مى ايستد كه سرش در حالت سجود
محاذى زانوهاى مرد باشد واحاديث بسيار كذشت در منع از محاذات مرد وزن واستحباب آنكه در عقب مرد باشد
وَسَاَلَهُ الْحَلَبِيُّ عَنِ الرَّجُلِ يَؤُمُّ النِّسَاءَ قَالَ نَعَمْ وَاِنْ كَانَ مَعَهُنَّ غِلْمَانٌ فَاَقِيمُوهُمْ بَيْنَ اَيْدِيهِنَّ وَاِنْ كَانُوا
عَبِيدًا وباسانيد صحيحه منقولست از حلبى كه كفت سؤال كردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه از مردى
كه امامت زنان كند خوبست فرمودند كه بلى واكر با زنان پسرها باشند ايشانرا در صفى پيش از صف زنان باز دارند
اكرچه پسرها بندكان باشند چون مرد مقدم است بر زن واحاديث درين معنى كذشت وَرَوَى دَاوُدُ بْنُ
الْحُصَيْنِ عَنْهُ اَنَّهُ قَالَ لَا يَؤُمُّ الْحَضَرِيُّ الْمُسَافِرَ وَلَا يَؤُمُّ الْمُسَافِرُ الْحَضَرِيَّ فَاِنِ ابْتُلِيَ الرَّجُلُ بِشَيْءٍ مِنْ
ذٰلِكَ فَاَمَّ قَوْمًا حَاضِرِينَ فَاِذَا اَتَمَّ رَكْعَتَيْنِ سَلَّمَ ثُمَّ اَخَذَ بِيَدِ اَحَدِهِمْ فَقَدَّمَهُ فَاَمَّهُمْ فَاِذَا صَلَّى الْمُسَافِرُ
خَلْفَ قَوْمٍ حُضُورٍ فَلْيُتِمَّ صَلوٰتَهُ رَكْعَتَيْنِ وَيُسَلِّمْ ومرويست در قوى از داود از آنحضرت ع وليكن شيخ بسند
صحيح روايت كرده است از بزنطى كه از اهل اجماع است از داود از ابو العباس فضل بن عبد الملك از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله عليه كه آنحضرت فرمودند كه امامت نميكند حاضر مسافررا وامامت نميكند مسافر حاضررا يعنى با وجود
مماثل بقرينه آنكه فرموده است كه اكر مبتلا شود شخصى بآنكه مماثل نباشد ومسافر امامت حاضران كند پس چون دو
ركعت تمام شود امام سلام ميدهد ودست يكى از حاضرانرا ميكيرد واورا پيش باز ميدارد وامامت ايشان ميكند و

ماموما ن

ماموما ن قصد ميكنند در اثناى نماز كه اقتدا باين امام ميكنند وچون مسافر در عقب حاضران نماز كند چون
دو ركعت نماز كند سلام دهد ودر تهذيب اين زيادتى هست در دو حديث كه اكر با ايشان نماز ظهر كند پس در
دو ركعت اول اقتدا كند ظهررا ودر دو ركعت آخر عصررا اقتدا كند وَقَدْ رُوِيَ اَنَّهُ اِنْ خَافَ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ
اَجْلِ مَنْ يُصَلِّي مَعَهُ صَلَّى الرَّكْعَتَيْنِ الْاُخْرَيَيْنِ وَجَعَلَهُمَا تَطَوُّعًا ودر موثق از حلبى منقولست كه او سؤال كرد
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه از مسافر هركاه داخل شود با مقيمان در نماز ايشان نماز خودرا
دو ركعت بكند وسلام دهد ودو ركعت آخررا نافله كند وظاهر آنست كه همين حديث مراد صدوق باشد ونقل
بالمعنى كرده باشد وترجمه كلام او اينست كه بتحقيق كه مرويست كه اكر بر خود ترسد از جهت كسانى كه با او نماز
ميكنند چون سنيان در سفر چهار ركعت را بهتر ميدانند واكر كسى در نماز جماعت ايشان اكتفا بدو ركعت
كند علامت رفض ميدانند دو ركعت اول را بقصد واجب بفعل مى آورد ودو ركعت ديكررا بقصد سنت ونا
برين مناسبت با نماز تقيه خواهد داشت نه در اينجا وممكنست كه حديث ديكر باشد وَقَدْ رُوِيَ اَنَّهُ اِنْ كَانَ
فِي صَلوٰةِ الظُّهْرِ جَعَلَ الْاُولَيَيْنِ فَرِيضَةً وَالْاُخْرَيَيْنِ نَافِلَةً وَاِنْ كَانَ فِي صَلوٰةِ الْعَصْرِ جَعَلَ الْاُولَيَيْنِ
نَافِلَةً وَالْاُخْرَيَيْنِ فَرِيضَةً وبتحقيق كه مرويست بسند صحيح از ابن مسكان واحول از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله عليه كه فرمودند كه هركاه مسافر داخل شود در نماز حاضران پس اكر نماز ظهر باشد دو ركعت اول را
بقصد واجب بفعل آورد ودو ركعت دويم را بقصد سنت واكر در نماز عصر ايشان داخل شود دو ركعت اول را
بقصد نافله بجا آورد ودو ركعت آخررا بقصد نماز فريضه وشيخ رحمه الله كفته است كه وجهش آنست كه بعد از
نماز ظهر نافله بدينست وبعد از نماز عصر نافله مكروهست وَقَدْ رُوِيَ اَنَّهُ اِنْ كَانَ فِي صَلوٰةِ الظُّهْرِ جَعَلَ الْاُولَيَيْنِ
الظُّهْرَ وَالْاُخْرَيَيْنِ الْعَصْرَ وكذشت در حديث فضل كه اكر در نماز ظهر باشد دو ركعت اول را بقصد ظهر اقتدا
كند ودو ركعت آخررا بقصد عصر ودرينصورت اقتدا كرده است عصررا بظهر واكر خواهد اكتفا بدو ركعت خود
ميتواند كرد كه سلام دهد وروانه شود چنانكه در صحيحه حماد بن عثمان وصحيحه ابو بصير وحسنه كالصحيحه حلبى و
قويه كالصحيحه عمر بن يزيد وارد است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه كه فرمودند كه مسافر در عقب مقيم
نماز نكند واكر مبتلا شود بآن بآنكه مسافرى نباشد كه با او اقتدا كند پس دو ركعت خودرا ميكند وروانه ميشود

واین عبارت صحیحهٔ ابو بصیر است وباقی قریب باینست وَهٰذِهِ الْأَخْبَارُ لَيْسَتْ بِمُخْتَلِفَةٍ وَالْمُصَلِّي فِيهَا بِا
لْخِيَارِ بِأَيِّهَا أَخَذَ جَازَ صدوق میکوید که اکرچه بحسب ظاهر اخبار مختلفست ولیکن بحسب واقع اختلاف
ندارد ونماز کذارنده مختار است بهریك ازین اخبار که خواهد عمل میکند وَرَوَى عَبْدُ اللّٰهِ بْنُ الْمُغِيرَةِ قَالَ
كَانَ مَنْصُورُ بْنُ حَازِمٍ يَقُولُ إِذَا أَتَيْتَ الْإِمَامَ وَهُوَ جَالِسٌ قَدْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ فَكَبِّرْ ثُمَّ اجْلِسْ فَإِذَا قُمْتَ
فَكَبِّرْ ودر صحیح وحسن کالصحیح منقولست از عبد الله که منصور همیشه میکفت که هرکاه بامام رسی واو دو رکعت
نماز کرده باشد تکبیر احرام بکو وبنشین پس چون برخیزی مرتبه دیکر تکبیر بکو واین قول منصور است اکرچه ظاهر
آنست که فضلای اصحاب از پیش خود نمی کفته اند تا نصّی بایشان نرسیده باشد ولیکن هرکاه معارض داشته
باشد عمل بمعارض مستند میکنند واکرچه ممکنست که حمل کنیم این کلام را بر کسی که بقصد ادراك فضیلت جماعت
تکبیر بکوید وبنشیند وچون امام سلام دهد او نیز سلام دهد درینصورت البته تکبیر میکوید وجایز است که سلام
ندهد واکتفا بتکبیری که کفته است بکند چنانکه در موثق از عمار منقولست که کفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه از شخصی که ادراك کند امام را در تشهد واقتدا نکرده باشد بامام مکر یك شخص که در دست
راست او باشد حضرت فرمودند که امام پیش نمیرود وماموم پس نمی آید ولیکن این ماموم که آخر داخل شده است
می نشیند با امام وچون امام سلام میدهد برمیخیزد ونماز را تمام میکند اکرچه اولی آنست که ننشیند وایستاده
باشد تا چون امام سلام دهد نماز خود را تمام کند چنانکه در موثق دیکر از عمار منقولست اکرچه ظاهرش آنست که در
تشهد اول امام را دریافته باشد وبنابرین فرق خواهد بود در ادراك تشهد اول یا دویم وبعد ازین خواهد آمد
ادراك در سجود آخر وَقَالَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ يُجْزِئُكَ مِنَ الْقِرَاءَةِ إِذَا كُنْتَ مَعَهُمْ مِثْلُ حَدِيثِ النَّفْسِ
شیخ کالصحیح روایت کرده است از آنحضرت صلوات الله علیه که فرمودند که مجزیست ترا از قراءت هرکاه با سنیان نماز
تقیه کنی مانند حظول بال یعنی در نهایت آهستکی ودر حدیث صحیح از علی بن یقطین منقولست که کفت سؤال کردم از
حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از شخصی که در عقب سنیان نماز کند وامام قرائت را بلند میخواند چکند
حضرت فرمودند که خود از جهت خود قرائت کن واکر نشنوی قرائت را باکی نیست وَمَنْ صَلَّى خَلْفَ مُخَالِفٍ فَقَرَأَ
السَّجْدَةَ وَلَمْ يَسْجُدْ فَلْيُومِئْ بِرَأْسِهِ وکسی که در عقب سنی نماز کند واو سورهٔ سجده را بخواند وسجده نرود ماموم در

اثنای نماز

٤١

اثنای نماز بسر ایما میکند بقصد سجده وبعد از نماز احتیاطا سجدهٔ صحیح بجا می آورد چنانکه اخبار معتبره
وارد شده است وَكَذٰلِكَ وَإِذَا قَالَ الْإِمَامُ سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ قَالَ الَّذِينَ خَلْفَهُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ
يَخْفِضُونَ أَصْوَاتَهُمْ کلینی کالصحیح از جمیل روایت کرده است وظاهر آنست که صدوق از کتاب جمیل برداشته
باشد وبنابرین صحیح خواهد بود با آنکه اصحاب حکم بصحت آن کرده اند که کفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه که ماموم در عقب امام هرکاه او بکوید سمع الله لمن حمده ماموم چه کوید حضرت فرمودند
که میکوید الحمد لله رب العالمین وآهسته میکوید یا از جهت تقیه آنکه سنت است که ماموم همه اذکار را
آهسته بکوید وامام بلند بکوید وجمعی چنین فهمیده اند که ماموم سمع الله لمن حمده نکوید واین دلالت مفهوم
لقب است وضعیفست باجماع اصولیین وعمومات استحباب آن بحال خود است با اجماع وَإِنْ كَانَ مَعَهُمْ
قَالَ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ واکر با سنیان نماز کند این عبارت را بکوید که ترجمه اش اینست که ای پروردکار ما تراست
حمد وچون این عبارت از حضرت سید المرسلین وائمه طاهرین صلوات الله علیهم بما نرسیده است علماء شیعه
از جمله بدع عامه میدانند اکر تقیه باشد میکوید والا فلا وخلافست در بطلان نماز وظاهرا باطل نباشد
چون مطلق ذکر ودعا مطلوبست بلی اکر قصد مطلوبیت خصوص این ذکر کند افترا بر معصوم بسته خواهد
خواهد بود وَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ صَلَّى بِقَوْمٍ فَاخْتَصَّ نَفْسَهُ بِالدُّعَاءِ دُونَهُمْ فَقَدْ خَانَهُمْ
روایت کرده است شیخ در قوی از آنحضرت صلی الله علیه وآله که فرمودند که هرکه امامت جمعی کند وخود را مخصوص
سازد بدعا واز جهت ماموین دعا نکند چنانست که خیانت کرده است ایشان را چون فی الحقیقه بنیابت ایشان
مناجات میکند با حق سبحانه وتعالی تعلیم خلایق فرموده است که در سورهٔ حمد در ایاك نعبد تا بآخر واولی آنست
که هر دعایی که منفرد باشد بلفظ جمع بخواند واقلا قصد ماموین بکند وبهتر آنست که قصد جمیع مؤمنین
بکند وَرَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمَا قَالَ لَا تُسْمِعَنَّ الْإِمَامَ دُعَاءَكَ خَلْفَهُ ومرویست در
موثق از ابو بصیر از احدهما صلوات الله علیهما که فرمودند که مشنوان بامام دعایی را که کنی در عقب امام بلکه
مطلق اذکار را چنانکه در صحیح از ابو بصیر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که سزاوار
نظر بامام آنست که بشنواند بماموین هرچه خواند وکوید وسزاوار نیست ماموین را که هیچ چیز بامام بشنوانند

وغیر این از اخبار که کذشت وَقَدْ رُوِیَ عَنْ اَبِی بَکْرِ بْنِ اَبِی سِمَاكٍ قَالَ صَلَّیْتُ خَلْفَ اَبِی عَبْدِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ الْفَجْرَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ قِرَائَتِهِ فِی الثَّانِیَةِ جَهَرَ بِصَوْتِهِ نَحْوًا مِمَّا کَانَ یَقْرَأُ وَقَالَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وبسند قوی منقولست از ابو بکر که کفت در عقب حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه نماز صبح را کردم پس چون از قرائت رکعت دویم فارغ شد بآواز بلند مانند قرائت که بلند خوانده بودند این قنوت را خواندند و ترجمه اش اینست که خداوندا بیامرز کناهان مارا و رحم کن مارا و بعافیت دار مارا و عفو کن از کناهان ما در دنیا بانکه قلم عفو بر نامه اعمال سیئه ما کشی و در آخرت که مؤاخذه ننمایی مارا بر هیچ کناهی و شیخ این روایت را بسند صحیح روایت کرده است از ابو بکر که حضرت در قنوت وتر این عبارت را فرمودند و دعاهای قنوت کذشت و همین قنوت کذشت با زیادتی اِنَّكَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَرَوَی حَفْصُ بْنُ الْبَخْتَرِیِّ عَنْ اَبِی عَبْدِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ قَالَ یَنْبَغِی لِلْإِمَامِ اَنْ یَجْلِسَ حَتّٰی یُتِمَّ مَنْ خَلْفَهُ صَلٰوتَهُمْ و در صحیح منقولست از حفص از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که سزاوار از جهت امام آنست که بنشیند بجای خود بعد از سلام تا جمعی که دیر رسیده اند نمازهای خود را تمام کنند و بهمین مضمونست حسنه کالصحیح اسمعیل بن عبد الخالق و این حکم بر سبیل استحبابست چنانکه خواهد آمد وَیَنْبَغِی لِلْإِمَامِ اَنْ یُسْمِعَ مَنْ خَلْفَهُ التَّشَهُّدَ وَلَا یُسْمِعُونَهُ هُمْ شَیْئًا همین عبارت صحیحه حفص بن بختریست و صحیحه ابو بصیر است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که سزاوار آنست که امام بشنواند تشهد را بماموین و سزاوار آنست که ماموم هیچ چیز از انچه میکویند بامام نشنوانند یعنی الشَّهَادَتَیْنِ وَیُسْمِعُهُمْ اَیْضًا اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِینَ ظاهرا عبارت صدوقست که مراد حضرت از تشهد شهادتین است و می شنواند امام بماموین این سلام را و در حدیث صحیح از ابو بصیر منقولست که کفت در عقب حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه نماز کردم چون باخر تشهد رسیدند آواز خود را بلند کردند تا ماموین همکی شنیدند من عرض نمودم که همچنین سزاوار است که بشنواند امام تشهد خود را بماموین حضرت فرمودند که بلی و آخر تشهد شامل سلام هست و محتملست که مراد از آخر تشهد تشهد آخر باشد و کالصحیح از حنان منقولست که در عقب انحضرت صلوات الله علیه نماز کردم حضرت استعاذه و بسم الله را بلند خواندند و در صحیحه علی

بن جعفر و صحیحه علی بن یقطین منقولست که هر دو سؤال کردند از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که آیا مردان را جایز است که تشهد و ذکر رکوع و سجود و قنوت را بلند بخوانند حضرت فرمودند که اکر خواهند بلند بخوانند و اکر خواهند آهسته و معمولست بر منفرد وَقَالَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ اَفْسَدَ ابْنُ مَسْعُودٍ عَلَی النَّاسِ صَلٰوتَهُمْ بِشَیْئَیْنِ بِقَوْلِهِ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالٰی جَدُّكَ وَهٰذَا شَیْءٌ قَالَتْهُ الْجِنُّ بِجَهَالَةٍ فَحَکَی اللّٰهُ تَعَالٰی عَنْهَا وَبِقَوْلِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِینَ یَعْنِی فِی التَّشَهُّدِ الْاَوَّلِ وَاَمَّا فِی التَّشَهُّدِ الثَّانِی بَعْدَ الشَّهَادَتَیْنِ فَلَا بَاْسَ بِهِ لِاَنَّ الْمُصَلِّیَ اِذَا تَشَهَّدَ الشَّهَادَتَیْنِ فِی التَّشَهُّدِ الْاَخِیرِ فَقَدْ فَرَغَ مِنَ الصَّلٰوةِ و در صحیح منقولست از انحضرت صلوات الله علیه که فرمودند که عبد الله بن مسعود نماز مردم را باطل کرد بدو چیزی که از رای خود کفته است یکی انکه کفت بعد از رکوع بکویید این عبارت را که بزرکوار است نام تو و بلند است بخت تو و این عبارت جدّ بمعنی بخت عبارتی است که جنیان از روی نادانی کفتند و حق سبحانه و تعالی کفته ایشانرا از ایشان حکایت کرده است که فرموده است وَاَنَّهُ تَعَالٰی جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا یعنی بدرستی که خداوند بخت بلندی که پروردکار ماست زن و فرزند ندارد و کمان کرد ابن مسعود که چون حق سبحانه و تعالی عبارت ایشانرا نقل فرموده است در مقام مدح ایشان البته این عبارت خوبست و ندانست که مدح باعتبار ایمان ایشانست بخدا و رسول و دویم نماز مردم را باطل کرده است بانکه اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا الخ را در تشهد نماز داخل کرده است صدوق کفته است که مراد از حضرت از تشهد تشهد اولست که عبد الله بن سلام را در ان تشهد آورده است و ندانست که این عبارت مفسد صلوة است اما در تشهد دویم بعد از شهادتین باکی نیست که آنرا بکویند زیرا که نماز کذارنده هرکاه شهادتین را در تشهد آخر میخواند از نماز بیرون می آید و از عبارت صدوق ظاهر میشود که صلوات بر نبی و آل را جزو تشهد نمیداند و همچنین سلام را واجب نمیداند و در صحیح حلبی منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هر چه ذکر خدا باشد یا ذکر رسول او باشد مانند صلوات بر انحضرت ص آن از نماز است و سبب کمال نماز و اکر اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِینَ را کفتی از نماز بیرون می آیی و در حدیث موثق و قوی از ابو بصیر و در حدیث قوی از ابو کهمش از انحضرت صلوات الله علیه منقولست که اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا سبب خروجست از نماز و ظاهر

این اخبار آنست که قصد خروج در سلام در کار نباشد و ازینجهتست که بعضی دغدغه کرده اند که در قنوت
در کلمات فرج و سلام علی المرسلین بگویند چون سلام کلام آدمیانست و در نماز کلام آدمیان نمی باید که باشد
و در بعضی از نسخ فقیه تبارک اسم ربک است و ظاهرا از سهو نساخ است چون صدوق در کتب دیگر و در تهذیب
بنحویست که سابقا مذکور شد وَسَأَلَ عَلِیُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمَا عَنِ الرَّجُلِ یَکُونُ
خَلْفَ إِمَامٍ فَیُطَوِّلُ فِی التَّشَهُّدِ فَیَأْخُذُهُ الْبَوْلُ أَوْ یَخَافُ عَلَی شَیْءٍ أَنْ یَفُوتَ أَوْ یَعْرِضُ لَهُ وَجَعٌ کَیْفَ یَصْنَعُ
قَالَ یُسَلِّمُ وَیَنْصَرِفُ وَیَدَعُ الْإِمَامَ و باسانید صحیحه منقولست که علی سؤال کرد از برادرش حضرت امام
موسی کاظم صلوات الله علیه از شخصی که در عقب امامی باشد و امام طول دهد تشهد را و او را بول آید و یا خوف
داشته باشد که چیزی از و فوت شود یا عارض شود او را دردی چکند حضرت فرمودند که سلام میدهد
و از نماز فارغ میشود و امام را بحال خود میگذارد و احادیث مطلق نیز وارد شده است و بعضی از آن گذشت
وَعَلَی الْإِمَامِ أَنْ لَا یَقُومَ مِنْ مُصَلَّاهُ حَتَّی یُتِمَّ مَنْ خَلْفَهُ الصَّلَوٰةَ فَإِنْ قَامَ فَلَا شَیْءَ عَلَیْهِ و بر امام جماعت
لازم است که از محل نماز خود برنخیزد تا ماموماتی که دیر رسیده اند نماز خود را تمام کنند پس اگر امام
صبر نکند و برخیزد برو چیزی نیست از گناه خصوصا هرگاه نداند که مسبوقی هست و اگر داند که مسبوق هست
احوط آنست که برنخیزد چنانکه در حسن کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که هر که
امامت جمعی کند برو لازم است که بعد از سلام بنشیند و از آن موضع بیرون نرود تا مسبوقان نماز خود را
تمام کنند و این نشستن بر هر امامی واجبست هرگاه داند که مسبوق هست و اگر داند که مسبوق نیست هر جا
که خواهد برود و در حسن کالصحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که سزاوار نیست که امام بر
خیزد بعد از نماز تا آنکه مسبوقان نماز خود را تمام کنند و در حسن از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که
فرمودند که چون امامت جمعی کنی بعد از سلام اندکی بنشین و در موثق عمار وارد است که جایز است که برخیزد
پیش از اتمام نماز مسبوقین و ازین سبب اکثر علما قایل شده اند باستحباب صبر والله تعالی یعلم وَقَالَ الرِّضَا
رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ فِی رِسَالَتِهِ إِلَیَّ إِنْ خَرَجَتْ مِنْکَ رِیحٌ أَوْ غَیْرُهَا مِمَّا یَنْقُضُ الْوُضُوءَ أَوْ ذَکَرْتَ أَنَّکَ عَلَی
غَیْرِ وُضُوءٍ فَسَلِّمْ فِی أَیِّ حَالٍ کُنْتَ فِی الصَّلَوٰةِ وَقَدِّمْ رَجُلًا یُصَلِّی بِالْقَوْمِ بَقِیَّةَ صَلَوٰتِهِمْ وَتَوَضَّأْ وَأَعِدْ

صَلَوٰتَکَ و بپدرم که حق سبحانه و تعالی از و راضی و خشنود باد نوشت در رساله که بسوی من فرستاده
بود که اگر بادی یا غیر آن از احداث از تو صادر شود در اثنای نماز یا بخاطرت رسد که وضو نداری پس سلام
ده در هر حالی که باشی در نماز و شخصی از ماموماتی که اهلیت امامت داشته باشند پیش باز دار که بایشان نماز
گذارد در بقیه نماز ایشان که مانده است و تو وضو بساز و نماز را اعاده کن و احادیث صحیحه باین مضمون
وارد شده است وَقَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ مَا کَانَ مِنْ إِمَامٍ تَقَدَّمَ فِی الصَّلَوٰةِ وَهُوَ جُنُبٌ
نَاسِیًا أَوْ أَحْدَثَ حَدَثًا أَوْ رَعَفَ رُعَافًا أَوْ أَذًی فِی بَطْنِهِ فَلْیَجْعَلْ ثَوْبَهُ عَلَی أَنْفِهِ ثُمَّ لْیَنْصَرِفْ وَلْیَأْخُذْ
بِیَدِ رَجُلٍ فَلْیُصَلِّ مَکَانَهُ ثُمَّ لْیَتَوَضَّأْ وَلْیُتِمَّ مَا سَبَقَهُ بِهِ مِنَ الصَّلَوٰةِ وَإِنْ کَانَ جُنُبًا فَلْیَغْتَسِلْ وَ
لْیُصَلِّ الصَّلَوٰةَ کُلَّهَا و از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که هر امامی که امامت کند در نمازی و
بخاطرش رسد که جنب بوده و از روی نسیان نماز کرده باشد یا بخاطرش رسد که بی وضو بوده است یا حدثی از و
صادر شود در نماز یا بهم رسد قرقری در شکمش که ضبط آن نتواند کرد و در بعضی از نسخ أذًی واقع شده است
یعنی بیابد تنخی یا مثل آن از موذیات و محتملست که بفعل ماضی خوانده شود تا عطف احسن باشد یعنی آزاری
یابد پس جامه اش را بر بینی گیرد و چنین مفهوم شود که خون از بینی او می آید و دست از نماز بدارد و دست
از نماز بدارد و دست شخصی را بگیرد و بجای خود باز دارد که امامت ماموین کند و خود وضو بسازد و نمازش
را تمام کند یعنی هرگاه سبب استدبار و فعل کثیر نشود یا آنکه نماز را از سر گیرد با استدبار و فعل کثیر و اگر
جنب باشد غسل کند و نماز را از سر گیرد و اگر فراموش کرده باشد و بی وضو نماز کرده باشد در آنصورت نیز
نماز را از سر میگیرد و چنانکه اخبار بسیار برین مضمون وارد شده است کَرِوَایَةِ مُعَاوِیَةَ بْنِ مَیْسَرَةَ عَنِ الصَّادِقِ
صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ أَنَّهُ قَالَ لَا یَنْبَغِی لِلْإِمَامِ إِذَا أَحْدَثَ أَنْ یُقَدِّمَ إِلَّا مَنْ أَدْرَکَ الْإِقَامَةَ و کالصحیح منقولست که
آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که سزاوار نیست امام را هرگاه محدث شود که مقدم دارد مگر کسی را که ادراک کرده باشد
اقامت امام را و ظاهر لفظ لاینبغی کراهتست چنانکه سابقا گذشت در ضمن اخبار که جایز است که مسبوق را مقدم دارد
فَإِنْ قَدَّمَ مَسْبُوقًا بِرَکْعَةٍ فَإِنَّ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ سِنَانٍ رَوَی عَنْهُ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ أَنَّهُ قَامَ إِذَا أَتَمَّ صَلَوٰتَهُ بِهِمْ فَلْیُومِ
إِلَیْهِمْ یَمِینًا وَشِمَالًا فَلْیَنْصَرِفُوا ثُمَّ لْیُکْمِلْ هُوَ مَا فَاتَهُ مِنْ صَلَوٰتِهِ پس اگر مقدم دارد شخصی را که بعد از یک رکعت امام

یا خون از دماغش بیاید

صلوة القوم بهم

ملحق شده باشد پس بدرستی که در حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق صلوات الله علیه فرمودند درینصورت
که هرگاه نماز ماموماان تمام شود پس ایما میکند بایشان از دست راست وچپ بدست راست وچپ یا بسر که نماز
شما تمام شده است شما سلام بدهید پس چون سلام بدهند امام برخیزد و نماز خود را تمام کند و امثال این خبر دلالت
برحکم مسبوق میکند که چنین است دلالت نمیکند برانکه جایز باشد که عمدا مسبوق را بجای خود باز دارد و ممکنست
که ندانند که مسبوقست و بجای خود باز دارد ولیکن ظاهر آنست که اگر مشروع نمیبود و سبب بطلان نماز میشد
حضرات معصومین صلوات الله علیهم این احکام را نمیفرمودند بلکه میفرمودند که باطلست وَرَوَى جَمِيلُ بْنُ
دَرَّاجٍ عَنْهُ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ فِي رَجُلٍ أَمَّ قَوْمًا عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ فَانْصَرَفَ وَقَدَّمَ رَجُلًا وَلَمْ يَدْرِ الْمُقَدَّمُ مَا
صَلَّى الْإِمَامُ قَبْلَهُ قَالَ يُذَكِّرُهُ مَنْ خَلْفَهُ و در صحیح منقولست از جمیل که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
فرمودند در شخصی که امامت جمعی کند و بخاطرش رسد که وضو نداشته است و مسبوقی را مقدم دارد که او نداند
که امام چند رکعت کرده بوده است تا اشاره بایشان کند حضرت فرمودند که ماموماان باو اعلام میکنند یا ایشان
مثلا او اشاره میکند بحرکت دست که چند رکعت کرده اید تا تسبیح میگوید که سُبْحَانَ اللهِ سُبْحَانَ اللهِ
سُبْحَانَ اللهِ و بر تسبیح اول وقف میکند و معنی آن اینست که یکرکعتست یا دو رکعت ماموماان اگر یکرکعت کرده
اند یك سُبْحَانَ اللهِ میگویند و اگر دو رکعت کرده اند دو تسبیح میگویند و علی هذا القیاس وَقَالَ زُرَارَةُ
لِأَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ رَجُلٌ دَخَلَ مَعَ قَوْمٍ فِي صَلَاتِهِمْ وَهُوَ لَا يَنْوِيهَا صَلَاةً فَأَحْدَثَ إِمَامُهُمْ فَأَخَذَ
بِيَدِ ذَلِكَ الرَّجُلِ فَقَدَّمَهُ فَصَلَّى بِهِمْ أَتُجْزِيهِمْ صَلَاتُهُمْ بِصَلَاتِهِ وَهُوَ لَا يَنْوِيهَا صَلَاةً قَالَ لَا يَنْبَغِي
لِلرَّجُلِ أَنْ يَدْخُلَ مَعَ قَوْمٍ فِي صَلَاتِهِمْ وَهُوَ لَا يَنْوِيهَا صَلَاةً بَلْ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَنْوِيَهَا وَإِنْ كَانَ قَدْ صَلَّى فَإِنَّ
لَهُ صَلَاةً أُخْرَى وَإِلَّا فَلَا يَدْخُلَنَّ مَعَهُمْ وَقَدْ يُجْزِي عَنِ الْقَوْمِ صَلَاتُهُمْ وَإِنْ لَمْ يَنْوِهَا و باسانید صحیحه و
حسنه کالصحیحه منقولست از زراره که گفت عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که شخصی داخل شد
با قومی از شیعه یا سنی از روی تقیه یا اعم در نماز ایشان و قصد نماز کردن نداشته باشد و از امام ایشان
حدثی صادر شد پس دست این داخل را گرفت و مقدم داشت و امامت ایشان کرد آیا نماز ایشان جماعت صحیح است
با انکه امام ایشان قصد نماز نداشته است و نماز بی نیت صحیح نیست حضرت فرمودند که سزاوار نیست کسی را که

داخل

داخل شود با قومی در نماز ایشان و حال انکه قصد نماز نداشته باشد بلکه سزاوار آنست که قصد نماز کند
اگرچه پیشتر نماز کرده باشد بدرستی که در نامه عمل او نمازی دیگر می نویسند و اگر قصد نماز نداشته باشد
البته با ایشان داخل نشود و نماز ایشان جماعت صحیح است و مجزیست اگرچه نماز امام ایشان باطلست باعتبار عدم نیت
پس ظاهر شد که لازم نیست که بحسب واقع نماز امام صحیح باشد تا نماز مامومین صحیح باشد و همین بس است که علم
ببطلان نماز امام نداشته باشند و ظاهر شد که سنت است اعاده نماز اگرچه بیشتر نماز کرده باشد خواه منفرد
کرده باشد یا بجماعت و ظاهر شد کراهت یا حرمت واقع ساختن صورت نماز هرچند با سنی باشد مگر انکه
خوف داشته باشد که اگر برود که وضو سازد باو ضرری برسد که درینصورت تکبیر احرام نمیگوید و بیشانی
را برمهر نمی گذارد و سَأَلَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمَا عَنْ إِمَامٍ أَحْدَثَ فَانْصَرَفَ
وَلَمْ يُقَدِّمْ أَحَدًا مَا حَالُ الْقَوْمِ قَالَ لَا صَلَاةَ لَهُمْ إِلَّا بِإِمَامٍ فَلْيَتَقَدَّمْ بَعْضُهُمْ فَلْيُتِمَّ بِهِمْ مَا بَقِيَ
مِنْهَا وَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُمْ و باسانید صحیحه منقولست از علی که گفت سوال کردم از برادرم حضرت امام موسی
کاظم صلوات الله علیه از امامی که در نماز بادی از وجدا شود و ترك نماز کند و کسی از مامومین را پیش باز ندارد
ماموماان چکنند حضرت فرمودند که نماز جماعت بی امام متحقق نمیشود یا نماز ایشان بدون جماعت کامل
نیست بلکه ماموماان شخصی از ایشان را مقدم میدارند تا بقیه نماز را باو تمام کنند و نماز ایشان درینصورت
تمامست هرچند بلو امام اقتدا کرده باشند و از مجموع این اخبار ظاهر میشود که اگر امام شخصی را مقدم دارد
که ماموماان حال او را ندانند در اثنای نماز اقتدا در باو میتوانند کرد بنا بر اعتماد بامام یا بنا برانکه اصل
در مومنان عدالتست یا عدم فسق تا فسق ظاهر شود چنانکه ظاهر کلام متقدمین است والله تعالی یعلم وَرَوَى
الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَمَّ قَوْمًا وَصَلَّى بِهِمْ رَكْعَةً ثُمَّ مَاتَ قَالَ
يُقَدِّمُونَ رَجُلًا آخَرَ فَيَعْتَدُّ بِالرَّكْعَةِ وَيَطْرَحُونَ الْمَيِّتَ خَلْفَهُمْ وَيَغْتَسِلُ مَنْ مَسَّهُ و باسانید صحیحه
منقولست از حلبی که گفت سوال کردند از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که امامت جمعی کند
و یك رکعت نماز بکند و بعد از آن بمیرد حضرت فرمودند که ماموماان دیگری را مقدم میدارند و بنا بر رکعت
گذاشته تمام میکنند نماز را و میت را در عقب خود می اندازند که خاطرها مشغول او نشود و هرکه دست بدن

او رسانیده باشد بعد از سرد شدن غسل مس میت میکند یا پیش از سرد شدن از روی استحباب چنانکه
کذشت وَمَنْ صَلَّى بِقَوْمٍ وَهُوَ جُنُبٌ اَوْ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ فَعَلَيْهِ الْاِعَادَةُ وَلَيْسَ عَلَيْهِمْ اَنْ يُعِيدُوا وَلَيْسَ
عَلَيْهِ اَنْ يُعْلِمَهُمْ وَلَوْ كَانَ ذٰلِكَ عَلَيْهِ لَهَلَكَ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ كَانَ يَصْنَعُ بِمَنْ قَدْ خَرَجَ اِلَى خُرَاسَانَ وَ
كَيْفَ كَانَ يَصْنَعُ بِمَنْ لَا يَعْرِفُ قَالَ هٰذَا عَنْهُ مَوْضُوعٌ وهر که امامت جمعی کند و امام جنب باشد یا بی
وضو و نسیانا یا عمدا امامت کرده باشد بر امام واجبست که اعاده کند نماز خود را در وقت و خارج وقت
و بر ماموما لازم نیست که اعاده کنند و برو واجب نیست که اعلام کند ماموما را که من بی طهارت نماز
کرده ام و اکر برو لازم میبود هلاک میشد راوی از روی تایید سخن حضرت کفت عرض نمودم که اکر لازم می
بود اعلام چه میکرد با جمعی که بشهرهای دور رفته بودند مثل خراسان نظر بکوفه یا مدینه و چه میکرد با جمعی
که ایشانرا نمیشناخت حضرت باز فرمودند که اعلام برو نیست و حق سبحانه و تعالی از و وضع کرده است و
عبارت اظهر آنست که کلام حلبی باشد بقرینه قال قلت و ممکنست که حدیث صحیح زراره باشد که صدوق
نقل بالمعنی کرده باشد و برین مضمون اخبار صحیحه و موثقه کالصحیحه وارد شده است از زراره و محمد بن مسلم
و ابن بکیر و ابن ابی یعفور از حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما و مضمون
همه اینست که اکر امام جنب یا بی وضو نماز کرده باشد او اعاده نماز میکند و ماموما اعاده نمیکنند و در
صحیح ابن وهب منقولست که کفت بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض نمودم که آیا امام ضامن است
نماز و اجب ماموما را بدرستی که سنیان میکویند ضامن است حضرت فرمودند که ضامن نیست چه چیز را
ضامن است مکر آنکه با جنابت یا بی وضو نماز کرده باشد و حمل کرده اند این خبر را بر آنکه در واقع لازم
که امام عادل باشد پس اکر بحسب ظاهر عادل باشد و در واقع فاسق باشد نماز امام و ماموما هر دو صحیح
است امّا اکر امام جنب یا بی وضو باشد نماز ماموین صحیحست و نماز امام باطلست یا حمل میکنند بر استحباب
اعاده درینصورت چنانکه خبری دیکر وارد شده است بر آن و حمل بر تقیه اظهر است والله تعالی یعلم وَرَوَى
الْحَلَبِيُّ عَنْ اَبِي عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ اَنَّهُ قَالَ اِذَا فَاتَكَ شَيْءٌ مَعَ الْاِمَامِ فَاجْعَلْ اَوَّلَ صَلٰوتِكَ مَا
اسْتَقْبَلْتَ مِنْهَا وَلَا تَجْعَلْ اَوَّلَ صَلٰوتِكَ آخِرَهَا و باسانید صحیحه منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات

الله علیه فرمودند که هر کاه بعد از دخول در نماز متوجه کردی و امام یک رکعت یا بیشتر کرده باشد پس آنچه را
درمی یابی اول نماز تست و مکردان اول نماز ترا آخر نماز یعنی اکر در رکعت سیم ملحق شوی با امام دو
رکعت آخر امام دو رکعت اول تست و قراءتی که امام در دو رکعت اول کرده است بجای قرائت تست و کافی نیست
که تسبیح بخوانی یا الحمد تنها بخوانی که اکر حمد و سوره بخوانی آخر نماز را اول نماز کرده چنانکه عامه میکنند چنانکه
در صحیح از عبدالرحمن منقولست که کفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که در
یابد دو رکعت آخر نماز را قرائت را چکند حضرت فرمودند که قراءت کن درین دو رکعت که این دو رکعت اول
نماز تست و اول نماز را آخر نماز مکن یعنی با آنکه الحمد و سوره بخوانی چنانکه تصریح خواهد آمد یا آنکه با سنی نماز کند
حمد و سوره بخواند چنانکه ظاهر صحیحه ابن وهب و موثقه طلحه است و اکر درینصورت قرائت را درین دو رکعت نتواند
کرد سنت است که در دو رکعت آخر خود الحمد بخواند چنانکه در حسنه کالصحیحه محمد بن عذافر است وَمَنْ اَجْلَسَهُ
الْاِمَامُ فِي مَوْضِعٍ يَجِبُ اَنْ يَقُومَ فِيهِ تَجَافَى وَاَقْعَى اِقْعَاءً وَلَمْ يَجْلِسْ مُتَمَكِّنًا و کسی که با امام نماز کند و مسبوق باشد
و امام او را بنشاند در موضعی که لازمست که بایستد مثل آنکه رکعت دویم امام باشد و رکعت اول او فراخ بنشیند
بر سر پا و درست ننشیند تا ظاهر باشد که رکعت اول او است و این عبارت مضمون حدیث صحیح عبدالرحمن بن
حجاجست که کفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال کردم از شخصی که در رکعت دویم امام ملحق شود
با امام وقتی که امام در تشهد بنشیند او چکند حضرت فرمودند که تجافی کند و درست ننشیند یعنی بر سر پا
بنشیند پس چون برکعت سیم امام رسد که رکعت دویم اوست و امام برخیزد او بنشیند و تشهد بخواند و بر
خیزد و ملحق شود بامام و درصورتی که در رکعت دویم و چهارم خود بر سر پا نشیند اولی آنست که از جهت متابعت
امام تشهد را بخواند و همچنین قنوت را میخواند چنانکه در اخبار معتبره وارد شده است وَرَوَى عُبَيْدُ بْنُ
زُرَارَةَ عَنْ اَبِي عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ فِي رَجُلٍ دَخَلَ مَعَ الْاِمَامِ فِي الصَّلٰوةِ وَقَدْ سَبَقَهُ بِرَكْعَةٍ فَلَمَّا
فَرَغَ الْاِمَامُ خَرَجَ مَعَ النَّاسِ ثُمَّ ذَكَرَ اَنَّهُ فَاتَتْهُ رَكْعَةٌ قَالَ يُعِيدُ رَكْعَةً وَاحِدَةً و کالصحیح و در صحیح از
عبید منقولست از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در شخصی که داخل شود در نماز با امام و امام پیش
از و یک رکعت کرده باشد پس چون امام از نماز فارغ شود او نیز برخیزد و با مردم روانه شود پس بخاطرش رسد

ملحق شوی

دیگر
که یکرکعت کرده است حضرت فرمودند که یکرکعت دیگر را میکند وبرین مضمون احادیث صحیح گذشت وهمه
را حمل کرده اند برانکه استدبار وفعل کثیری که درعرف نگویند او را که نماز گذارنده است صادر نشده باشد
بنا برحدیث حسن کالصحیح حسین که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که گاه هست که
ملحق میشوم بامامی که بیشتر یکرکعت کرده است وچون او سلام داد فراموش کردم وسلام دادم بتوهم انکه
نمازم تمام شده است ونشستم بتعقیب وذکر الهی تا آفتاب طالع شد وچون برخاستم بخاطرم رسید که یکرکعت
کرده بودم حضرت فرمودند که اگر درهمانجا بخاطرت رسد رکعت دیگر را بکن واگر ازانجا بجایی دیگر رفته باشی
نماز را اعاده کن واحادیث دیگر گذشت وَفِی کِتَابِ زِیَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقَنْدِیِّ وَفِی نَوَادِرِ مُحَمَّدِ بْنِ اَبِی عُمَیْرٍ اَنَّ
الصَّادِقَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ قَالَ فِی رَجُلٍ صَلّٰی بِقَوْمٍ مِنْ حِینِ خَرَجُوا مِنْ خُرَاسَانَ حَتّٰی قَدِمُوا مَکَّةَ فَاِذَا هُوَ
یَهُودِیٌّ اَوْ نَصْرَانِیٌّ قَالَ لَیْسَ عَلَیْهِمْ اِعَادَةٌ ودر کتاب زیاد قنادی درموثق ودر کتاب نوادر محمد بن ابی عمیر
درصحیح مذکور است که آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند درشخصی که امامت جمعی کرد از زمانی که از خراسان بیرون
آمد تا وقتی که بمکه رسیدند بعد ازان ظاهر شد که آن پیشنماز یهودی یا نصرانی بوده است حضرت فرمودند که بر ایشان
نیست که نماز را اعاده کنند وظاهر این حدیث غیر حدیثی است که کلینی وشیخ روایت کرده اند درحسن کالصحیح
از ابن ابی عمیر از بعضی از اصحاب او از آنحضرت صلوات الله علیه در قومی که بیرون آمدند از خراسان یا از اصفهان
وهمدان وامثال آن ومردی امامت ایشان میکرد پس چون بکوفه رسیدند دانستند که یهودیست حضرت
فرمودند که آنجماعت اعاده نمیکنند نمازهایی را که با او کرده اند ومحتملست که عبارت صدوق عبارت کتاب
زیاد باشد ونظر بکتاب نوادر نقل بالمعنی باشد چون اختلافی هست بحسب لفظ والله تعالی یعلم وَسَمِعْتُ جَمَاعَةً
مِنْ مَشَایِخِنَا یَقُولُونَ اِنَّهُ لَیْسَ عَلَیْهِمْ اِعَادَةُ شَیْءٍ مِمَّا جُهِرَ فِیهِ وَعَلَیْهِمْ اِعَادَةُ مَا صَلّٰی بِهِمْ مِمَّا لَمْ یُجْهَرْ
فِیهِ وَالْحَدِیثُ الْمُفَسَّرُ یَحْکُمُ عَلَی الْمُجْمَلِ ودر بعضی از نسخ یُحْمَلُ عَلَیْهِ الْمُجْمَلُ است وصدوق میگوید که از جمعی
از استادان خود شنیده ام درمسئله نماز درعقب کافر که اعاده نمیکنند نماز جهریه را واعاده میکنند نماز
اخفاتیه را وحدیثی که مفصل است حکم میکند بر حدیث مجمل پس عدم اعاده را حمل میکنیم بر جهریه یا حدیث مفصل
را می باید که مجمل را بر او حمل کنند بهمان معنی وچون مشایخ صدوق ارباب نصوص اند قول ایشان بمنزله

بمنزله حدیث است وصدوق اعتمادی بر قول ایشان کرده است وبتفصیل قایل شده است وظاهر اخذ حدیث
صدوق نیز از ابن ابی عمیر از بعضی از اصحاب بوده باشد وچون مراسیل ابن ابی عمیر در حکم مسانید است صدوق
بعضی را ذکر نکرده است وممکنست که از نساخ افتاده باشد چون ابن ابی عمیر بخدمت حضرت صادق نرسیده
است ونقل نکرده اند ملاقات او آنحضرت را وَسَاَلَ عَلِیُّ بْنُ جَعْفَرٍ اَخَاهُ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ عَنِ
الْمَرْاَةِ تَؤُمُّ النِّسَاءَ مَا حَدُّ رَفْعِ صَوْتِهَا بِالتَّکْبِیرِ وَالْقِرَاءَةِ فَقَالَ قَدْرَ مَا تُسْمِعُ وباسانید صحیحه منقولست از
علی که گفت سؤال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از زنی که امامت زنان کند چه مقدار بلند
بخواند تکبیرات وقرات را حضرت فرمودند که آنمقدار که شنیده شود یعنی خود بشنود یا ماموم بشنود واین
حدیث با احادیث دیگر دلالت میکند برانکه زن امامت زنان میتواند کرد ومحتملست که حمل کنند این حدیث
را بر نماز جنازه ونافله چنانکه گذشت وَرَوٰی عَمَّارٌ السَّابَاطِیُّ عَنْ اَبِی عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ قَالَ سَاَلْتُهُ
عَنِ الرَّجُلِ یَنْسَی وَهُوَ خَلْفَ الْاِمَامِ اَنْ یُسَبِّحَ فِی السُّجُودِ اَوْ فِی الرُّکُوعِ اَوْ یَنْسَی اَنْ یَقُولَ بَیْنَ السَّجْدَتَیْنِ شَیْئًا
قَالَ لَیْسَ عَلَیْهِ شَیْءٌ ودرموثق از عمار ساباطی که از فقهای مداین است منقولست که از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه سؤال کردم از شخصی که فراموش کند درعقب امام که تسبیح یا رکوع یا سجود را بگوید یا فراموش
کند دعای میان دو سجده را حضرت فرمودند که بر او چیزی نیست یعنی نمازش صحیح است وگناه کار نیست یا تلافی
وسجده سهو بر او نیست ومؤید اینست صحیحه علی بن یقطین که گفت سؤال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات
الله علیه از شخصی که فراموش کند تسبیح رکوع وسجود را حضرت فرمودند که باکی نیست واخبار دیگر گذشت و
قَالَ اَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ لِرَجُلٍ اَیُّ شَیْءٍ یَقُولُ هٰؤُلَاءِ فِی الرَّجُلِ اِذَا فَاتَتْهُ مَعَ الْاِمَامِ رَکْعَتَانِ قُلْتُ
یَقُولُونَ یَقْرَاُ فِی الرَّکْعَتَیْنِ بِالْحَمْدِ وَسُورَةٍ فَقَالَ هٰذَا یُقَلِّبُ صَلٰوتَهُ فَیَجْعَلُ اَوَّلَهَا آخِرَهَا قُلْتُ فَکَیْفَ یَصْنَعُ
قَالَ یَقْرَاُ فَاتِحَةَ الْکِتَابِ فِی کُلِّ رَکْعَةٍ وکالصحیح منقولست از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که آنحضرت
بشخصی فرمودند که این سنیان چه میگویند درشخصی که فوت شود ازو دو رکعت اول با امام آن مرد گفت که
میگویند که در دو رکعت آخر حمد وسوره میخواند حضرت فرمودند که این چنین شخص آخر نماز را اول میکند واین
مذهب ابو حنیفه است وجمعی از سنیان عرض نمودم که پس چکنند حضرت فرمودند که درهر رکعتی فاتحه میخوانند بدون

سوره واخبار دیگر گذشت وسأل عمّار الساباطی اباعبدالله صلوات الله علیه عن رجل سهی خلف
الامام بعد ما افتتح الصلوة فلم یقل شیئاً ولم یکبّر ولم یسبّح ولم یتشهّد حتی یسلّم فقال قد
جازت صلوته ولیس علیه شیء اذا سهی خلف الامام ولا سجدتا السهو لان الامام ضامن لصلوة
من خلفه ودر موثق از عمار منقولست که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال کردم از
شخصی که سهو کند در عقب امام بعد از آنکه شروع کند وتکبیر احرام را بگوید وبعد از آن هیچ چیز نخواند وتکبیر وتسبیح
وتشهد را نخواند تا سلام دهد حضرت فرمودند که نماز او صحیح است وبرو چیزی نیست از تلافی وگناه هرگاه اقتدا
بامام کرده باشد ودو سجده سهو نیز برو نیست زیرا که امام ضامنست نماز ماموم را یعنی هرگاه نماز امام صحیح
است خواندن اذکار امام قایم مقام اذکار ایشانست در صورت نسیان واین یک فایده است از فواید نماز جماعت
وروی محمد بن سهل عن الرضا صلوات الله علیه انه قال الامام یحمل اوهام من خلفه الا تکبیرة الافتتاح
ودر حسن کالصحیح از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که سهوهای ماموم را امام برمیدارد مگر
تکبیر احرام را که رکن است وبترک آن عمداً وسهواً نماز باطل میشود وباقی اذکار را اگر ماموم سهو کند ذکر امام بجای
ذکر اوست چنانکه در حدیث عمار گذشت وهمچنین ضامن قرائت ماموم است در جایی که بر ماموم قرائت باشد خواه
بر سبیل وجوب یا استحباب چنانکه گذشت والذی رواه ابو بصیر عن الصادق صلوات الله علیه حین قال
له ایضمن الامام الصلوة فقال لا لیس بضامن لیس بخلاف خبر عمار وخبر الرضا صلوات الله علیه لان
الامام ضامن لصلوة من صلّی خلفه متی سهی عن شیء منها غیر تکبیرة الافتتاح ولیس بضامن لما
یترکه الماموم متعمّداً ووجه آخر وهو انه لیس علی الامام ضمان لاتمام الصلوة بالقوم فربّما
حدث به حدث قبل ان یتمّها او یذکر انه علی غیر طهر واما آن خبری که آنرا روایت کرده است ابو بصیر
که لیث مرادی است که ابن مسکان از او روایت کرده است چنانکه در تهذیب است وبنابر یک حدیث صحیح است
از آنحضرت صلوات الله علیه که ابو بصیر گفت عرض نمودم بآنحضرت که آیا امام ضامن نماز ماموم هست حضرت فرمودند
که نه ضامن نیست این خبر مخالفت ندارد با حدیث عمار وحدیث امام رضا صلوات الله علیه بآنکه هر جایی ضامن
معنی دیگر دارد زیرا که جایی که وارد است که امام ضامن است مراد سهو ماموم غیر تکبیر احرام است چنانکه گذشت

واینجا

واینجا که وارد شده است که ضامن نیست مراد آن است که ضامن نیست چیزی را که ماموم عمداً ترک
نماید از آنچه برو واجبست وجایی دیگر وارد شده است که امام ضامن نیست یعنی در عهده امام نیست که
نمازش را تمام کند بسا باشد که حدثی از و صادر شود یا بخاطرش رسد که جنب است یا بی وضو وتصدیق ذلک
ما رواه جمیل بن درّاج عن زرارة عن احدهما صلوات الله علیهما قال سألته عن رجل صلّی بقوم
رکعتین ثم اخبرهم انه لیس علی وضوء قال یتمّ القوم صلوتهم فانه لیس علی الامام ضمان وجلّ
حجج الله صلوات الله علیهم عن ان یکون اخبارهم مختلفة الا لاختلاف الاحوال ومصداق این قول حدیث
صحیحی است که روایت کرده است آنرا جمیل از زراره از حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیهما که گفت از آنحضرت سؤال کردم از شخصی که پیشنمازی جمعی کند دو رکعت را پس بایشان بگوید که من
وضو نداشتم حضرت فرمودند که آن جمع نماز خود را تمام میکنند بعلت آنکه بر امام ضمانی نیست یعنی در عهده او
نیست که حدث از و صادر نشود یا فراموش نکند چون باختیار او نیست صدوق میگوید که حجتهای الهی بر خلایق
که ائمه معصومین اند از آن اعظم واجلند که اخبار ایشان مختلف باشد مگر از جهت اختلاف احوال ودر این
ماده چنین است که در هر جا ضمان را بنحوی سؤال کردند وبهمان عنوان جواب دادند بیک عنوان سؤال نکردند
تا لازم آید اختلاف جواب تا عامه گویند بر ما که ائمه شما مجتهد بوده اند واختلاف جواب از جهت اختلاف
اجتهاد است حاشا که ظن در علوم ایشان راه یابد بلکه ایشان عالمند بجمیع آنچه خلایق بآن احتیاج دارند
بلکه بجمیع علوم علم یقینی دارند دست بدست تا حضرت سید المرسلین صلوات الله علیهم از جناب اقدس
الهی تعالی شانه ووجهی دیگر وارد شده است که ضامن قرائتست چنانکه در اول باب گذشت وقال ابو المغرا
حمید بن المثنی کنت عند ابی عبدالله صلوات الله علیه فسأله حفص الکلبی فقال اکون خلف الامام
وهو یجهر بالقراءة فادعوا واتعوّذ قال نعم فادع ودر موثق کالصحیح منقولست از ابو المغرا بفتح میم
وسکون غین معجمه که من نزد حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودم که از آنحضرت سؤال کرد حفص بن
عبد الرحمن که از قبیله بنو کلب است وعرض نمود که گاه هست در عقب امام واو قرائت را بلند میخواند اگر بآیه
رحمت رسد طلب آن کنم بآنکه بگویم اللهم ارزقنا وچون آیه عذاب را بخواند پناه بخدا برم از شر آن بآنکه بگویم

اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْهُ حضرت فرمودند که بلی دعا کن وطلب رحمت کن واستعاذه از عذاب واستعاذه نیز
دعاست ومؤید این خبراست حدیث حسن کالصحیح حلبی که کفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
سؤال کردم از شخصی که با امام باشد وبکذرد بسؤال رحمتی یا بآیه که نام بهشت یا دوزخ در آن باشد حضرت فرمودند
که باکی نیست که سؤال رحمت کند نزد آیه رحمت وپناه بخدا برد نزد آیه عذاب واز حق سبحانه وتعالی سؤال کند بهشت را
ودر موثق کالصحیح از آنحضرت منقولست که فرمودند که سزاوار آنست که چون قاری قرآن بآیه سؤال رحمت رسد
یا تخویف در آنحالت از حق سبحانه وتعالی طلب کند هرچه را امیدوار است وپناه بحق سبحانه وتعالی برد از آتش و
عذاب الهی وَرَوَی الْحُسَیْنُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ الْاَرَّجَانِی عَنْهُ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ اَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلّٰی فِی مَسْجِدِهِ ثُمَّ اَتٰی
مَسْجِدًا مِنْ مَسَاجِدِهِمْ فَصَلّٰی مَعَهُمْ خَرَجَ بِحَسَنَاتِهِمْ وکالصحیح منقولست از حسین ارّجانی که شهریست از شهرهای
فارس که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هر که در مسجد خود ودر تهذیب فِی مَنْزِلِهِ یعنی در منزل
خود نماز کند وبرود در مسجدی از مساجد سنیان وبا ایشان از روی تقیه نماز کند چون بیرون آید حسنات
تقدیریه ایشانرا با خود بیرون آورد یعنی اکر شیعه میبودند چه ثواب میداشتند همه آن ثوابها را حق سبحانه و
تعالی باین متقی کرامت فرماید ودر صحیح نشیط نیز کذشت وَرَوَی عَبْدُ اللّٰهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْهُ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ
اَنَّهُ قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ یُصَلِّی فِی الْوَقْتِ وَیَفْرُغُ ثُمَّ یَاْتِیهِمْ وَیُصَلِّی مَعَهُمْ وَهُوَ عَلٰی وُضُوءٍ اِلَّا کَتَبَ اللّٰهُ لَهُ
خَمْسًا وَعِشْرِینَ دَرَجَةً ودر صحیح از عبدالله منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که
هر بنده که در وقت نماز کند وفارغ شود پس بمساجد سنیان رود وبا ایشان اعاده نماز کند بعنوان تقیه وبا
وضو باشد تا ثواب نماز داشته باشد واکرنه ثواب تقیه دارد وثواب نماز ندارد البته حق سبحانه وتعالی
مینویسد در نامه عمل او بیست وپنج درجه نماز منفرد که بیست وپنج نماز باشد چنانکه این ثوابرا کرامت میکند
بر نماز کردن با شیعه عادل وَقَالَ لَهُ اَیْضًا اِنَّ عَلٰی بَابِی مَسْجِدًا یَکُونُ فِیهِ قَوْمٌ مُخَالِفُونَ مُعَانِدُونَ وَهُمْ یُمْسُونَ
فِی الصَّلٰوةِ فَاَنَا اُصَلِّی الْعَصْرَ ثُمَّ اَخْرُجُ فَاُصَلِّی مَعَهُمْ فَقَالَ اَمَا تَرْضٰی اَنْ یُحْسَبَ لَکَ بِاَرْبَعٍ وَعِشْرِینَ صَلٰوةً
ودر صحیح از عبدالله منقولست نیز که کفت عرض نمودم بآنحضرت صلوات الله علیه که در در خانه من مسجدی
هست که در آنجا جمع میشوند جمعی از سنیان معاند شیعه یا معاند اهل بیت وایشان نماز را دیر میکنند چنانکه

مذهب

مذهب ابوحنیفه است من نماز عصر را در اول وقت بجا می آورم وبعد از آن از خانه بیرون می روم و
با ایشان مرتبه دیکر از روی تقیه نماز میکنم حضرت فرمودند که آیا خشنود نیستی بانکه محسوب شود از جهت
تو ثواب نماز جماعت که آن بیست وچهار نماز است وبا اصل بیست وپنج نماز باشد وقریب باین کذشت — در اول باب م
وَقَالَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ اِذَا صَلَّیْتَ مَعَهُمْ غُفِرَ لَکَ بِعَدَدِ مَنْ خَالَفَکَ واز آنحضرت صلوات
الله علیه منقولست که فرمودند که هرکاه با سنیان نماز کنی بعنوان تقیه حق سبحانه وتعالی بیامرزد از کناهان
تو بعدد سنیان یا بعدد غیر اثنی عشری از جمیع فرق اسلام وکفر وجمیع این ثوابها از جهت آنست که شیعیان خود را در مهلکه
نینداز[ند] از روی جهالت ولیکن چون از جهل خبر ندارند از این مبالغات غالبا در تعب اند وکار ایشان اینست که خود قیمت میکنند
عفی الله تعالی عنهم وعنا وَرَوَی الْحَلَبِیُّ عَنْهُ عَنْ اَبِیهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمَا قَالَ اِذَا صَلَّیْتَ صَلٰوةً وَاَنْتَ فِی الْمَسْجِدِ فَاُقِیمَتِ
الصَّلٰوةُ فَاِنْ شِئْتَ فَاخْرُجْ وَاِنْ شِئْتَ فَصَلِّ مَعَهُمْ وَاجْعَلْهَا تَسْبِیحًا وباسانید صحیحه منقولست از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه از پدرش صلوات الله علیهما که فرمودند که هرکاه در مسجد نماز خود را بکذاری وسنیان یا شیعیان
اقامه بکویند از جهت همان نماز پس اکر خواهی بیرون رو واکر خواهی باش وبا ایشان مرتبه دیکر نماز کن وآنرا قصد نافله
کن اما با شیعه که شکی نیست که اعاده سنت است وباعامه نیز بر سبیل تقیه وَرَوَی اِسْحٰقُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْهُ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ — یا واجبات باستثنای م
اَنَّهُ قَالَ صَلِّ وَاجْعَلْهَا لِمَا فَاتَ ودر موثق کالصحیح منقولست از اسحق که عرض نمودم بآنحضرت صلوات الله علیه که کاه هست
که اقامه میکویند ومن نماز کرده ام حضرت فرمودند که مرتبه دیکر نماز کن وقصد نماز قضا کن واین حدیث احتمال سنی
وشیعه هر دو دارد وَرَوَی مُعٰوِیَةُ بْنُ شُرَیْحٍ عَنْ اَبِی عَبْدِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ اَنَّهُ قَالَ اِذَا جَاءَ الرَّجُلُ مُبَادِرًا وَ
الْاِمَامُ رَاکِعٌ اَجْزَاَتْهُ تَکْبِیرَةٌ وَاحِدَةٌ لِدُخُولِهِ فِی الصَّلٰوةِ وَالرُّکُوعِ وکالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه منقولست که فرمودند که هرکاه شخصی برسد ومیخواهد که ادراک نماز جماعت کند وامام در رکوع باشد کافیست
او را یک تکبیر از جهت داخل شدن در نماز واز جهت رکوع وقصد هر دو میتواند کرد یا آنکه اکر بقصد تکبیر احرام
بکوید احتیاج بتکبیر رکوع نیست چون وقت تنکست واین اظهر است اکرچه اول بهتر است تا ثواب تکبیر رکوع نیز داشته
باشد اکرچه بعضی دغدغه کرده اند که یک فعل چون تواند بود که واجب وسنت باشد واین سهلست بعد از اعتبار — زیرا که جایز است ص
مثل نماز واجب را در مسجد ویا بجماعت واقع ساختن ونماز بر طفل وبالغ کردن در نماز میت وَمَنْ اَدْرَکَ الْاِمَامَ وَ

هُوَ سَاجِدٌ كَبَّرَ وَسَجَدَ مَعَهُ وَلَمْ يَعْتَدَّ بِهَا وکسی که ادراك کند امام را در سجده تکبیر بکوید وبا او بسجود رود
واعتماد بآن سجود یا بآن نماز نکند بلکه سلام میدهد ونماز را از سر میکیرد اکر در سجده رکعت آخر باشد واکرنه
در رکعت دیکر تکبیر احرام میکوید چنانکه در حسن کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که
فرمودند که هرکاه امام را دریابی بعد از رکوع با امام بسجده رو واین سجده را حساب مکن بلکه محض متابعت امامست
در هر رکعتی که باشد وچون برخیزد امام مرتبه دیکر تکبیر احرام میکوید ودر حدیث صحیح از محمد بن مسلم منقولست که
کفت بآنحضرت صلوات الله علیه عرض نمودم که در چه وقت ادراك نماز میکند با امام حضرت فرمودند که هرکاه دریابد
امام را در سجده آخر نماز پس او ادراك کرده است فضیلت نماز جماعت را وَمَنْ اَدْرَكَ الْاِمَامَ وَهُوَ فِي الرَّكْعَةِ
الْاَخِيرَةِ فَقَدْ اَدْرَكَ فَضْلَ الْجَمَاعَةِ وهرکه دریابد امام را در رکعت آخر پیش از رکوع پس ادراك کرده است فضل
نماز جماعت را بی دغدغه وآن رکعت محسوبست وباقی را بعد از سلام امام بجای آورد واکر دریابد امام را در رکوع
رکعت آخر مشهور آنست که ادراك رکعت میکند واحادیث صحیحه برین مضمون وارد شده است وکذشت واخباری
که وارد شده است که در نمی یابد محمولست بر نماز جمعه چنانکه خواهد آمد یا محمولست بر ادراك کمال فضل که آنرا در
نمی یابد وَمَنْ اَدْرَكَهُ وَقَدْ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ الْاَخِيرَةِ وَهُوَ فِي التَّشَهُّدِ فَقَدْ اَدْرَكَ الْجَمَاعَةَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ اَذَانٌ
وَلَا اِقَامَةٌ وَمَنْ اَدْرَكَهُ وَقَدْ سَلَّمَ فَعَلَيْهِ الْاَذَانُ وَالْاِقَامَةُ وکسی که ادراك کند امام را وقتی که سر از سجده
آخر برداشته باشد ودر تشهد باشد ادراك فضیلت جماعت کرده است ولیکن ادراك نماز جماعت نکرده است
وبر او اذان واقامه نیست وکسی که ادراك کند امام را بعد از سلام بر وست اذان واقامه اکر صفها متفرق شده باشند
چنانکه کذشت واکر صفها متفرق نشده باشند نیز اذان واقامت میکوید استحبابا چنانکه ظاهر موثقه عمار است
ودر صحیح وموثق کالصحیح از ابو بصیر منقولست که کفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که
هرکاه شخصی داخل مسجد شود ومردمان نماز کرده باشند آیا اذان واقامه میکوید حضرت فرمودند که اکر داخل
شود وصف متفرق نشده باشد باذان واقامه ایشان اکتفا میکند ونماز میکند واکر صفها متفرق شده باشند
اذان واقامه میکوید ودر موثق از عمار منقولست که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال کردند از
شخصی که امامت جمعی کند آیا جایزاست که ردا را حمایل کند بالای جامهای خود هرچند جامهای بسیار پوشیده باشد

چون این

چون این عمل امام را جایز نیست واز آنحضرت سؤال کردند از شخصی که ادراك کند امام را در وقت سلام
حضرت فرمودند که بر وست که اذان واقامه بکوید ونماز را از سر کیرد ممکنست که حمل کنیم بر صورت تفرق یا ایخد ثراه
بر جواز ودر موثق از عمار منقولست که کفت از آنحضرت صلوات الله علیه سؤال کردم از شخصی که دریابد امام را در
تشهد ودر عقب امام نباشد مکر یك کس از دست راست امام حضرت فرمودند که امام پیش میرود وآن ماموم
اول پس می آید که صف شود ولیکن ماموم آخر می نشیند در عقب امام وچون امام سلام میدهد برمیخیزد ونماز
را تمام میکند اما اکر امام را در تشهد اول دریابد اولی آنست که چون بامام ملحق شود در تشهد ننشیند چنانکه
دلالت میکند برین موثقه عمار از آنحضرت صلوات الله علیه وَلَا يَجُوزُ جَمَاعَتَانِ فِي مَسْجِدٍ فِي صَلٰوةٍ وَاحِدَةٍ فَقَدْ
رَوٰى مُحَمَّدُ بْنُ اَبِي عُمَيْرٍ عَنْ اَبِي عَلِيٍّ الْحَرَّانِيِّ قَالَ كُنَّا عِنْدَ اَبِي عَبْدِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ فَاَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ صَلَّيْنَا
فِي مَسْجِدِ الْفَجْرِ فَانْصَرَفَ بَعْضُنَا وَجَلَسَ بَعْضٌ فِي التَّسْبِيحِ فَدَخَلَ عَلَيْنَا رَجُلٌ الْمَسْجِدَ فَاَذَّنَ فَمَنَعْنَاهُ وَدَفَعْنَاهُ
عَنْ ذٰلِكَ فَقَالَ اَبُو عَبْدِ اللّٰهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ اَحْسَنْتُمْ اُدْفُعُوهُ عَنْ ذٰلِكَ وَامْنَعُوهُ اَشَدَّ الْمَنْعِ فَقُلْتُ لَهُ
فَاِنْ دَخَلَ جَمَاعَةٌ فَقَالَ يَقُومُونَ فِي نَاحِيَةِ الْمَسْجِدِ وَلَا يَبْدُرُ بِهِمْ اِمَامٌ وجایز نیست دو نماز جماعت در
یك مسجد در یك نماز بدلیل آنکه منقولست در صحیح از محمد از ابو علی که مجهول الحالست وکفت ما جمعی در خدمت
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودیم که شخصی آمد وکفت ما نماز صبح را کردیم بعضی رفتند وبعضی
نشستند ومشغول تسبیح شدند در تعقیب که شخصی داخل مسجد شد واذان کفت وما او را منع کردیم ونکذاشتیم
که اذان بکوید حضرت فرمودند که خوب کردید مکذارید که مرتبه دیکر اذان بکوید ومنع کنید سخت ترین مراتب منع
پس من عرض نمودم که اکر جمعی داخل شوند وخواهند که نماز کنند چکنند حضرت فرمودند که در کوشه مسجد می ایستند یعنی
نه در جای امام راتب واقتدا میکنند ولیکن امام ایشان درمیان ایشان می ایستد وپیش نمیرود مثل امام راتب مبادا
بر امام سابق یا بر ماموین او شاق باشد ودر تهذیب این زیادتی هست که من عرض نمودم که فدای تو کردم بدستی
که ما را امامی هست سنی ودشمن جمیع شیعیانست برویم وبا او نماز کنیم حضرت فرمودند که چه میشود اکر راست
میکویی که او بد است تو سزاوارتری بمسجد از وچنانکه حق سبحانه وتعالی فرموده است که اِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّٰهِ الخ
چنانکه کذشت وفی الحقیقه نماز تو صحیح است می باید پیش از همه کس داخل مسجد شوی وبعد از همه کس بیرون آیی و

خُلُق خود را با مردمان خوب کن و حرف خیر بگو پس شخصی گفت که فدای تو کردم حق سبحانه و تعالی فرموده است
وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا یعنی با مردمان سخن خیر و خوب بگویید آیا با همه مردمان مراد است حضرت تبسمی فرمودند
و فرمودند که مراد الهی از این آیه اینست که بگویید محمد رسول خداست صلوات الهی برو و بر اهل بیت او باد و
انچه صدوق ذکر کرده است از علم جواز و مستند باین حدیث شده است غریبست زیرا که ظاهر این خبر
دلالت میکند بر انکه اذان و اقامه نتوان گفت هرگاه جمیع صفوف متفرق نشده باشند مخالف انچه صدوق گفت
پیش ازین بلکه دلالت میکند بر انکه نماز جماعت میتوان کرد بدون انکه امام پیش رود مگر انکه مطلب صدوق نیز
همین باشد اگرچه بعید است و مؤید اینست حدیث موثق زید بن علی از آبای خود صلوات الله علیهم که فرمودند
که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه با مردم نماز کرده بودند که دو کس داخل مسجد شدند حضرت فرمودند که اگر
میخواهید یکی از شما امامت کنید دیگری را و اذان و اقامه نگویید و در قوی از سکونی از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه منقولست که فرمودند هرگاه شخصی داخل مسجد شود و اهل مسجد نماز کرده باشند پس می باید که اذان و
اقامه نگوید البته و نماز نافله نکند و از ان مسجد بیرون نرود تا نماز واجب را بجا بیاورد و در حدیث صحیح از
هشام بن سالم منقولست که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که فرمودند که هرگاه امام از
نماز فارغ شود در انجا نماز نکند تا بگردد از انجا بجای دیگر مبادا ماً مومان توهم کنند که نمازی دیگر هست وَمَنْ نَسِيَ
التَّسْلِيمَ خَلْفَ الْإِمَامِ أَجْزَأَهُ تَسْلِيمُ الْإِمَامِ و کالصحیح منقولست از حلبی و طریق صدوق باو صحیح است از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که هر که فراموش کند سلام را در عقب امام کافیست او را سلام امام
و منافات ندارد با وجوب یا استحباب تدارک آن چنانکه در موثق کالصحیح از ابو بصیر منقولست که حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه شخصی فراموش کند سلام را پس چون رو از قبله بگرداند و گفته باشد
السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ از نماز فارغ شده است یعنی قائم مقام سلام میشود هرچند قصد سلام
نکرده باشد و اخبار دیگر گذشت وَمَنْ سَهَى فَسَلَّمَ قَبْلَ الْإِمَامِ فَلَيْسَ بِهِ بَأْسٌ و کسی که سهو کند و پیش از امام سلام
دهد باکی نیست اخبار صحیحه گذشت که عمداً سلام میتواند داد پیش از امام پس در سهو بطریق اولی صحیح خواهد بود
با انکه در صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست در شخصی که نماز کند در عقب امامی و سلام دهد

پیش

پیش از امام حضرت فرمودند که باکی نیست و شامل عمد و سهو هر دو هست اگرچه شیخ مستند سهو
گردانیده است و ظاهر از جهت عموم آنست وَرَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي رَجُلٍ سَبَقَهُ الْإِمَامُ بِرَكْعَةٍ ثُمَّ أَوْهَمَ الْإِمَامُ فَصَلَّى خَمْسًا قَالَ يَقْضِي تِلْكَ
الرَّكْعَةَ وَلَا يَعْتَدُّ بِوَهْمِ الْإِمَامِ و در موثق کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست در شخصی
که امام بیشتر از و یک رکعت کرده باشد و ملحق شود با امام پس امام سهو کند و نماز را پنج رکعت کند آیا می تواند اقتدا
کردن باین رکعت امام حضرت فرمودند که نیت انفراد میکند و رکعت خود را بجا می آورد و اعتماد نمیکند بسهو امام
که رکعت خود را بآن اقتدا کند چون رکعت آن باطلست و زاید و ظاهر آنست که اما میست که بآن اقتدا میتوان کرد که
اگر کسی باشد که اقتدا باو نتوان کرد با او متابعت میکند و از جهت خود قرائت میکند و هرگاه با چنین شخصی نماز کند
سنت است که قرائت را خصوصا حمد را تند بخواند اگرچه مثل حدیث نفس باشد و چنان کند که پیش از و فارغ شود از
قرائت پس اگر امام بیشتر فارغ شود و برکوع رود با او برکوع میرود و تتمه حمد را در رکوع و در سجود میخواند چنانکه
در صحیحه لیث از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه وارد شده است و در صحیح از بزنطی از ابراهیم وارد شده است که
نوشتم بخدمت امام محمد تقی صلوات الله علیه و سؤال کردم از شخصی که دوست حضرت امیر المؤمنین است صلوات الله
علیه و اعتقادش اینست که مسح بر موزه می توان کشید یا حرام میداند مسح را و لیکن مسح میکشد بر موزه حضرت نوشتند
که اگر مضطر شوی در نماز کردن با چنین کسی اذان و اقامت از جهت خود بگو و قرائت از جهت خود بکن و اگر تو بیشتر
از و فارغ شوی تسبیح بگو تا او فارغ شود و در صحیح از ابن ابی عمیر از ابن اذینه از علی بن سعد بصری منقولست که گفت
عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که من در بصره خانه‌ام در قبیله بنی عدی است و مؤذن ایشان
و امام ایشان و همه اهل مسجد عثمانی اند و تبرا میکنند از شما و از شیعیان شما و من در میان ایشانم اقتدا بایشان
بکنم حضرت فرمودند که اقتدا با امام ایشان بکن و اکتفا کن بقراءت او و چون ببصره میروی فضیل از تو سؤال خواهد
کرد که از حضرت چه چیز شنیده خبر خواهی داد او را بانچه بتو گفته‌ام هرچه فضیل بن یسار خواهد گفت بقول او
عمل خواهی کرد و قول مرا ترک خواهی نمود علی میگوید که چون ببصره رفتم و فضیل از من پرسید من خبر دادم فضیل
را بانچه از انحضرت شنیده بودم فضیل گفت حضرت اعلم است بانچه فرموده است ولیکن من از انحضرت و از پدرش

صلوات الله علیهما شنیده ام که میفرمودند که اعتماد مکن بنماز در عقب ناصبی و اقتدا باو مکن و از
جهت خود قرائت کن پس بفرموده آنحضرت عمل بقول فضیل کردم و ترک کردم انچه را از روی تقیه فرموده بودند
و در موثق کالصحیح از زراره منقولست از حمران که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بمن فرمودند که هرگاه
سنیان نماز جمعه را در وقت کنند با ایشان نماز کنید زراره گفت که بحمران گفتم که بحسب واقع چنین نیست و
حضرت تقیه فرموده اند چگونه بدشمن خدا اقتدا توانم کرد حمران گفت که چگونه تقیه فرموده باشند که من سؤال
نکردم از آنحضرت بلکه حضرت صلوات الله علیه خود سر کردند و فرمودند که در کتاب حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه نوشته است که هرگاه ایشان نماز جمعه را در وقت بجا آورند با ایشان نماز کنید چگونه تقیه فرموده باشند
زراره گفت گفتم البته حضرت تقیه کرده اند از تو و اقتدا باین جماعت جایز نیست تا آنکه چنین شد که بخدمت آنحضرت
صلوات الله علیه رسیدیم حمران عرض نمود که حق سبحانه و تعالی دشمنان ترا نیست کند انچه بمن فرموده بودید
بزراره نقل کردم زراره گفت که چنین نیست با فاسق دشمن خدا اقتدا نمیتوان کرد پس حضرت صلوات الله علیه فرمودند
که در کتاب امیر المؤمنین صلوات الله علیه نوشته است که هرگاه ایشان نماز جمعه را در وقت بجا آورند با ایشان
دو رکعت نماز بکن و در همانجا دو رکعت دیگر بکن که چهار رکعت بجا آورده باشی عرض نمودم که پس چهار رکعت
ظهر را از جهت خود کرده باشم و اقتدا باو نکرده باشم حضرت فرمودند که بلی پس هر دو راضی شدیم و خاموش
شدیم و ظاهر شد که آنحضرت تقیه فرموده بودند یا اتقا که مبادا ضرری بحمران رسد و در حسن کالصحیح از زراره
منقولست که عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که جمعی روایت کرده اند از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه که آنحضرت بعد از نماز جمعه چهار رکعت نماز کردند که در دو رکعت او سلام ندادند که نافله جمعه باشد
این چه نماز است که آنحضرت کردند حضرت فرمودند که ای زراره حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در عقب فاسقی
که او ابوبکر بود یا عمر نماز کردند و چون سلام داد و فارغ شد حضرت برخواستند و چهار رکعت ظهر را بجا آوردند پس
شخصی که در پهلوی آنحضرت بود گفت یا ابا الحسن چهار رکعت نماز کردی که در میان آن سلام ندادی این چه نماز است
حضرت فرمودند که این چهار رکعت است که مشتبهات است و حضرت خاموش شدند و بخدا قسم که نفهمید که
حضرت چه فرمودند و غرض حضرت این بود که این چهار رکعت مردمان را بشبهه می اندازد که بفکر افتند که این امام کافر

است و فاسق که حضرت نماز ظهر را اعاده کردند و اعتماد بر نماز او نکردند و از حماقت و خریت سنیان
تا حال نفهمیده اند و بعضی بعد از نماز جمعه دو رکعت میکنند و بعضی چهار رکعت و آنکه لازمست قراءت در
صورت امکانست و با عدم امکان جایز است اکتفا بقرائت امام سنی کردن چنانکه در اخبار بسیار وارد شده
است والحمد لله رب العالمین والصلوة علی اشرف المرسلین محمد و عترته القدیسین نمقه بیده الداثره مولفه
محمد تقی بن مجلسی عفی عنهما بالنبی و آله المطهرین
فی شهر شوال لسنة خمس و ستین
بعد الالف من الهجرة المقدسه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی سید الانبیاء والمرسلین محمد و عترته الطاهرین باب وجوب
الجمعة وفضلها ومن وضعت عنه والصلوة والخطبة فیها این بابیست در بیان وجوب نماز جمعه و در — وفضیلت نماز جمعه
بیان جمعی که نماز جمعه از ایشان ساقط است و در بیان نماز جمعه و خطبه که وارد است در نماز جمعه اما وجوب نماز
جمعه پس دلالت میکند بر آن آیات بسیار از انجمله قول حق سبحانه و تعالی که فرموده است یا ایها الذین آمنوا اذا
نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله وذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون فاذا
قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله واذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون واذا راوا
تجارة او لهوا انفضوا الیها وترکوک قائما قل ما عند الله خیر من اللهو ومن التجارة والله خیر الرازقین
بدانکه تفسیر آیات چنانکه مراد الهی است نه حد بشر است و لیکن چون آیه از محکمات قرآنست باتفاق علما ترجمه
اش ذکر میکنم و تاکیدات و مبالغاتی که درین آیه شده است در رساله منفرده مذکور است با احادیث متواتره و ادله
و دفع شبهه کما هو حد البشر یعنی ای گروه مؤمنان هرگاه ندای جمعه داده شود یعنی اذان گفته شود یا اعلام کرده
شود باذان و غیر آن و بدانید که نماز جمعه میکنند پس همگی بشتابید و سعی کنید بسوی ذکر الهی که نماز جمعه است
یا خطبه آن یا هر دو و ترک کنید خرید و فروخت را یا مطلق تجارات را چنانکه اکثر مفسرین گفته اند و در آیه دیگر
مطلق تجارت مذکور است و این سعی شما بنماز و خطبه و ترک بیع از جهت شما بهتر است اگر از اهل علمید پس چون نماز

صلوات الله علیهما شنیده ام که میفرمودند که اعتماد مکن بنماز در عقب ناصبی واقتدا باو مکن واز
جهت خود قرائت کن پس بفرموده آنحضرت عمل بقول فضیل کردم وترک کردم آنچه را از روی تقیه فرموده بودند
ودر موثق کالصحیح از زراره منقولست از حمران که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بمن فرمودند که هرگاه
سنیان نماز جمعه را در وقت کنند با ایشان نماز کنید زراره گفت که بحمران گفتم که بحسب واقع چنین نیست و
حضرت تقیه فرموده اند چگونه بدشمن خدا اقتدا توان کرد حمران گفت که چگونه تقیه فرموده باشند که من سؤال
... صلوات

اشتند

علیه فرمودند

ظهر را از جهت خود کرده باشم واقتدا باو نکرده باشم حضرت فرمودند که بلی پس هر دو راضی شدیم وخاموش
شدیم وظاهر شد که آنحضرت تقیه فرموده بودند یا اتقا که مبادا ضرری بحمران رسد ودر حسن کالصحیح از زراره
منقولست که عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که جمعی روایت کرده اند از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه که آنحضرت بعد از نماز جمعه چهار رکعت نماز کردند که در دو رکعت او سلام ندادند که نافله جمعه باشد
این چه نماز است که آنحضرت کردند حضرت فرمودند که ای زراره حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در عقب فاسقی
که او ابوبکر بود یا عمر نماز کردند وچون سلام داد وفارغ شد حضرت برخاستند وچهار رکعت ظهر را بجا آوردند پس
شخصی که در پهلوی آنحضرت بود گفت یا ابا الحسن چهار رکعت نماز کردی که در میان آن سلام ندادی این چه نماز است
حضرت فرمودند که این چهار رکعت است که مشتبهاتست وحضرت خاموش شدند وبخدا قسم که نفهمید که
حضرت چه فرمودند وغرض حضرت این بود که این چهار رکعت مردم را بشبهه می اندازد که بفکر افتند که این امام کافر

است وفاسق که حضرت نماز ظهر را اعاده کردند واعتماد بر نماز او نکردند واز حماقت وخریت سنیان
تا حال نفهمیده اند وبعضی بعد از نماز جمعه دو رکعت میکنند وبعضی چهار رکعت وآنکه لازمست قراءت در
صورت امکانست وبا عدم امکان جایز است اکتفا بقرائت امام سنی کردن چنانکه در اخبار بسیار وارد شده
است والحمد لله رب العالمین والصلوة علی اشرف المرسلین محمد وعترته القدیسین نمقه بیده الداثره مولفه

محمد تقی بن مجلسی عفی عنهما بالنبی وآله المطهرین

فی شهر شوال لسنة خمس وستین

بعد الالف من الهجرة المقدسه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی سید الانبیاء والمرسلین محمد وعترته الطاهرین باب وجوب
الجمعة وفضلها ومن وضعت عنه والصلوة والخطبة فیها این بابیست در بیان وجوب نماز جمعه ودر — وفضیلت نماز جمعه
بیان جمعی که نماز جمعه از ایشان ساقطاست ودر بیان نماز جمعه وخطبه که وارداست در نماز جمعه اما وجوب نماز
جمعه پس دلالت میکند بر آن آیات بسیار از انجمله قول حق سبحانه وتعالی که فرموده است یا ایها الذین آمنوا اذا
نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله وذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون فاذا
قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله واذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون واذا راوا
تجارة او لهوا انفضوا الیها وترکوک قائما قل ما عند الله خیر من اللهو ومن التجارة والله خیر الرازقین
بدانکه تفسیر آیات چنانکه مراد الهی است نه حد بشراست ولیکن چون آیه از محکمات قرآنست باتفاق علما ترجمه
اش ذکر میکنم وتاکیدات ومبالغاتی که درین آیه شده است در رساله منفرده مذکوراست با احادیث متواتره وادله
ودفع شبه کما هو حد البشر یعنی ای گروه مؤمنان هرگاه ندای جمعه داده شود یعنی اذان گفته شود یا اعلام کرده
شود باذان وغیر آن وبدانید که نماز جمعه میکنند پس همگی بشتابید وسعی کنید بسوی ذکر الهی که نماز جمعه است
یا خطبه آن یا هر دو وترک کنید خرید وفروخت را یا مطلق تجارات را چنانکه اکثر مفسرین گفته اند ودر آیه دیگر
مطلق تجارت مذکوراست واین سعی شما بنماز وخطبه وترک بیع از جهت شما بهتراست اگر از اهل علمید پس چون نماز

صلوات الله علیهما شنیده ام که میفرمودند که اعتماد مکن بنماز در عقب ناصبی و اقتدا باو مکن و از
جهت خود قرائت کن پس بفرموده آنحضرت عمل بقول فضیل کردم و ترک کردم آنچه را از روی تقیه فرموده بودند
و در موثق کالصحیح از زراره منقولست از حمران که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بمن فرمودند که هرگاه
سنیان نماز جمعه را در وقت [illegible] گفتم که بحسب واقع چنین نیست و
حضرت تقیه فرمود [illegible] تقیه فرموده باشند که من سؤال
نکردم از آنحضرت [illegible] در کتاب حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه نوشته است که [illegible] نماز کنید چگونه تقیه فرموده باشند
زراره گفت گفتم البته [illegible] تا آنکه چنین شد که بخدمت آنحضرت
صلوات الله علیه رس[illegible] نیست کند آنچه بمن فرموده بود دید
بزراره نقل کردیم زر[illegible] وانکرد پس حضرت صلوات الله علیه فرمودند
که در کتاب امیر المؤمن[illegible] دو وقت بجا آورند با ایشان
دو رکعت نماز بکن و [illegible] عرض نمودم که پس چهار رکعت
ظهر را از جهت خود [illegible] پس هردو راضی شدیم و خاموش
شدیم و ظاهر شد که [illegible] رسد و در حسن کالصحیح از زراره
منقولست که عرض نمود[illegible] اند از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه که آنحضرت [illegible] و سلام ندادند که نافله جمعه باشد
این چه نماز است که آن[illegible] نین صلوات الله علیه در عقب فاسقی
که او ابوبکر بود یا عمر نماز کردند و چون سلام داد و فارغ شد حضرت [illegible] و چهار رکعت ظهر را بجا آوردند پس
شخصی که در پهلوی آنحضرت بود گفت یا ابا الحسن چهار رکعت نماز کردی که در میان آن سلام ندادی این چه نماز است
حضرت فرمودند که این چهار رکعت است که مشتبهات است و حضرت خاموش شدند و بخدا قسم که نفهمید که
حضرت چه فرمودند و غرض حضرت این بود که این چهار رکعت مردم ما را بشبهه می اندازد که بفکر افتند که این امام کافر

است و فاسق که حضرت نماز ظهر را اعاده کردند و اعتماد بر نماز او نکردند و از حماقت و خریت سنیان
تا حال نفهمیده اند و بعضی بعد از نماز جمعه دو رکعت میکنند و بعضی چهار رکعت و آنکه لازمست قراءت در
صورت امکانست و با عدم امکان جایز است اکتفا بقرائت امام سنی کردن چنانکه در اخبار بسیار وارد شده
است والحمد لله رب العالمین والصلوة علی اشرف المرسلین محمد و عترته القدیسین نمقه بیده الداثره مولفه

محمد تقی بن مجلسی عفی عنهما بالنبی و آله المطهرین

فی شهر شوال لسنة خمس و ستین

بعد الالف من الهجرة المقدسه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی سید الانبیاء والمرسلین محمد و عترته الطاهرین باب وجوب
الجمعة و فضلها و من وضعت عنه والصلوة والخطبة فیها این بابیست در بیان وجوب نماز جمعه و در وفضیلت نماز جمعه
بیان جمعی که نماز جمعه از ایشان ساقط است و در بیان نماز جمعه و خطبه که وارد است در نماز جمعه اما وجوب نماز
جمعه پس دلالت میکند بر آن آیات بسیار از انجمله قول حق سبحانه و تعالی که فرموده است یا ایها الذین آمنوا اذا
نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون فاذا
قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله واذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون واذا راوا
تجارة او لهوا انفضوا الیها و ترکوک قائما قل ما عند الله خیر من اللهو و من التجارة والله خیر الرازقین
بدانکه تفسیر آیات چنانکه مراد الهی است نه حد بشر است ولیکن چون آیه از محکمات قرآنست باتفاق علما ترجمه
اش ذکر میکنم و تاکیدات و مبالغاتی که درین آیه شده است در رساله منفرده مذکور است با احادیث متواتره و ادله
و دفع شبه کما هو حد البشر یعنی ای گروه مؤمنان هرگاه ندای جمعه داده شود یعنی اذان گفته شود یا اعلام کرده
شود باذان و غیر آن و بدانید که نماز جمعه میکنند پس همگی بشتابید و سعی کنید بسوی ذکر الهی که نماز جمعه است
یا خطبه آن یا هردو و ترک کنید خرید و فروخت را یا مطلق تجارات را چنانکه اکثر مفسرین گفته اند و در آیه دیگر
مطلق تجارت مذکور است و این سعی شما بنماز و خطبه و ترک بیع از جهت شما بهتر است اگر از اهل علمید پس چون نماز

جمعه بجا آورده شود پس پهن شوید در زمین وطلب کنید روزی را در روز شنبه از فضل الهی ویاد کنید
خداوند خود را بسیار تا آنکه شاید رستکار شوید وهرگاه می‌بینند تجارت ویا زرکانی را یا میشنوند
صدای کوس ودهل را پراکنده میشوند بسوی آن وترا وامیکذارند ایستاده در خطبه یا نماز بکو یا محمد که آنچه
نزد حق سبحانه وتعالی است بهتر است از لهو واز تجارت وحق سبحانه وتعالی بهترین روزی دهندکانست اگر
نمیرفتید ومشغول نماز میبودید بروجه احسن روزی شما را میداد امّا استدلال باین آیات بر وجوب
نماز جمعه از چند وجهست اوّل آنکه هیچ شك نیست که نماز جمعه در زمان حضرت سیّد المرسلین صلی الله علیه
وآله واجب عینی بود باین آیه واگرچه امر از برای وجوب وندب آمده است مذکور شد که از اخبار صحیحه
ظاهر میشود که اوامر قرآنی از برای وجوبست واکثر اصولیان بر اینند وبر تقدیری که اوامر قرآنی نیز مشترك
باشد شکی نیست که بسیاری از اوامر آن از جهت وجوبست بقرینه چنانکه اوامر نماز یومیه باتفاق علما
از برای وجوبست همچنین شك نیست که این امر نیز از برای وجوبست بروجه ابلغ زیرا که امر بسعی لازم وارد
که آنچه سعی بآن میکنند واجب باشد وآنکه امر بسعی مشروطست بندا بظاهر آیه خلافی نیست میان اصحاب در آنکه در
زمان حضور مشروط نبود نماز جمعه ~~باذان بلکه مراد~~ بندا کم اعلامست یا اذان بلکه غرض از تعلیق بر اذان زیادتی
اهتمامست بشان اذان در نماز جمعه تا آنکه جمعی از علما قایل شده اند بوجوب اذان از جهت نماز جمعه از جهت
این تعلیق دویم ترك بیع وحرمت آن وظاهر است که از آنجهت حرام شده است که مانعست از حضور نماز جمعه
ولهذا جمعی کثیر از علما قایل شده اند که مراد از بیع جمیع تجارات است بقرینه تعییر وسرزنش بر مطلق تجارت بلکه
جمعی کثیر کفته اند که هرچه مانع نماز جمعه باشد واجبست ترك آن از باب مقدمه وشکی نیست در آنکه هرگاه
از دو فرسخ راه باید آمدن بنماز جمعه هر مباحی را ترك می باید کرد ودر وقتی روانه می باید شد که علم یا ظن قریب
بعلم داشته باشد که بنماز جمعه میرسد سیّم مذمت الهی بر ترك جمعی نماز جمعه را یا شنیدن خطبه آنرا چنانکه
در روایات متعدده از جابر بن عبدالله منقولست که اهل مدینه مبتلا بجوع وقحط شده بودند ودحیه کلبی پیش
از اسلام او آذوقه بسیار از شام آورد وپیش پیش آن دفها وطبلها میزدند وحضرت سیّد المرسلین صلی الله
علیه وآله خطبه میخواندند یا در نماز بودند که صحابه همکی آنحضرت را باز کذاشته جمعی از جهت خریدن طعمه و

جمعی بتماشا رفتند وبا آنحضرت نماند مکر دوازده نفر یا کمتر پس این آیه نازل شد وحضرت فرمودند که
اگر شما نیز میرفتید آتشی نازل میشد که همه میسوختید ودر روایتی دیگر سنك بر شما می بارید از آسمان
واگر نماز جمعه وشنیدن خطبه واجب نمیبود حق سبحانه وتعالی این سرزنش نمیفرمود وبر ترك مستحب آتش و
سنك نمی آمد مجملا شکی درین نیست که آیات در نماز جمعه است ونماز جمعه در زمان حضور معصوم واجب بود
بر همه کس وضروری دین حضرت سیّد المرسلین است صلی الله علیه وآله که هرچه در زمان آنحضرت بر خلایق
واجب بود ومنسوخ نشد حکم آن باقی است تا روز قیامت ولیکن جمعی از علما که نماز جمعه را در حالت غیبت
حرام میدانند متمسك ایشان اینست که نماز جمعه مثل سایر واجبات مطلقه نیست بلکه حق سبحانه وتعالی وجوب
آنرا مشروط بندا کردانیده است ودر زمان حضور حضرت سیّد المرسلین وائمه طاهرین صلوات الله علیهم
بدون اذن ایشان کسی نماز جمعه نمیکرد واجماع است که اذن معصوم شرطست وبی رخصت معصوم در زمان
حضور نماز نمیتوانست کردن وچون در زمان غیبت اذن نیست پس حرام بوده باشد مثل جهاد که مشروط
است بوجود معصوم وجواب ایشان اینست که در آیات واحادیثی که بما رسیده است چیزی نیست که دلالت
کند بر آنکه اذن شرطست وبر تقدیر تسلیم اذن مخصوص بزمان حضور است از جهت رفع نزاع چنانکه در
زمان حضور کسی بی رخصت قاضی نمیشد ودر شهری بغیر از یك قاضی نمیبود مکر شهری عظیمی که یکی کم باشد و
در زمان غیبت یا حضوری که معصوم استیلا نداشته باشد وبمنزله زمان غیبت است در هر شهری جایز است
که هزار قاضی باشد زیرا که هر عالمی را قاضی کردند همچنین هر عادلی یا فقیهی را رخصت نماز جمعه دادند چنانکه
خواهد آمد ودر حدیث مرسلی از حماد بن عیسی منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمودند که هر
گاه خلیفه خدا که امام زمانست وارد شود در شهری از شهرهای مسلمانان آنحضرت نماز جمعه میکند وغیر آنحضرت
را نیست که نماز جمعه کند وجمعی ازین حدیث استدلال کرده اند که معصوم شرطست در نماز جمعه واستدلال
ایشان صحیح نیست زیرا که اگر معصوم باشد آنحضرت باتفاق علما مقدمست بر دیگران وحدیث بر همین معنی
دلالت میکند نه بر آنکه البته معصوم می باید بلکه مفهوم حدیث اینست که اگر معصوم وارد نشود دیگران میتوانند
کرد وعمده مستندان جماعت اجماعست که در زمان ظهور معصوم البته جایز نیست بی رخصت آن حضرت

ونزد ما این اجماع ظاهر نیست وبرتقدیر تسلیم اجماع در زمان حضور است نه در زمان غیبت وبرتقدیر
عموم اذن هست باخبار متواتره که رخصت داده اند هرکس راکه خطبه تواند خواند که امامت بکند وجمعی
از اصحاب قایل شده اند که مجتهدان ماذونند در زمان غیبت در امور عظیمه وبگفته ائمه هدی صلوات الله
علیهم ایشان حاکمند وحاکم نماز جمعه می تواند کرد بی دغدغه چنانکه علامه در تذکره وشهید در دروس ولمعه تصریح
باین کرده اند ونزد این ضعیف اذن اخبار اظهر است چنانکه شیخ طوسی در خلاف گفته است وخواهد آمد و
اگر کسی تفصیل گفتگو خواهد رجوع برساله فقیر ورساله شهید ثانی علیه الرحمه کند قَالَ اَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ صَلَوَاتُ
اللّٰهِ عَلَيْهِ لِزُرَارَةَ بْنِ اَعْيَنَ اِنَّمَا فَرَضَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْجُمُعَةِ اِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَثَلٰثِينَ صَلوٰةً
فِيهَا صَلوٰةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي جَمَاعَةٍ وَهِيَ الْجُمُعَةُ وَوَضَعَهَا عَنْ تِسْعَةٍ عَنِ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ
وَالْمَجْنُونِ وَالْمُسَافِرِ وَالْعَبْدِ وَالْمَرْاَةِ وَالْمَرِيضِ وَالْاَعْمٰى وَمَنْ كَانَ عَلٰى رَاْسِ فَرْسَخَيْنِ وَالْقِرَاءَةُ فِيهَا
بِالْجَهْرِ وَالْغُسْلُ فِيهَا وَاجِبٌ وَعَلَى الْاِمَامِ فِيهَا قُنُوتَانِ قُنُوتٌ فِي الرَّكْعَةِ الْاُولٰى قَبْلَ الرُّكُوعِ وَتَفَرَّدَ بِهٰذِهِ
الرِّوَايَةِ حَرِيزٌ عَنْ زُرَارَةَ وَالَّذِي اَسْتَعْمِلُهُ وَاُفْتِي بِهِ وَمَضٰى عَلَيْهِ مَشَايِخِي رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ هُوَ اَنَّ الْقُنُوتَ
فِي جَمِيعِ الصَّلَوَاتِ فِي الْجُمُعَةِ وَغَيْرِهَا فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ بَعْدَ الْقِرَاءَةِ وَقَبْلَ الرُّكُوعِ ومنقولست باسانید صحیحه
وبدو سند صحیح دیگر در خصال از زراره که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که بدرستی وراستی که حق سبحانه
وتعالی واجب گردانیده است بر کافه آدمیان از روز جمعه تا روز جمعه یا از هفته تا هفته یعنی در هر هفته سی
وپنج نماز را چون در شبانروزی پنج نماز واجبست هفت پنج سی وپنج است ودرین نمازها یک نماز است که حق
سبحانه وتعالی آنرا واجب ساخته است که بجماعت واقع سازند وآن نماز جمعه است واز نه کس وجوب عینی آنرا ساقط
گردانیده است از نابالغ وپیر عاجز ودیوانه ومسافر وبنده وزن وبیمار وکور وکسی که بر سر دو فرسخ باشد یعنی
آن طرف آن که زیاده از دو فرسخ بنماز جمعه داشته باشد وقرائت آنرا بلند می باید خواند وغسل در روز جمعه
واجبست وبر امام در نماز جمعه دو قنوتست یک قنوت در رکعت اول پیش از رکوع است ویکی در رکعت دویم
بعد از رکوعست وکسی که تنها گذارد که بنماز جمعه نرسد یا شرایط آن حاصل نباشد بروی یک قنوتست در رکعت
اول پیش از رکوع وصدوق گفته است که آنچه در قنوت واقعست درین حدیث که با امام دو قنوتست وتنها یک قنوتست

وَفِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ بَعْدَ الرُّكُوعِ
وَمَنْ صَلَّاهَا وَحْدَهُ فَعَلَيْهِ قُنُوتٌ
وَاحِدٌ فِي الرَّكْعَةِ الْاُولٰى قَبْلَ الرُّكُوعِ
صح

در رکعت اول پیش از رکوع بغیر از حریز از زراره روایت نکرده است احدی از اصحاب وآنچه خود میکنم
وفتوی میدهم دیگرانرا واستادان من نیز برآنند که رحمت الهی بر ایشان باد آنست که قنوت در همه
نمازها در جمعه ودر غیر آن در رکعت دویم است بعد از قرائت وپیش از رکوع وهمین حدیث را کلینی روایت
کرده است ودر صحیح از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه تا اَنْ وکان علی فرسخین وبقیه را ذکر نکرده است
ودر صحیح از ابو بصیر ومحمد بن مسلم روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که آنحضرت فرمودند
که حق سبحانه وتعالی در هر هفته سی وپنج نماز واجب گردانیده است از آنجمله یک نماز را بر هر مسلمانی واجب گردانیده
است که حاضر شوند آنرا مگر پنج کس بیمار وبنده ومسافر وزن وکودک واز این خبر وامثال این ظاهر میشود که
نماز جمعه مثل سایر نمازهای یومیه واجبست عینا نه تخییرا زیرا که حضرت نماز جمعه را از جمله نمازهای هفته
شمردند وفرمودند که بر همه آدمیان واجبست مگر بر نه کس وطفل ومجنون از ایشان جمیع عبادات ساقط است
وهفت کس دیگر اگر نماز جمعه بکنند صحیح است بدل ظهر وبر ایشان واجب تخییریست پس اگر بر همه کس واجب
تخییری می بود استثنا صورت نداشت ونیز ظاهر میشود که نماز جمعه اصلست نه نماز ظهر وظاهر میشود
که نماز جمعه فریضه است یعنی وجوب آن از قرآن مجید ظاهر شده است نه از سنت نبی صلی الله علیه وآله وقصر نحست
در آنکه می باید بجماعت واقع سازند آنرا وآنکه این معنی نیز از قرآن ظاهر میشود چنانکه حق سبحانه وتعالی فرموده
است که متفرق میشوند وترا میگذارند ایستاده وظاهر میشود که آنرا بلند می باید خواند چنانکه احادیث دیگر
نیز وارد شده است وظاهر میشود که غسل در آن روز واجبست چنانکه اخبار صحیحه گذشت وخواهد آمد
وآنکه غسل را در حقیقت نماز مدخلی هست ولیکن چون اخبار دیگر وارد است بر آنکه غسل سنت است اخبار
وجوب را حمل کرده اند بر استحباب مؤکد واحوط آنست که غسل را بر نیت قربت واقع سازند بدون نیت
وجوب واستحباب وظاهر میشود که در نماز جمعه دو قنوتست وصدوق ذکر کرده است که این معنی از متفردات
حریز است از زراره وسهو کرده است بلی آنکه درین روایت واقع شده است که اگر تنها گذارند یک قنوت است
پیش از رکوع در رکعت اول از جمله متفردات است ودور نیست که درینجا سهو شده باشد از بعضی روات
وبدل شده باشد ثانی باول اما دو قنوت در دو حدیث صحیح از ابو بصیر ودر موثق کالصحیح از سماعه از حضرت

امام جعفر صادق صلوات الله علیه وارد شده است و در حسنه عبد الملک نیز اشعاری بآن شده است و
در صحیحه معویه بن عمار و صحیحه عمر بن یزید و دو صحیحه سلیمن بن خالد و موثقه ابو بصیر از انحضرت صلوات الله
علیه وارد است که قنوت جمعه در رکعت اولست و در موثق کالصحیح بدو سند از عمر بن حنظله که گفت عرض نمودم منقولست ۲
بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که قنوت روز جمعه بچه عنوانست حضرت باو فرمودند که تو این
رسالت را از من باهل کوفه برسان که هرگاه نماز جماعت کنید در رکعت اولست و اگر تنها کنید در رکعت دویمست
و ظاهر مراد از جماعت جمعه است چنانکه از اخبار سابقه ظاهر شد و جمع میان اخبار باین عنوانست که قنوت اول
پیش از رکوع لازمست و اهتمام بشان او بیشتر است از قنوت دویم و اگر دویم را نیز بجا آورد نور علی نور است
و اگر نماز جمعه نکنند مخیر است در قنوت در رکعت اول و دویم و در رکعت دویم بهتر است و محتملست که جمع
باین عنوان شود که اگر با امام اصل صلوات الله علیه کنند دو قنوت بخوانند و اگر جمعه را غیر امام اصل کنند یک
قنوت بخوانند پیش از رکوع و اگر ظهر کنند خواه بجماعت و خواه بانفراد یک قنوت بخوانند در رکعت دویم پیش در رکعت اول ۳
از رکوع و اول اظهر است پس ظاهر شد از اخبار صحیحه متواتره که قنوت جمعه نه مثل قنوت سایر نمازهاست و
صدوق و مشایخ او ازین اخبار غافل شده بودند و بعمومات قنوت عمل میکرده اند و در دو حدیث وارد
شده است که قنوت نیست در نماز جمعه نه در اول و نه در آخر حمل کرده اند بر انکه واجب نیست بلکه سنت است
و اظهر آنست که محمولست بر تقیه چنانکه در صحیح منقولست از ابو بصیر که گفت عبد الحمید سؤال کرد از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه و من در خدمت آنحضرت بودم از قنوت روز جمعه حضرت فرمودند که در رکعت
دویمست پس او عرض نمود که بعضی از اصحاب ما از شما روایت کردند که فرموده اید که در رکعت اولست حضرت
فرمودند که در رکعت دویمست و در مجلس آنحضرت جمعی کثیر از سنیان بودند پس چون ایشان مشغول یکدیگر
شدند خطاب فرمودند بمن که ای ابو محمد در رکعت اول و دویم است گفتم فدای تو گردم پیش از رکوعست یا
بعد از رکوع حضرت فرمودند که هر قنوتی پیش از رکوعست در رکعت دویم مگر نماز جمعه که در رکعت اول پیش
از رکوع است و در رکعت دویم بعد از رکوعست و بهمین مضمونست صحیحه دیگر و در موثق کالصحیح از سماعه منقولست
که گفت از انحضرت صلوات الله علیه سؤال کردم از قنوت نماز جمعه حضرت فرمودند که اما امام پس برو لازمست قنوت

در رکعت

در رکعت اول بعد از قرائت پیش از رکوع و در رکعت دویم بعد از رکوع پیش از سجود و نماز جمعه با امام
دو رکعتست پس کسی که بی امام نماز کند تنها آن چهار رکعتست بمنزله ظهر پس هر که خواهد در رکعت دویم پیش
از رکوع قنوت کند و اگر نخواهد نکند و در صحیح زراره گذشت از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که باسانید
صحیحه متکثره وارد شده است که آیه کریمه حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَوٰةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ در نماز
جمعه نازل شد و ظاهر اینست که نماز وسطی نماز جمعه است و واجبست در ان که ایستاده بجا آورند آنرا حتی خطبه آنرا که
بمنزله دو رکعتست و واجب است که قنوت بخوانند در نماز جمعه و محتملست که تاکید قنوت در نماز جمعه بیشتر باشد
لهذا دو قنوت وارد و حضرت فرمودند که این آیه در روز جمعه نازل شد در سفر و حضرت قنوت خواندند در نماز جمعه
یا ظهر سفر و آنرا بحال خود گذاشتند در سفر و حضر و در حضر نیز نماز جمعه را دو رکعت کردند از جهت دو خطبه
که بمنزله دو رکعتست پس کسی که تنها نماز کند چهار رکعت میکند مثل نماز ظهر باقی روزها و فرمودند که وقت
عصر روز جمعه وقت ظهر سایر ایامست و مفصل مذکور شد در اوایل کتاب صلوة وَقَالَ زُرَارَةُ قُلْتُ لَهُ عَلَىٰ
مَنْ تَجِبُ الْجُمُعَةُ قَالَ تَجِبُ عَلَىٰ سَبْعَةِ نَفَرٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَجِبُ جُمُعَةٌ لِأَقَلَّ مِنْ خَمْسَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ
أَحَدُهُمُ الْإِمَامُ فَإِذَا اجْتَمَعَ سَبْعَةٌ وَلَمْ يَخَافُوا أَمَّهُمْ بَعْضُهُمْ وَخَطَبَهُمْ و باسانید صحیحه منقولست از زراره
که گفت عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که نماز جمعه بر چند کس واجبست و اقل عدد آن چند است
حضرت فرمودند که بر هفت کس از مسلمانان که جمع شوند واجبست و جمعه واقع نمیشود در اجتماع کمتر از پنج کس
از مسلمانان که یکی از ایشان امام باشد پس هرگاه هفت کس جمع شوند و خوف از سنیان نداشته باشند یکی ازین
هفت کس امامت کند ایشانرا و خطبه بخواند از جهت ایشان و ازین حدیث ظاهر میشود که هرگاه هفت کس جمع
شوند نماز جمعه واجب عینی باشد و اگر پنج کس جمع شوند یا شش کس واجب تخییری باشد چنانکه مذهب شیخ
طوسی است و جمعی از قدما و متاخرین و مراد از امام پیشنماز است بقرینه مابعد و دلالت میکند بر انکه اذن
امام شرط نیست چون فرمودند که هفت کس هرگاه جمع شوند یکی از ایشان خطبه بخواند و امامت ایشان کند و بنا
خلاف ظاهر است که گویند که مراد از یکی از ایشان امام اصلست و شیخ طوسی علیه الرحمه در کتاب خلاف ذکر کرده است
که شرطست در نماز جمعه اذن حضرت امام معصوم صلوات الله علیه چون در زمان حضرت سید المرسلین صلی الله

علیه وآله و در زمان حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه کسی بی رخصت ایشان نماز جمعه نمیکرد همچنانکه
کسی بی رخصت ایشان قاضی نمیشد بعد از آن گفته است که اگر کسی گوید که شما در کتب حدیث خود روایت
کرده اید از ائمه معصومین صلوات الله علیهم که هرگاه پنج کس یا هفت کس جمع شوند و خوف نداشته باشند یکی
از ایشان امامت کند و خطبه بخواند و این حدیث و امثال این دلالت میکند بر آنکه اذن معصوم در کار نباشد
جواب میگوییم که این عبارت اذنست پس ظاهر میشود که منازعه لفظیست و ما رخصت از حضرات سید المرسلین
و ائمه طاهرین داریم در کردن نماز جمعه در زمان غیبت چون حکم ایشان در آن زمان جاریست در همه زمانها
تا روز قیامت باجماع کافه مسلمانان و بعضی توهم کرده اند که خطاب معدومین قبیح است عقلا و غلط کرده اند
زیرا که اگر معدوم را با موجود ضم کنند قبیح نیست و هیچ شک نیست که همه مسلمانان بخطابهای قرآن مجید مخاطبند
و متواترست که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله فرمودند که من از دنیا میروم و در میان شما میگذارم
کتاب الهی را و عترتم اهل بیتم را پس اگر ما مخاطب بکتاب نمیبودیم عبث بود گذاشتن کتاب و این معنی از ضروریات
دین مبین است و احادیث متواتره وارد است بر طبق این و در حدیث صحیح از عمر بن یزید منقولست که حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه در روز جمعه هفت کس جمع شوند پس می باید که نماز جمعه را
بجماعت واقع سازند و ردای برد یمانی بر دوش اندازد امام و عمامه بر سر گذارد و تکیه کند بر عصا یا کمان و
در میان دو خطبه بنشیند و قرائت را بلند بخواند و قنوت بخواند در رکعت اول پیش از رکوع و در صحیح از ابان
منقولست از ابو العباس که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که کمترین عددی که در نماز جمعه کافیست
هفت کس است یا پنج کس که اقل مجزیست از جهت انعقاد جمعه ولیکن بر هفت کس واجبست جمعه و بر پنج کس سنت
است یعنی مخیراند میان ظهر و جمعه و جمعه افضل است چنانکه در حدیث کالصحیح از حفص بن غیاث منقولست که
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که حق سبحانه و تعالی نماز جمعه را بر جمیع مؤمنین واجب گردانید
و رخصت داد زنان و بندگان و مسافران را که اگر خواهند حاضر شوند و اگر نخواهند نماز ظهر بگذارند و چون حاضر
میشوند این جماعت و امثال ایشان از کسانی که گذشت رخصت ساقط میشود و لازم میشود بر ایشان نماز جمعه
و اما اخبار خمسه پس در حدیث صحیح از منصور منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه

در روز جمعه هفت کس جمع شوند پس می باید که نماز جمعه را بجماعت واقع سازند و ردای برد یمانی بر دوش اندازند
و عمامه بر سر گذارند و تکیه کنند بر عصا یا کمان و در میان دو خطبه بنشینند و قرائت را بلند بخوانند و قنوت
بخوانند در رکعت پیش از رکوع و در صحیح از ابان منقولست از ابو العباس که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه فرمودند که کمترین عددی که در نماز جمعه کافیست هفت کسست یا پنج کس که اقل مجزیست از جهت انعقاد جمعه
ولیکن بر هفت کس واجبست جمعه و بر پنج کس سنت است یعنی مخیراند میان ظهر و جمعه و جمعه افضلست چنانکه
در حدیث کالصحیح از حفص بن غیاث منقولست که حضرت امام جعفر صادق ص فرمودند که حق سبحانه و تعالی نماز
جمعه را بر جمیع مؤمنین واجب گردانید و رخصت داد زنان و بندگان و مسافران را که اگر خواهند حاضر شوند
و اگر نخواهند نماز ظهر بکنند و چون حاضر میشوند این جماعت و امثال ایشان از کسانی که گذشت رخصت ساقط میشود
و لازم میشود بر ایشان نماز جمعه و اما اخبار خمسه پس در حدیث صحیح از منصور منقولست که حضرت امام جعفر صادق
فرمودند که هرگاه روز جمعه پنج کس جمع شوند یا زیاده می باید که نماز جمعه را بجا آورند و اگر کمتر از پنج کس باشند جمعه
منعقد نمیشود و نماز جمعه بر همه کس واجبست و هیچ کس معذور نیست در ترک آن مگر پنج کس زن و بنده و بیمار
و مسافر و طفل و صدوق در خصال روایت کرده است در صحیح از ابو بصیر از حضرت امام محمد باقر ص که جماعت یعنی
واحد حاصل نمیشود بکمتر از پنج کس و در حسن کالصحیح از زراره منقولست که آنحضرت ص میفرمودند که خطبه و نماز
جمعه دو رکعت لازم نیست بر کمتر از پنج کس امام و چهار کس و در صحیح از ابان از فضل منقولست که گفت از حضرت امام
جعفر صادق ص شنیدم که میفرمودند که هرگاه جمعی در قریه باشند نماز جمعه را چهار رکعت میکنند اگر کسی نداشته باشند
که خطبه تواند خواند و اگر کسی باشد در آن ده که خطبه تواند خواند نماز جمعه میکنند هرگاه پنج نفر باشند و چرا نماز جمعه را دو
رکعت میکنند از جهت دو خطبه که بمنزله دو رکعت است و در موثق کالصحیح از آنحضرت ص منقولست که فرمودند که جمعه حاصل
نمیشود تا پنج کس نباشند و اکثر علما عمل باین احادیث کرده اند و گفته اند که هرگاه بر پنج کس واجب باشد بر هفت کس نیز
واجب خواهد بود و منافاتی ندارد این اخبار با اخبار سابقه الا از جهت مفهوم و منطوق مقدمست بر مفهوم و
احوط آنست که هرگاه پنج کس باشند ترک نکنند نماز جمعه را و قال ابو جعفر صلوات الله علیه انما وضعت الرکعتان
اللتان اضافهما النبی صلی الله علیه وآله یوم الجمعة للمقیم لمکان الخطبتین مع الامام فمن صلی یوم الجمعة فی غیر

والحضر

جماعةً فليصلها اربعاً كصلوة الظهر في سائر الايام وقال وقت صلوة الجمعة يوم الجمعة ساعة تزول الشمس
ووقتها في السفر واحد وهو من المضيق وصلوة العصر يوم الجمعة في وقت الاولى في سائر الايام وباسانيد صحيحه
منقولست از زراره که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که ان دو رکعتی را که حضرت سید المرسلین
زیاد کرده بودند از جهت حاضر در نمازهای چهار رکعتی از نماز جمعه انداختند و زیاد نکردند از جهت دو خطبه
که امام در نماز جماعت جمعه میخواند و بجای دو رکعتست پس کسی که در روز جمعه نماز جمعه نکند نماز ظهر را چهار
رکعت خواهد کرد مانند نماز ظهر باقی روزهای هفته وانحضرت فرمودند که وقت نماز جمعه ساعتی بعد از
زوالست یا ساعت زوال افتابست چون نوافل جمعه را پیشتر میکنند و در اول وقت فریضه را بجامی اورند
چون مردمان از دو فرسخی می ایند تا پیش از شام بخانه خود توانند رفت و وقت جمعه تنکست و نماز عصر را در روز
جمعه در وقت ظهر سایر ایام بجامی اورند و برین مضمون احادیث متواتر وارد شده است و ظاهر میشود ازین
احادیث که وقت نماز جمعه دو قدمست بعد از زوال چون دو قدم وقت نافله است و بعد از دو قدم وقت فریضه است
چنانکه کذشت در اخبار متواتره پس انچه قایل شده اند بعضی بانکه وقت نماز جمعه بمقدار نماز جمعه است بی جهتست
واکر چنین باشد بر مردمان چنان تنک میشود که اکثر اوقات فوت شود چون اول زوال دیر ظاهر میشود و تا مقدار
نماز جمعه نکذرد نسبت باکثر مردم ظاهر نمیشود وجمعی کفته اند که چون بدل از ظهر است تا غروب میتوان کرد و از اخبار
متواتره ظاهر میشود که ظهر بدل از جمعه است چنانکه کذشت وخواهد امد و اکثر کفته اند که تا مقدار است که شاخص
هر چیزی مثل سایه سابق شود و در مثل مدینه مشرفه و مکه معظمه لازم می اید که در سه چهار ماه وقت نداشته باشد
چون سایه معدوم میشود یا کالمعدوم چنانکه مشاهد است و بعضی کفته اند که سایه مثل شخص شود و بر هر تقدیر دلیلی ندارند
بغیر از شهرت و غفلت از احادیث مثل انچه روایت کرده است زراره در صحیح که کفت از حضرت امام محمد باقر ص شنیدم
که فرمودند که بعضی از امور تنکست و بعضی فراخ و وقت نماز بر دو قسمست و هر دو فراخست بسیار بود که حضرت سید
المرسلین ص تعجیل میفرمودند و بسیار بود که تاخیر میفرمودند مکر نماز جمعه که از ایل وقتست نزد زوال و وقت عصر روز
جمعه وقت ظهر سایر ایام بود و بهمین مضمونست حدیث کالصحیح فضیل بن یسار از انحضرت ص پس وقت جمعه دو قدم یا شد
و دو قدم تنکست بسیار تا ظاهر میشود اول ظهر یک قدم تقریبا میکذرد مکر کسی که دایره هندی کشیده باشد

چنانکه کذشت و در دو قدم نماز جمعه و خطبه بعمل می اید خصوصا در فصل پاییز و زمستان و در صحیح
از حضرت امام جعفر صادق ص منقولست که فرمودند که وقت جمعه نزد زوالست و وقت عصر در روز جمعه
وقت ظهر است در سایر ایام و سنتست که بامداد بمسجد روند و منتظر وقت باشند تا چون وقت داخل شود
نماز جمعه را بجا اورند و در صحیح از عبد الله بن سنان منقولست که کفت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
فرمودند که چون در روز جمعه زوال افتاب شود ابتدا کن بنماز واجب اعم از جمعه و ظهر با عدم شرایط جمعه و در حسن
کالصحیح و موثق کالصحیح از اسمعیل بن عبد الخالق و در موثق کالصحیح از سعید اعرج منقولست که کفتند از انحضرت
سؤال کردیم از وقت ظهر انحضرت فرمودند که بعد از زوالست بیک قدم یا مثل ان مکر در روز جمعه یا در سفر که
وقت ان وقت زوالست و در حدیث صحیح از عبد الله بن سنان منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
فرمودند که حضرت سید المرسلین ص نماز جمعه میکردند اول زوال وقتی که بمقدار عرض بند نعلین از سایه ادمی شروع
در زیادتی میکرد تا محقق شود زوال و خطبه را در سایه پیش از زوال میخواندند یا در مقدار سایه بند نعلین و انحضرت
در خطبه بودند که جبرئیل ع میکفت یا محمد زوال شد از منبر بزیر آ و نماز کن و نماز جمعه دو رکعت مقرر شد از جهت
دو خطبه که بمنزله دو رکعتست و خطبه بمنزله نماز است تا امام از منبر بزیر اید و از انحضرت ص روایت کرده است
ابن سنان در صحیح که فرمودند که در نصف روز نماز واجب نیست مکر روز جمعه چون سایر ایام نماز واجب بعد از دو
قدم است و بدو سند و در صحیح و موثق کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق ص منقولست که فرمودند که وقت ظهر
روز جمعه زوال شمس است و جمعه ظهر روز جمعه است و کالصحیح از انحضرت ص منقولست که فرمودند که وقت عصر روز
جمعه وقت ظهر سایر ایام است و ازین باب اخبار بسیار است و بدو سند صحیح از زراره منقولست که حضرت امام
محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که نماز جمعه بر کسی واجبست که چون نماز صبح را در خانه خود بکند و براه افتد بنماز
جمعه برسد و حضرت سید المرسلین ص نماز عصر را در وقت ظهر باقی ایام بجامی اوردند تا انکه چون از ان فارغ شوند پیش
از شام بخانه خود توانند رسید و این سنتست تا روز قیامت و محتملست که مشار الیه نماز جمعه باشد یعنی حضرت سید
المرسلین بامر الهی این نماز را اول بجا اوردند و بعد از ان ایر امد یا انکه رعایت این مقدار مسافت سنتست چون انچه واجبست
تا دو فرسخ است و کاه باشد که در روزهای دراز چهار فرسخ راه توان امد و محتملست که مراد این باشد که نماز جمعه از زمان

حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه تا روز قیامت صغری که ظهور حضرت صاحب الامر است ص سنت است چنانکه
اکثر متاخرین بآن قائلند اگرچه استدلال باین دو حدیث نکرده اند و در حدیث حسن کالصحیح از محمد بن مسلم منقولست
که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق ص از نماز جمعه حضرت فرمودند که نماز جمعه واجبست از موضعی که
نماز جمعه میکنند تا دو فرسخ پس اگر زیاده از دو فرسخ باشد واجب نیست حاضر شدن اما اگر بیاید تا دو فرسخ
واجبست حاضر شدن اگر داند که میرسد بنماز جمعه و در حسن کالصحیح از زراره و محمد منقولست از حضرت امام محمد
باقر ص که نماز جمعه واجبست تا دو فرسخ و در موثق کالصحیح از محمد از آنحضرت ص منقولست که فرمودند که جمعه واجبست
بر کسی که از جای نماز جمعه تا او دو فرسخ باشد و معنی آن اینست که هرگاه امام عادل باشد و کالصحیح منقولست از حضرت
امیر المؤمنین ص که فرمودند که نماز جمعه واجبست بر هر مؤمنی مگر بر صبی و بیمار و دیوانه و مرد پیر و کور و مسافر و بنده
و کسی که بر سر دو فرسخ باشد یعنی زیاده از دو فرسخ و در حسن کالصحیح از زراره از حضرت امام محمد باقر ص منقولست که
فرمودند که نماز جمعه واجبست و جمع شدن از جهت کردن آن واجبست با امام پس اگر کسی بی علتی ترک کند سه نماز
جمعه را سه فریضه را ترک کرده است و کسی که سه نماز فریضه را ترک کند بی علتی منافقست و بعد از آن صدوق ذکر کرده است
که جمعه ساقطست از نه کس یکی از ایشان کسیست که بر سر دو فرسخ باشد و احادیث صحیحه دو فرسخ نیز گذشت پس زیاده محمولست
بر استحباب و ممکنست که حمل کنیم این دو حدیث را بر دو فرسخ چون سنتست که سعی بنماز جمعه را با رام تن بجا آورند و با رام دل بجا
آورند و مراد از سعی که در آیه وارد شده است دویدن نیست بلکه مراد از آن شدت اهتمامست بفعل آن چنانکه صدوق
در صحیح از حلبی روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق ص فرمودند که هرگاه متوجه نماز شوی بعنوان دویدن میاو با
سکینه دل و آرام تن بنماز حاضر شو و هرچه را دریابی بکن و هرچه را در نیابی بجا آور بعد از سلام امام بجا آور و معنی کلام الهی که فرموده است
در روز جمعه که سعی کنید بذکر الهی آنست که اهتمام بشأن آن داشته باشید که بجا آوری پس باسکینه و وقار در روزهای وسط
بلکه کوتاه منظور میباید باشد زیاده از دو فرسخ نمیتوان آمد پس هر دو تحدید برابر باشد مثل تحدید رضاع به پانزده و رضعه و مسافت قصر بهشت فرسخ و بیاض روز و عیران و روی عبد الرحمن بن ابی عبد الله عن ابی عبد الله ص انه قال لا
بأس ان تدع الجمعة فی المطر و در صحیح از آنحضرت ص منقولست که فرمودند که باکی نیست که ترک کنی نماز جمعه را در وقتی که باران
آید و بعضی از اصحاب تعمیم کرده اند که کل باران را چون سبب مشقتست و احوط آنست که اگر مشقت عظیم نباشد ترک نکند نماز
جمعه را و مفهوم دلالت میکند بر وجوب نماز جمعه در غیر باران و دلالت میکند بر آنکه در باران مخیر است و در غیر باران واجب عینی است
و روی محمد بن مسلم عن ابی جعفر صلوات الله علیه قال تجب الجمعة علی سبعة نفر من المسلمین و لا تجب علی اقل منهم الامام و قاضیه
و مدعیا حق و شاهدان و الذی

بازبینی شد ۱۴۲۱

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

لوامع صاحبقرانی

۱۲۹۱۶